

إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)

انتشارات انصار امام مهدي (ع)

الجواب المنير عبر الأثير

(الجزء الأول)

پاسخهای روشنگر بر بستر امواج

(جلد اول)

سید احمد الحسن

تحقیق اللجنة العلمية لأنصار الإمام المهدي (ع)

گردآوری و تنظیم: هیأت علمی انصار امام مهدي (ع)

نام کتاب	پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد ۱)
نویسنده	احمد الحسن (ع)
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (ع)
نوبت انتشار عربی	دوم
تاریخ انتشار عربی	۱۴۳۱ ق - ۲۰۱۰ م
نوبت انتشار ترجمه	دوم
تاریخ انتشار ترجمه	۱۳۹۴
کد کتاب	۱۲۰/۲
ویرایش ترجمه	دوم
دوزبانه‌سازی	امیر فهیمی انصاری

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (ع) يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي:

www.almahdyoon.org

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن (ع) به تارنماهای زیر

مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.co/ir

فهرست

- پیش گفتار ۵
- پرسش ۱: چگونه می‌توانم سید احمد الحسن (ع) را تصدیق نمایم..... ۶
- پرسش ۲: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟..... ۷
- پرسش ۳: چگونه عیسی (ع) پشت غیرپیامبر نماز می‌خواند؟!..... ۸
- پرسش ۴: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد...»..... ۱۱
- پرسش ۵: منظور از سگ اصحاب کهف چیست؟..... ۱۲
- پرسش ۶: تفسیر رویای رسیدن به حضور امیر المومنین (ع)..... ۱۴
- پرسش ۷: تفسیر رویا در مورد پشت بام و باغ سرسبز..... ۱۶
- پرسش ۸: آیا میوه چیدن آدم (ع) روی درخت تأثیر داشت؟..... ۱۷
- پرسش ۹: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟!..... ۱۸
- پرسش ۱۰: چگونه عمل به علم حروف..... ۱۹
- پرسش ۱۱: آیا زمان مرگتان را می‌دانید؟..... ۲۰
- پرسش ۱۲: ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مهم نموده، کدام است؟..... ۲۱
- پرسش ۱۳: آیا شما از محتومات هستی؟ و تمثیل کدام شخصیت می‌باشی؟..... ۲۳
- پرسش ۱۴: سخن خداوند متعال: «و اذ قال موسى لقومه... التواب الرحيم»..... ۲۶
- پرسش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می‌کنید که شما سفیر پنجم هستید..... ۳۵
- پرسش ۱۶: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟..... ۵۸
- پرسش ۱۷: این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است..... ۵۹
- پرسش ۱۸: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم چقدر است؟!..... ۶۰
- پرسش ۱۹: آیا شما وصی امام مهدی (ع) هستی یا فرزند او؟..... ۶۱
- پرسش ۲۰: نکاتی از داستان موسی (ع) در سفرش برای دیدار با حضر (ع)..... ۶۳
- پرسش ۲۱: زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن (ع)..... ۶۸
- پرسش ۲۲: آیا می‌توانید از غیبیاتی که اجازه‌شان داده شده است، مرا آگاه نمایید؟..... ۷۱
- پرسش ۲۳: روح القدسی که در قرآن آمده است، کیست؟..... ۷۲
- پرسش ۲۴: سخن خداوند متعالی: «و من یتق الله يجعل له مخرجاً...»..... ۷۶
- پرسش ۲۵: گروه‌هایی که شمشیر امام (ع) به سویشان کشیده می‌شود..... ۷۷

- پرسش ۲۶: وظیفه‌ی من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟ ۷۸
- پرسش ۲۷: توفیق سمری ۸۰
- پرسش ۲۸: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام (ع) است ۸۳
- پرسش ۲۹: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟ ۸۶
- پرسش ۳۰: نقشه‌ی دینی که آورده‌اید چیست؟ ۸۷
- پرسش ۳۱: شناخت شجره‌نامه‌ی کامل ۹۰
- پرسش ۳۲: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می‌نمایید ۹۱
- پرسش ۳۳: چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! ۹۴
- پرسش ۳۴: ادعای قیسی و نامه‌ی تکذیبیه‌ی نامه‌ی وصایت ۹۶
- پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدی درباره‌ی دو اسم مخفی در سوره‌ی فاتحه ۱۰۴
- پرسش ۳۶: چگونه می‌توانم باور کنم و حال آنکه مدعیان، بسیارند ۱۳۱
- پرسش ۳۷: چرا قرآن بر حسب نزول آیات جمع نشده است ۱۳۳
- پرسش ۳۸: چرا پلیس محکوم می‌شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشتشان است ۱۳۴
- پرسش ۳۹: حکم تراشیدن موی گونه‌ها در آرایشگاه‌ها چیست؟ ۱۳۶
- پرسش ۴۰: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی (ع) در زمان قائم چیست؟ ۱۳۷
- پرسش ۴۱: عمل با احتیاط به رساله‌های سه‌گانه ۱۴۲
- پرسش ۴۲: آل فلان در صیحه‌ی جبرئیل (ع) چه کسانی هستند؟ ۱۴۴
- پرسش ۴۳: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی ۱۴۵
- پرسش ۴۴: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل می‌دانید؟ ۱۴۶
- پرسش ۴۵: تهدید حمد آل ملحان ۱۴۷
- پرسش ۴۶: اگر مرا شفا دهی، خادم‌ت خواهم شد ۱۵۱
- پرسش ۴۷: بیست سؤال متنوع ۱۵۴
- پرسش ۴۸: چگونگی مشاهده‌ی امام مهدی (ع) و دعوت به مناظره ۱۶۲
- پرسش ۴۹: چرا برای عامه‌ی مردم معجزه ظاهر نمی‌کند؟ ۱۶۵
- پرسش ۵۰: لطفاً تفصیل خمس و زکات را بفرمایید ۱۶۷
- پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟! ۱۷۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیدی ومولای الیمانیا الموعود وصی ورسول الإمام المهدی (علیکما الصلاة والسلام ورحمة الله وبرکاته).

وصلت عبر الشبكة المعلوماتية عدد من الأسئلة یود أصحابها وكذلك نحن الجاهلون المقصرون الحصول على جوابها ... لنستنیر ونستزید من علمکم ... علم محمد وآل محمد (صلوات ربي عليهم أجمعين) ... فنأكل من ثمار محمد وآل محمد (صلوات ربي عليهم أجمعين) ... وتلك الثمار نفتخر أن نأخذها من يدك المباركة ... بل وأي يد تملكها غير اليد التي صافحت المعصوم ... بل هي قطعة منه (ع) أدامها الله نصرةً لدينه ونشر فضله ورحمته ... وعذراً للتقصير.

المتشرف بخدمته ربه

أبو محمد الجابر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا
سؤال های دریافت شده از طریق اینترنت که ارسال کننده های آنها و همچنين ما که جاهل و تقصيركاريم،
مشتاق دریافت پاسخ هایشان هستيم.... تا از نور شما بهره ای گیريم و از علم شما به ما افزوده گردد.... علم
محمد و آل محمد (ع).... و از میوهی محمد و آل محمد که سلام و صلوات پروردگارم بر همه ی ایشان باد،
تناول کنیم.... و افتخار ما این است که این میوه را از دست مبارک شما برگرفته ایم.... و چه دستی! دستی که
معصوم را لمس و با او مصافحه نموده است.... و حتی این دست، بخشی از وجود او (ع) می باشد. خداوند این
دست را برای یاری دینش و انتشار فضل و رحمتش حفظ فرماید.... عذر تقصیر دارم!

کسی که در خدمت به پروردگارش افتخار می کند

أبو محمد الجابر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پرسش ۱: چگونه می‌توانم سید احمد الحسن (ع) را تصدیق نمایم

السؤال / ۱: كيف أستطيع أن أصدق بأنّ السيد أحمد الحسن هو رسول ووصي الإمام المهدي (ع) بأقصر الطرق؟

زينب الموسوي - ١٦ / صفر / ١٤٢٦ هـ . ق

چگونه می‌توانم از طریق کوتاه‌ترین راه باور کنم که سید احمد الحسن، فرستاده و وصی امام مهدی (ع) می‌باشد؟

زينب موسوي - ١٦ صفر ١٤٢٦ هـ . ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

أقصر طريق للإيمان بالغيب هو الغيب، أسأل الله بعد أن تصومي ثلاثة أيام وتتوسلي بحق فاطمة بنت محمد (ص) أن تعرفي الحق من الله بالرؤيا أو الكشف أو بأي آية من آياته الغيبية الملكوتية سبحانه وتعالى.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

کوتاه‌ترین راه ایمان به غیب، خود غیب است. بعد از اینکه سه روز روزه گرفتی و به حضرت فاطمه (ع) دخت گرامی پیامبر (ص) متوسل شدی از خداوند بخواه که حقیقت را به وسیله‌ی رؤیا یا مکاشفه یا به هر نشانه‌ای از نشانه‌های غیبی ملکوتی خداوند سبحان و متعال، از سوی خداوند بشناسی.

أحمد الحسن



پرسش ۲: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟

السؤال / ۲: ما هي مضامين دعوتك وما أهدافها ؟

reta jorz - امرأة مسيحية - ۱۶ / صفر / ۱۴۲۶ هـ . ق

مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟

Reta Jorz - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

قال عيسى (ع): (ليس بالطعام وحده يحيى ابن آدم ولكن بكلمة الله)، وأنا عبد الله أقول لكم بالطعام يموت ابن آدم وبكلمة الله يحيى.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

حضرت عيسى (ص) فرمود: «بنی آدم فقط با غذا زنده نمی ماند بلکه کلام خداوند نیز انسان را زنده نگه می دارد» و من بندهی خداوند به شما می گویم که بنی آدم با غذا می میرد و با کلام خداوند زنده می شود. فدعوتي كدعوة نوح (ع) وكدعوة إبراهيم (ع) وكدعوة موسى (ع) وكدعوة عيسى (ع) وكدعوة محمد(ص). دعوت من همانند دعوت نوح(ع)، ابراهیم(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع) و مانند دعوت محمد(ص) می باشد؛

أن ينتشر التوحيد على كل بقعة في هذه الأرض، هدف الأنبياء والأوصياء هو هدي، وأبين التوراة والإنجيل والقرآن وما اختلفتم فيه، وأبين انحراف علماء اليهود والنصارى والمسلمين وخروجهم عن الشريعة الإلهية ومخالفتهم لوصايا الأنبياء (ع).

اینکه توحید در جای جای کره زمین انتشار یابد. هدف من همان هدف انبیا(ع) و امامان(ع) است. من تورات، انجیل و قرآن و اختلافاتی را که در آن دارید را برایتان واضح و آشکار می سازم و همچنین انحراف علمای یهود، مسیحی و مسلمان و خروجشان از دین الهی و مخالفت آنها را با وصیت های پیامبران(ع) را!

إرادتي هي إرادة الله سبحانه وتعالى ومشئته، أن لا يريد أهل الأرض إلا ما يريد الله سبحانه وتعالى، أن تمتلئ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، أن يشبع الجياع ولا يبقى الفقراء في العراء، أن يفرح الأيتام بعد حزنهم الطويل وتجد الأرامل ما يسد حاجتها المادية بعز وكرامة، أن، وأن أن يطبق أهم ما في الشريعة العدل والرحمة والصدق.

خواست و اراده‌ی من همان خواست و اراده‌ی خداوند سبحان و متعال است؛ اینکه ساکنان کره‌ی زمین جز به آنچه خداوند اراده فرموده است، عمل نکنند، زمین پر از عدل و داد شود همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، گرسنه‌ها سیر شوند و هیچ فقیری بی سرپناه نباشد، یتیم‌ها بعد از غم‌های طولانی شاد شوند و زنان بیوه نیازهای مادی خودی را با عزت و کرامت به دست آورند و و و اینکه عدالت، رحمت و صداقت که مهم‌ترین موارد در شریعت الهی می‌باشد، فراگیر گردد.

وأرجو أن تبيني لي اعتقادك بعيسى بن مريم (عليهما السلام) بكل صراحة، وأن تؤيدي اعتقادك بآيات من الإنجيل لكي يتسنى لي بيان الحق لك ولكل من يطلب الحق ويخاف القيامتين الصغرى والكبرى ويخاف المعاد ويخاف الله سبحانه وتعالى.

أحمد الحسن

از شما تقاضا می‌کنم اعتقادات به عیسی بن مریم (ع) را به طور واضح بیان کنی و همچنین پای‌بندی‌ات به آیات انجیل را، تا بتوانم حقیقت را برای شما و برای همه‌ی کسانی که خواهان حقیقت هستند و از دو قیامت صغری و کبری و از معاد و از خداوند سبحان و متعال می‌ترسند، بیان کنم.

احمد الحسن



پرسش ۳: چگونه عیسی (ع) پشت غیر پیامبر نماز می‌خواند؟!

السؤال / ۳: كيف تقولون أنّ النبي عيسى يظهر في آخر الزمان ويصلي خلف الشخص الذي تقولون أنّه ليس نبي وأسمه محمد المهدي، أليس هذا عجيب ؟ وكيف يصلي نبي خلف رجل ليس بنبي ؟

reta jorj - امرأة مسيحية - ١٦ / صفر / ١٤٢٦ هـ . ق

چطور می‌گویید که پیامبر خدا عیسی (ع) در آخر الزمان ظهور می‌کند و پشت سر کسی که می‌گویید پیامبر نیست و نامش محمد المهدی است، نماز می‌خواند؟! آیا این عجیب نیست؟! چطور یک پیامبر پشت سر کسی که پیامبر نیست، نماز می‌خواند؟!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

أيتها الأخت، إن صلاة نبي الله عيسى بن مريم (عليهما السلام) خلف الإمام المهدي (ع) تحتل أمرين:

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

ای خواهر! نماز خواندن پیامبر خدا حضرت عیسی بن مریم (ع) پشت سر امام مهدی (ع) از دو احتمال خارج نیست:

الأول: أن يكون الإمام المهدي (ع) أفضل من نبي الله عيسى (ع)، وطبعاً لا يكون الإمام المهدي (ع) أفضل إلا إذا كان له مقام النبوة، وفي هذه الحالة لا يوجد موضع للإشكال الذي طرحته. وحتى لو كنت أعتقد بهذا فإني سأطرح الاحتمال الثاني وأجيب عليه.

اول: اینکه امام مهدی برتر از عیسی (ع) باشد و به طور طبیعی امام مهدی (ع) نمی‌تواند برتر باشد مگر اینکه مقام نبوت را نیز دارا باشد که در این صورت، جایی برای بحث درباره‌ی اشکالی که شما طرح نمودید، وجود ندارد. با وجود اینکه من به این مورد معتقدم ولی احتمال دومی را نیز مطرح می‌کنم و به آن پاسخ می‌گویم.

الثاني: أن يكون عيسى (ع) أفضل من المهدي (ع)، وفي هذه الحالة يكون للإشكال الذي طرحته موضع في دائرة البحث عن الحق والحقيقة.

دوم: اینکه عیسی (ع) برتر از امام مهدی (ع) باشد؛ در این صورت اشکالی که شما مطرح نمودید، برای روشن شدن حق و حقیقت، جای بحث و بررسی دارد.

والجواب موجود في كتابي التوراة والإنجيل أو العهد القديم والجديد كما هو موجود في القرآن .

پاسخ، در دو کتاب تورات و انجیل یا عهد قدیم و عهد جدید وجود دارد؛ همان‌طور که در قرآن نیز موجود می‌باشد.

فمن التوراة أو العهد القديم أختار لك قصة شاؤول (أو طالوت) وداود (عليهما السلام)، فداود (ع) نبي من أنبياء الله وأفضل من طالوت ومع ذلك كان داود في بداية الأمر جندياً في جيش طالوت (ع) ويأتمر بأمره وتابعا له؛ لأنّ طالوت (ع) (أو شاؤول) ملك معيّن بأمر الله سبحانه وتعالى. فداود (ع) قتل جالوت (أو جليات) لعنه الله في الوقت الذي كان فيه داود (ع) جندياً من جنود طالوت. اقرئي صموئيل الأول: إصحاح ١٧ في التوراة، وقصة طالوت في القرآن الكريم.

از تورات یا عهد قدیم داستان شاؤول (یا طالوت) و داوود(ع) را برای شما انتخاب می‌کنم. داوود(ع) پیامبری از پیامبران خدا و برتر از طالوت می‌باشد، با این حال داوود در ابتدا، سربازی در سپاه طالوت(ع) بود و از دستورات وی پیروی می‌کرد و تابع وی بود؛ چرا که طالوت(ع) (شاؤول) پادشاهی بود که از جانب خداوند سبحان و متعال برگزیده شده بود. داوود(ع)، جالوت (جلیات) که لعنت خدا بر او باد را وقتی سربازی از سربازان طالوت بود به هلاکت رسانید. ساموئیل اول، اصحاح ۱۷ را در تورات و داستان طالوت در قرآن کریم را بخوان.

أما من الإنجيل أو العهد الجديد، فأختار لك قصة عيسى (ع) ويحيى (ع) (أو يوحنا)، فعيسى (ع) أفضل من يحيى (ع) ومع ذلك جاء عيسى (ع) ليعتمد من يوحنا أو يحيى (ع)، مع أنّ هذا الأمر يمثل التقديس والتطهير والتركيبة، وفي هذا المقام مثل يحيى (ع) (أو يوحنا) حجة الله على عيسى (ع)، جاء في إنجيل متى الأصحاح الثالث: (حينئذٍ جاء يسوع من الجليل إلى الأردن إلى يوحنا ليعتمد منه ولكن يوحنا منعه قائلاً أنا محتاج أن أعتمد منك وأنت تأتي إليّ. فأجاب يسوع وقال له اسمع الآن هكذا يليق بنا أن نكمل كل بر حينئذٍ سمح له فلما أعتمد يسوع صعد للوقت من الماء وإذا السماوات قد انفتحت له فرأى روح الله نازلاً مثل حمامة وأتيا عليه)^(١).

اما از انجیل یا عهد جدید، برای شما داستان عیسی(ع) و یحیی(ع) (یا یوحنا) را انتخاب می‌کنم. عیسی(ع) برتر از یحیی(ع) بود ولی با این حال عیسی(ع) آمد تا از یوحنا یا یحیی(ع) غسل تعمید بگیرد. این عمل، تمثیلی

^١- إنجيل متى الأصحاح الثالث: ١٣-١٦.

از تقدیس و تطهیر و تزکیه می‌باشد و در این مقام، یحیی (ع) (یوحنا) تمثیل حجت الهی بر عیسی (ع) می‌باشد. در انجیل متی اصحاب سوّم آمده است: «هنگامی که یسوع از جلیل به اردن به سوی یوحنا آمد تا از او تعمید یابد ۱۳ یوحنا در حالی که می‌گفت «من باید از شما تعمید یابم و حال آنکه شما به سوی من می‌آید؟!» او را منع نمود ۱۴ یسوع پاسخ داد و به او گفت: گوش فرا گیر؛ اکنون شایسته است که ما تمام نیکی را به کمال برسانیم. پس در این هنگام به او اجازه داد ۱۵ هنگامی که عیسی تعمید یافت فوراً از آب بیرون آمد و در ساعت، آسمان برای او گشوده شد؛ پس دید که روح خدا چونان کبوتری فرود و به سویش آمد ۱۶....»^(۱).

وفي كلا الحالين كان كل من داود وعيسى (ع) أفضل من يحيى وطالوت (عليهما السلام)،
والحمد لله وحده.

أحمد الحسن

در هر دو مورد، داوود و عیسی (ع) از یحیی و طالوت (ع) برتر بودند. والحمد لله وحده.

أحمد الحسن



پرسش ۴: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد...»

السؤال / ٤: أمّا الخمس فقد أبيض لشيعتنا إلى يوم الظهور، كيف أفهم هذه العبارة الشريفة
لحضرة سيدي ومولاي الإمام (ع)؟

علاء رزاق - ١٣ / ربيع الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

اما در رابطه با خمس که بر شیعه‌های ما تا روز ظهور مباح شد؛ چگونه بفهمم این عبارت شریف از آقا و مولایمان امام زمان (ع) است؟

علاء رزاق - ١٣ ربيع الأول ١٤٢٦ هـ ق

^۱ - انجیل متی: اصحاب سوم: ۱۳ تا ۱۶.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

لتطيب ولاداتهم، ويكون أنصاره أبناء حلال لا أبناء حرام إذا تكونت نطفهم وأجسامهم من مال حرام مغصوب من خليفة الله في أرضه، والخمس مال خاص فلصاحبه أن يضعه حيث يشاء، وليس لأحد أن يعترض عليه، وصاحبه هو الإمام المهدي (ع) في هذا الزمان وأوصياؤه.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

تا فرزندانشان سالم و پاک بمانند، و انصار ایشان از فرزندان حلال می‌باشند نه حرام که اگر نطفه و جسمشان از مال حرام پرورش یابند، مورد غضب خلیفه‌ی خدا در زمینش خواهند بود. خمس، مال خاص (امام) است؛ پس صاحبش می‌تواند آن را هر جا که بخواهد، مصرف کند و کسی نمی‌تواند به ایشان معترض شود. صاحب خمس در این زمان، امام مهدی (ع) و جانشینان او می‌باشند.

احمد الحسن



پرسش ۵: منظور از سگ اصحاب کهف چیست؟

السؤال/ ۵: هل من الممكن أن أعرف ما أو من المقصود بكلب أصحاب الكهف، وإن كان كلباً عادياً فلماذا ورد ذكره أكثر من مرة في هذه القصة، وأحياناً بصيغة الجمع (.... وخامسهم كلبهم)^(۱)؟ أرجو التوضيح.

علاء رزاق - ۸/ ربيع الأول/ ۱۴۲۶ هـ . ق

۱- قال عز وجل: (سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهراً وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا) الكهف: ۲۲.

ممکن است که برایمان توضیح دهید که منظور از سگ اصحاب کهف چیست یا چه کسی است؟ اگر یک سگ عادی است، چرا اسمش چند بار در این قصه آمده و گاهی هم با صیغه ی جمع (... پنجمین شان، سگشان بود)^(۱) آمده است؟

علاء رزاق - ۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب : بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

كان مع أصحاب الكهف (ع) كلبٌ اعتيادي أيضاً، ولكن الأمر المهم لم يكن هذا الكلب بل من يُسيّر هذا الكلب ويسيطر عليه، وهو من الجن واسمه قطمير (وللجن هذه القدرة من العروض على الحيوان كالقط والكلب وتسييره)، وأراد هذا الجن قطمير أن يلفت انتباههم من خلال هذا الكلب إلى وجوده وقدرته على مساعدتهم بعد إيمانهم بدعوتهم، وقطمير من الجن الذين لهم القدرة على ملء القلوب رعباً وزلزلة قلوب الشجعان، قال تعالى: ﴿وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَاراً وَلَمَلَأْتْ مِنْهُمْ رُعباً﴾^(۲). والذي كان يُملى قلوب من يقترب منهم رعباً هو هذا الجن قطمير الذي كان يتولى حراستهم. وقطمير هو أحد أنصار القائم (ع)^(۳).

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

۱ - خداوند عزوجل می فرماید: (خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمیشان، سگشان بود و می گویند: پنج تن بودند و ششمیشان، سگشان بود. تیر به تاریکی می افکنند و می گویند: هفت تن بودند و هشتمیشان سگشان بود. بگو: پروردگار من به تعداد آنها داناتر است و شمار ایشان را جز اندک کسان، نمی دانند. پس تو درباره ی آنها جز به ظاهر مجادله مکن و در این خصوص از کسی نظر مخواه) « کهف: ۲۲.

۲ - الكهف: ۱۸.

۳ - سبحان الله لقد سُئل يمانى آل محمد (ع) كما سُئل جدّه أمير المؤمنين (ع) عن كلب أصحاب الكهف، فقد جاء وفد من أحبار اليهود لعمر بن الخطاب، فقالوا له: يا عمر أنت ولي الأمر بعد محمد (ع) وصاحبه، فسألوا عمر عدّة أسئلة فأطرق برأسه ولم يجب، فقالوا: نشهد أن محمداً لم يكن نبياً وان الإسلام باطل. فوثب سلمان الفارسي لليهود وقال لهم قفوا قليلاً، ثم جاء إلى أبي الحسن علي بن أبي طالب (ع)، فأخذوا يسألونه عن عظام الأمور، فكان مما سألوه عن كلب أصحاب الكهف.

روى الشيخ الأميني في الغدير رواية طويلة مما جاء فيها: فوثب اليهودي قائماً وقال: يا علي إن كنت عالماً فأخبرني ما كان لون الكلب واسمه؟ فقال: يا أبا اليهود حدثني حبيبي محمد صلى الله عليه وسلم إن الكلب كان أبلق بسواد وكان اسمه "قطمير" قال فلما نظر الفتية إلى الكلب قال بعضهم لبعض: إنا نخاف أن يفضحنا هذا الكلب بنبيحه فألحوا عليه طرداً بالحجارة، فلما نظر إليهم الكلب وقد ألحوا عليه بالحجارة والطرده ألقى على رجليه وتمطى وقال بلسان طلق ذلق: يا قوم لم تطردوني وأنا أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، دعوني أحرصكم من عدوكم وأتقرب بذلك إلى الله سبحانه وتعالى. فتركوه ومضوا فصعد بهم الراعي جبلاً وانحط بهم أعلى كهف. الغدير: ج ۶ ص ۱۵۲.

به همراه اصحاب کهف(ع) یک سگ عادی نیز بود ولی مسأله‌ی مهم خود این سگ نبود بلکه کسی بود که این سگ را هدایت می‌کرد و بر او احاطه داشت و او یک جن به نام قطمیر بود (جن این قدرت را دارد که حیواناتی مثل گربه و سگ را هدایت و راهنمایی کند) و این جن (قطمیر) خواست از طریق این سگ، توجه آنان را به وجود و قدرتش برای کمک به آنان بعد از ایمان آوردن به دعوتشان، جلب کند. قطمیر از جمله جن‌هایی است قدرت پر کردن دل‌ها از ترس و لرزاندن قلب‌های شجاعان را دارند. خداوند متعال می‌فرماید: (و سگشان بر درگاه غار، دو دستش را دراز کرده بود. اگر سر وقتشان می‌رفتی گریزان بازمی‌گشتی و از آنها سخت می‌ترسیدی)^(۱) و آن که قلب‌های کسانی که نزدیکشان می‌شد را آکنده از ترس و وحشت می‌کرد، همین جن (قطمیر) بود که حراست آنها را بر عهده داشت و قطمیر یکی از یاران قائم(ع) می‌باشد^(۲).

احمد الحسن



پرسش ۶: تفسیر رویای رسیدن به حضور امیر المومنین(ع)

السؤال / ۶: شكر للاهتمام بإنسان ضال مثلي يبحث عن إمامه ويمنعه عن ذلك أنانيته وحبّه للدنيا، والآن لدي رؤيا أود طرحها عليكم، وأتصورها تدور حول موضوع السيد أحمد الحسن.

^۱ - كهف: ۱۸.

^۲ - سبحان الله از یمانی آل محمد(ع) درباره‌ی سگ اصحاب کهف همان سؤالی پرسیده شد که از جدش امیر المؤمنین(ع) پرسیده شد. گروهی از احبار یهود نزد عمر بن خطاب رفتند و به او گفتند: «ای عمر، تو ولی امر بعد از محمد و بار او هستی» و سؤالاتی از عمر پرسیدند. او سرش را پایین انداخت و پاسخ نگفت. پس گفتند: شهادت می‌دهیم که محمد پیامبر نبود و اسلام باطل است. سلمان فارسی ناگهان به سمت یهودیان رفت و به ایشان گفت که کمی صبر کنند. سپس نزد ابو الحسن علی بن ابی طالب(ع) رفت و آنها از او از بزرگ‌ترین امور سؤال کردند که از جمله، سگ اصحاب کهف بود. شیخ امینی در الغدیر در ضمن حدیثی طولانی روایت می‌کند: یهودی ناگهان ایستاد و گفت: ای علی، اگر تو عالم هستی به ما بگو رنگ و نام سگ چیست؟ فرمود: «ای برادر یهودی، حبیب محمد مرا باخبر کرد که سگ، ابلق تیره و نامش قطمیر بود. فرمود: هنگامی که جوان مردان به سگ نگاه کردند، بعضی به بعضی دیگر گفتند: می‌ترسیم این سگ با آوازش ما را آشکار کند، و شروع به پرتاب کردن سنگ به سوی او کردند. سگ به آنها که به سویش سنگ می‌انداختند و می‌خواستند از خود برانندش نگاه کرد، روی پاهایش نشست و با زبانی گویا گفت: ای جماعت، مرا از خود نرانید و من شهادت می‌دهم که خدایی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد، وجود ندارد، اجازه دهید شما را در برابر دشمنانتان محافظت کنم و از این طریق به خدای سبحان و متعال نزدیکی جویم. او را رها کردند و اجازه دادند. پس با ایشان از دامنه‌ی کوه بالا رفت و با ایشان بر بالای غار شد». الغدیر: ج ۶ ص ۱۵۲.

از توّجه شما به انسان گمراهی مثل خودم که به دنبال امامش هست ولی خودخواهی و حبّ دنیا مانعش می‌شود، بسیار سپاسگزارم. رؤیایی دیده‌ام که مایلیم با شما در میان بگذارم و تصوّر می‌کنم درباره‌ی موضوع سید احمد الحسن باشد.

قبل حوالي السنة من الآن كنت ومجموعة من الأصدقاء نتباحث حول موضوع السيد أحمد الحسن ومدى صحة كلامه، وفي نفس الليلة رأيت في المنام: أني وأخي فهمي وصديقي سيد غالب واقفين بباب حضرة الإمام علي (ع)، الباب الذي يسبق باب الضريح الطاهر، واقفين ننظر إلى الضريح المحاط بهالة من النور عبر باب الضريح، أي وكأننا عبرنا الباب الأول وباقي أماننا الباب الثاني. هذه الرؤيا والله العالم.

علاء رزاق - ٧/ ربيع الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

یک سال پیش من و گروهی از دوستانم درباره‌ی موضوع سید احمد الحسن و میزان صحّت سخنانش بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. در همان شب من در خواب دیدم که خودم و برادرم و دوستم سید غالب، جلوی دربِ مرقد امام علی (ع) ایستاده بودیم؛ همان دری که قبل از درِ ضريح مطهر می‌باشد و به ضريح که با نور زیادی احاطه شده بود نگاه می‌کردیم. گویا ما از درِ اول رد شدیم و فقط درِ دوم، مقابل ما باقی مانده بود. این رؤیای من بود و خداوند داناتر است.

علاء رزاق - ٧ ربيع الأول ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

هي كذلك إن شاء الله.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

إن شاء الله که چنین است.

احمد الحسن



پرسش ۷: تفسیر رؤیا در مورد پشت بام و باغ سرسبز

السؤال / ۷: ذات مرّة رأيت سيدي ومولاي الإمام المهدي (ع) في المنام يكلمني من خلال نافذة الغرفة وأنا في داخلها، حيث قال لي: بأني (أي هو (ع)) قريب جداً، ثم أشار إلى بيت بسيط كان قريب من ذلك المكان، وقال: هذا بيتي وإذا صعدت إلى السطح ستجد حديقة خضراء واسعة. ما هو تفسير السيد أحمد الحسن لهذه الرؤيا؟ جزاكم الله خيراً.

علاء رزاق - ۶/ ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

یک بار مولا و آقایم امام زمان (ع) را در خواب دیدم که از پنجره‌ی اتاق با من صحبت می‌کرد؛ در حالی که من داخل اتاق بودم. به من فرمود: من بسیار نزدیک هستم. سپس به خانه‌ی بزرگی که نزدیک آنجا بود اشاره کرد و گفت: این خانه‌ی من است، اگر به پشت بام (آن خانه) بروی باغ سرسبز بزرگی خواهی دید. سید احمد الحسن، تفسیر این خواب چیست؟ خداوند به شما خیر دهد!

علاء رزاق - ۶ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

أمّا الخضار فهو الدين، وأمّا السطح فهو الارتقاء في ملكوت السماوات.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

سرسبز بودن، دین و پشت بام، بالا رفتن در ملکوت آسمان‌ها می‌باشد.

وفي هذه الرؤيا وجه بسيط بين يديك وهو موقع الأنصار على الشبكة والحديقة الخضراء الواسعة هي العلم الموجود في الموقع، والسطح هو الأثير طريق الاتصال في الشبكة، والنافذة هي نافذتك على الموقع، والبيت البسيط هو الموقع نفسه لأنه صغير بحجمه.

أحمد الحسن

این رؤیا یک صورت ساده‌ای هم دارد که پیش روی شما حاضر است: سایت انصار در اینترنت و باغ سرسبز، دانش موجود در این سایت و پشت بام، همان امواج یعنی راه اتصال به اینترنت و پنجره همان پنجره‌ی سایت و خانه‌ی بزرگ نیز خودِ سایت می‌باشد؛ چرا که پنجره در مقایسه با سایت کوچک‌تر است.

احمد الحسن



پرسش ۸: آیا میوه چیدن آدم (ع) روی درخت تأثیر داشت؟

السؤال ۸/: عندما قطف سيدنا آدم (ع) من الشجرة، هل أثر ذلك المقطوف على تغيير حلقة كانت ضمن واجبات هذه الشجرة؟

علاء رزاق - ۱۳/ ربيع الأول/ ۱۴۲۶ هـ . ق

زمانی که حضرت آدم (ع) از آن درخت میوه چید آیا آن میوه‌ی چیده شده بر مجموعه تکالیف و واجبات مربوط به این درخت، تأثیری داشت؟

علاء رزاق - ۱۳ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

الشجرة هي شجرة علم آل محمد (ص)، وهي نفسها لم تتأثر ولكن آدم (ع) لم ينتفع منها؛ لأنه لم يؤذن له الأخذ منها، قال تعالى: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ - وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾^(۱)، بل تضرر وانسحب هذا الضرر على بعض ذريته (ع)، ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ﴾^(۲).

أحمد الحسن

^۱ - طه: ۱۱۵.

^۲ - طه: ۱۱۶.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
 آن درخت، درخت علم آل محمد (ع) می‌باشد که خودش تأثیر نمی‌پذیرد ولی آدم (ع) از آن درخت سود نبرد؛
 چرا که اجازه‌ی چیدن از آن درخت به وی داده نشده بود. خداوند متعال می‌فرماید: (و ما پیش از این با آدم
 پیمان بستیم ولی فراموش کرد و او را استوار و ثابت‌قدم نیافتیم)^(۱). حتی متضرر شد و این ضرر شامل بعضی
 از نسل آدم (ع) نیز شد: (و آنگاه که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند جز ابلیس که
 سرپیچی نمود)^(۲).

احمد الحسن



پرسش ۹: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟!

السؤال / ۹: بعد السلام ... أريد أن أعرف كيف تثبت للعوام أنك كذلك ...، وأيضاً أريد أن
 أعرف ما هو الفقه عندك والأحكام الفقهية، هل هي نفسها عند الفقهاء الموجودين الآن أو
 تختلف، وإذا كانت تختلف هل تستطيع إعطاءنا مثلاً على ذلك ... مع جزيل الشكر.

صادق / ماجستير علوم دينية - ۲۵ / صفر / ۱۴۲۶ هـ . ق

بعد از سلام.... می‌خواهم بدانم شما چطور به مردم ثابت کنی این گونه که اعدا می‌کنی هستی.... و نیز
 می‌خواهم بدانم که نظر شما درباره‌ی فقه و احکام فقهی چیست؟ آیا احکام فقهی شما همان احکامی هستند
 که فقهای موجود صادر کنند یا فرق دارد و اگر فرق می‌کند مثالی در این مورد بزنید. با سپاس و تشکر.

صادق - فوق لیسانس علوم دینی - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

^۱ - طه: ۱۱۵.

^۲ - طه: ۱۱۶.

أثبت أني كذلك كما أثبت نوح (ع) وهود (ع) ومحمد (ص) أنهم كذلك بالله سبحانه تعالى. أما بالنسبة للفقهاء فلك أن تسأل وعلي أن أوصول لك الجواب.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
من ثابت می‌کنم که چنین هستم همان طور که نوح(ع)، هود(ع) و محمد(ص) ثابت کردند که چنان هستند. اما در رابطه با فقه، شما باید بپرسی و من جواب را برایتان می‌فرستم.

احمد الحسن



پرسش ۱۰: چگونگی عمل به علم حروف

سؤال / ۱۰: السلام عليكم ورحمه الله وبركاته

أدامكم الله لخدمه الدين الإسلامي الحنيف وسنة الرسول الأعظم محمد (ص) وآله الطاهرين من كل معصية وإثم، أدامكم الله لخدمه مولانا الإمام صاحب العصر والزمان، وجعلنا الله وإياكم من أنصاره وخدامه، سؤالنا لجناب السيد الجليل هو: عن علم الحروف الجليل، و كيف العمل به بتفاصيله (من نعم الله عليك حاجة الناس إليك) أدامكم الله عزاً ووقاراً.

صفاء الديسي - ٢٤ / ربيع الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

سلام عليكم ورحمت الله وبركاته

خداوند شما را برای خدمت به دین حنیف اسلام و سنت رسول اکرم (ص) و خاندان پاک و معصوم آن حضرت از هر گناه و معصیتی مصون دارد. خداوند شما را برای خدمت به مولایمان صاحب الزمان (ع) حفظ کند و ما و شما را از یاران و خادمان آن حضرت قرار دهد! سؤال ما از جناب سید گران قدر درباره‌ی علم گران سنگ حروف

و تفصیل نحوه‌ی عمل به آن می‌باشد. از نعمت‌هایی که خداوند به شما داده است، نیاز مردم به شما است. خداوند شما را با عزت و وقار حفظ فرماید.

صفا الدیسی - ۲۴ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

ستجد جواباً لبعض سؤالك في تفسير سورة التوحيد الذي سيصدر في المستقبل إذا بقيت الحياة إن شاء الله، والله الأمر من قبل ومن بعد، وربما وفقني الله سبحانه وتعالى لإصدار كتاب عن علم الحروف في المستقبل إن شاء الله.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

پاسخ برخی از سؤال‌هایت در کتاب تفسیر سوره‌ی توحید که اگر عمری باشد انشاء الله به زودی منتشر خواهد شد^(۱)، موجود می‌باشد، و همه‌ی امور از ابتدا تا انتها به دست خداوند است. شاید خداوند سبحان و متعال توفیقم داد تا در آینده کتابی درباره‌ی علم حروف منتشر کنم، انشاء الله.

احمد الحسن



پرسش ۱۱: آیا زمان مرگتان را می‌دانید؟

السؤال / ۱۱: تحیه طیبه ..

سیدی هل تعلم بساعة موتك بواسطة إمامك ؟

reta jorj - امرأة مسيحية - ۲۵ / ربیع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

^۱ - این کتاب هم‌اکنون منتشر و به فارسی نیز ترجمه شده است (مترجم).

با سلام و تحيات پاک....

سرور من، آیا زمان مرگتان را به واسطه‌ی امام خود می‌دانید؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ٢٥ ربیع الأول ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

أعرف علامات وآيات إذا رأيتها علمت باقتراب ساعة رجوعي إلى الله سبحانه وتعالى.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

علامت‌ها و نشانه‌هایی را می‌شناسم که اگر آنها را ببینم زمان نزدیک شدن بازگشتم به سوی خدای سبحان و متعال را خواهم دانست.

احمد الحسن

پرسش ١٢: ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مهم نموده، کدام است؟

السؤال / ١٢: إلى السيد المحترم أحمد الحسن

تحية طيبة ..

ما المواصفات التي أهلتك لهذه المهمة أو لنقل ماهية المواصفات التي ميزتك عن باقي أبناء الشيعة لكي يختارك مهديكم لسفارته؟؟؟ وشكراً

reta jorj - امرأة مسيحية - ٢٥ / ربيع الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

به سيد بزرگوار احمد الحسن

با عرض سلام و تحيات پاک....

ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مأموریت کرده یا ویژگی‌هایی که شما را از دیگر فرزندان شیعه متمایز ساخته است تا مهدی (ع) شما را برای جانشینی و نمایندگی خود انتخاب کند کدام‌ها هستند؟ با سپاس.
Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

عندما كلم الله موسى (ع)، قال له: إذا جئت للمناجاة فاصحب معك من تكون خيراً منه، فجعل موسى (ع) لا يعترض أحداً إلا وهو لا يجترئ أن يقول أني خير منه، فنزل عن الناس وشرع في أصناف الحيوانات حتى مرّ بكلب أجرب، فقال: أصحب هذا، فجعل في عنقه حبلاً ثم مرّ به، فلما كان في بعض الطريق نظر موسى (ع) إلى الكلب، وقال له: لا أعلم بأي لسان تسبح الله فكيف أكون خيراً منك؟ ثم إنّ موسى (ع) أطلق الكلب وذهب إلى المناجاة. فقال الرب: يا موسى أين ما أمرتك به؟ فقال موسى (ع): يا رب لم أجده، فقال الرب: يا ابن عمران، لولا أنك أطلقت الكلب لمحت أسمك من ديوان النبوة^(۱).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

زمانی که خداوند با موسی (ع) سخن گفت، به او فرمود: هر وقت به مناجات آمدی با خودت کسی را بیاور که تو از او برتر باشی. موسی (ع) به هر کسی که برخورد می‌کرد جرأت نمی‌کرد به وی بگوید از او برتر است. پس انسان‌ها را رها کرد و سراغ حیوانات رفت تا اینکه از کنار یک سگ بیمارِ گر گذر کرد. گفت: این را می‌برم. بر گردنش ریسمانی نهاد و آن را به دنبال خود کشید. اندکی از راه را رفته بود که موسی (ع) نگاهی به سگ انداخت و گفت: نمی‌دانم تو با کدام زبان خداوند را تسبیح می‌گویی؛ پس چطور می‌توانم از تو برتر باشم؟ موسی (ع) سگ را رها کرد و به مناجات رفت. پروردگار فرمود: آنچه به تو امر کردم کجا است؟ موسی (ع) فرمود: پروردگارا، نیافتمش! پس پروردگار فرمود: ای پسر عمران، اگر آن سگ را رها نمی‌کردی قطعاً نامت را از دیوان پیامبران محو می‌کردم^(۲).

^۱ - راجع: عدّة الداعي: ص ۲۰۴.

^۲ - رجوع نماید به عدّة الداعي: ص ۲۰۴.

وأنا العبد الحقير لا يخطر في بالي أني خير من كلب أجرب، بل أراني ذنباً عظيماً يقف بين يدي
رب رؤوف رحيم.

أحمد الحسن

من بندهی حقیر به فکرم خطور نمی کند که از سگ مریضی هم برتر باشم؛ چرا که پروردگار رؤوف رحیم مرا
از گناه بزرگم در پیشگاهش آگاه ساخته است.

احمد الحسن



پرسش ۱۳: آیا شما از محتومات هستی؟ و تمثیل کدام شخصیت می باشی؟

السؤال / ۱۳: سيدي الفاضل .. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سمعنا بدعوتكم في أول بدايتها وحاولنا رؤيتكم والتكلم معكم بخصوصها في النجف
الأشرف، ولكن لم نوفق لذلك لحكمة يعلمها الله.

سيد بزرگوار من.... سلام عليكم و ورحمة و برکاته

دعوتتان را از ابتدای آغاز آن شنیدیم و سعی کردیم شما را ببینیم و در رابطه با دعوتتان با شما در نجف اشرف
صحبت کنیم؛ ولی به دلیل حکمتی که خداوند از آن آگاه است، موفق به این کار نشدیم.

سيدي ... أنعم الله علينا بمعرفة أهل البيت (ع)، ومحاولة الحصول على محبتهم بأي طريق
يرتضونه، وكنا نتصور في بداية أمرنا أن طريق المرجعية والاجتهاد هو الطريق الواضح والصحيح
ليقربنا إليهم والفوز بمحبتهم (ع)، ولكن الله أنعم علينا وبصّرنا بهذا الطريق ومدى سوءه وتأميره
عليهم (ع)، ووجدنا أنفسنا نبتعد عن طريق الحق كلما جهدنا في السير (لا تزيدهم سرعة السير
إلا ابتعاداً)، فالحمد لله الذي أنعم علينا بهذه المعرفة قبل خمس أو ستة سنوات تقريباً، ومنذ ذلك
الوقت ونحن نبحت عن ما يلم شعثنا، ويعيد تركيب كياننا الذي حطماناه قربته لله، بعد أن
وجدناه مليئاً بالأوثان ومسالك الشيطان، فالحمد لله والشكر له.

سرورم.... خداوند با شناخت اهل بیت (ع) و تلاش برای کسب محبت ایشان (ع) بر ما منت نهاد. ابتدا فکر می‌کردیم مرجعیت و اجتهاد راه آشکار و درست نزدیک شدن ما به اهل بیت (ع) و جلب محبت آنان می‌باشد ولی خداوند بر ما منت نهاد و ما را از ناراستی و میزان ناشایستگی آن و خیانت آنها علیه ایشان (ع) آگاه نمود. هر چه در این راه سیر کردیم، خود را دورتر از حق یافتیم (سرعت حرکت کردن، جز به دوری نمی‌افزود). پس سپاس خداوندی را که این شناخت را تقریباً پنج یا شش سال پیش ارزانی ما داشت و از آن زمان به دنبال چیزی می‌گردیم که ما را متحد کند و اساس کیان ما را که با تیت تقرب به سوی خداوند ویرانش کرده بودیم از نو بنیان کند؛ پس از آن که آن را آکنده از بت‌ها و راه‌های شیطانی یافتیم! پس حمد و ستایش مخصوص خداوند است و شکر از آن او.

سیدی، تتبعنا قضیتک واطلعنا علی ما صدر منکم بأجمعه تقریباً، ودعونا لکم سراً
وعلانیه، وبصّرنا الناس بأمرکم والحق الذی تتبعونه اعتماداً علی رؤی وإشارات أنعم الله بها
علینا. سیدی عذراً لإطالتي، ولكن لدي ما أسأل والأمر لکم بالإجابة أو عدمها:

آقای من! ما قضیه‌ی شما را دنبال کردیم و تقریباً از تمامی چیزهایی که ارایه نمودید اطلاع یافتیم و آشکارا و نهان به سوی شما دعوت کردیم و با تکیه بر اشارات و رؤیاهایی که خداوند با آنها بر ما منت نهاد، مردم را از شما و از حقیقتی که از آن پیروی می‌کنید آگاه ساختیم. سرورم، از اینکه کلام طولانی شد عذرخواهم؛ ولی سؤال‌هایی دارم که پاسخ‌گویی یا پاسخ ندادن به آنها به اختیار شما است:

۱- هل أنتم من المحتوم أم لا ؟

۲- إذا كنتم من المحتوم فأی شخصیه تمثلون ؟

۳- وهل أنتم الأول أم الثاني من الشخصیه ؟

۴- سیدی ورد فی الأحادیث بأنّ أمير المؤمنین والحسین وباقي الأئمة (ع) سیرجعون إلى الدنيا، فهل الرجوع بالشخص أم بالشخصیه ؟ وإذا كانت بالشخصیه فأی معصوم تمثلون. ولكم الشکر علی تفضلکم.

فهمي صالح - ۲۷ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

- ١ - آیا شما از محتومات (علايم حتمی) هستيد يا خير؟
- ٢ - اگر شما از محتومات هستيد، در قالب کدام شخصيت می‌باشيد؟
- ٣ - آیا شما از شخصيت‌های اول هستيد يا دوم؟
- ٤ - آقای من در احاديث آمده است که اميرالمؤمنين، امام حسين و ساير ائمه (ع) به دنيا برمی‌گردند؛ آیا رجعت توسط خود امان صورت می‌گیرد يا در قالب شخصيت‌های ديگر؟ و اگر رجعت در قالب شخص ديگر است شما بيانگر کدام شخص معصوم هستيد؟ سپاس‌گذارم.

فهمی صالح - ٢٧ ربيع الأول ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

(١)، (٢)، (٣)، (٤): أنا العبد الحقير الخسيس الذليل قليل العمل كثير الزلل أراني ذنباً عظيماً بين يدي رب رؤوف رحيم، أمرني أبي وسيدي محمد بن الحسن المهدي (ع) أن أقول هذه الكلمات: (أنا حجر في يمين علي بن أبي طالب (ع) ألقاه في يوم ليهدي به سفينة نوح (ع)، ومرة لينجي إبراهيم (ع) من نار نمرود، وتارة ليخلص يونس (ع) من بطن الحوت، وكلم به موسى (ع) على الطور وجعله عصاً تفلق البحار، ودرعاً لداود (ع)، وتدرّج به في أحد وطواه بيمينه في صفين).

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

١، ٢، ٣ و ٤: من، بنده‌ی حقیر بی‌ارزش ذلیل کم‌عمل با گناهان بسیار، خود را گناهی بزرگ در پیشگاه پروردگار رؤوف رحيم می‌بینم. پدرم و آقایم محمد بن الحسن المهدي (ع) به من دستور داده‌اند که این سخنان را بگویم: «من سنگی در دست اميرالمؤمنين علی (ع) هستم؛ روزی آن را انداخت تا به وسیله‌ی آن کشتی نوح (ع) را هدایت کند، و بار دیگر برای نجات ابراهيم (ع) از آتش نمرود و بار دیگر برای نجات يونس (ع) از شکم نهنگ، و موسی (ع) به وسیله‌ی آن در کوه طور با خداوند سخن گفت و آن را عصایی قرار داد تا دریاها را شکافت و زرهی برای داود (ع)، و در جنگ احد آن زره‌پوش را به تن کرد و در جنگ صفين آن را پیچید و مخفی نمود».

احمد الحسن



پرسش ۱۴: سخن خداوند متعال: «و اذ قال موسى لقومه... التواب الرحيم»

السؤال / ۱۴: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^(۱).

بسم الله الرحمان الرحيم: (و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما به آن سبب إلى سماحة السيد أحمد الحسن وصي ورسول الامام المهدي، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

که گوساله را پرستیدید، بر خود ستم روا داشتید. اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری نزد آفریدگارتان ستوده‌تر است. پس خدا توبه‌ی شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است)^(۲).
به جناب سید احمد الحسن، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی(ع)، سلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

أنا مواطن مسلم شيعي سمعت بدعوتك وأعطيتها من وقتي الكثير، لا لأنني مؤمن بها أو بك، ولكن عسى— ولعل الله سبحانه أن يكون لقائي بالإمام المهدي على يدك، فأنا يا سيدي مللت عبادة الأصنام البشرية ممن يسمون أنفسهم المراجع العظام، وهم فعلاً (عظام ورميم)، ولشدة لهفي لما سمعت من بياناتك وأنت تسقط تلك الوثنية الجاثمة على صدر الأمة، أمة محمد (ع)، فالذي أرجوه منك بحق جدك إن كنت من ذرية الرسول، أن تدعوا لي بأن أتشرف ولو في الحلم برؤية الإمام المهدي، الذي أصبح شبه خيال أطارده ولا ألقاه. أنا يا سيدي حزين وحزين وبعده عنا، أو قل كما تشاء بعدي عنه، لا يهمني أي شيء سوى لقائي به، أريد أن أكون إنساناً بالمعنى الذي يريده الله ورسوله، آسف سيدي لأخذي من وقتك الكثير ولكن أراك بارقة أمل من مكان بعيد، وشكراً. والسلام عليكم ... أخوك في الله .. أبو مريم

من یک شهروند مسلمان شیعه هستم که دعوتتان را شنیدم و وقت زیادی صرف دعوت شما کردم؛ نه از این رو که به دعوت شما یا به خود شما ایمان دارم بلکه از این جهت که شاید خداوند سبحان دیدارم با امام زمان را به دست شما مقرر فرماید. ای سرورم، من از عبادت بت‌های انسانی یعنی کسانی که خودشان را مراجع عظام

^۱ - البقرة: ۵۴.

^۲ - بقره: ۵۴.

می‌نامند در حالی که استخوان‌های پوسیده‌ای بیش نیستند، خسته شدم و چقدر خوشحال شدم وقتی بیانات شما را شنیدم و اینکه شما آن بت‌هایی را که بر صدر امت یعنی امت محمد(ص) تکیه زده‌اند را از بین خواهید برد. چیزی که من از شما می‌خواهم این است که اگر شما از ذریه‌ی رسول اکرم(ص) هستید به حق جدت مرا به دیدار امام زمان(ع) دعا کنید؛ حتی اگر در خواب نایل شوم. سرورم، من به خاطر دروی ایشان از ما، یا بهتر بگویم به خاطر دوری‌ام از ایشان بسیار ناراحت و نگرانم و هیچ چیز جز دیدارم با ایشان(ع) برایم مهم نیست. می‌خواهم کسی باشم که مورد پسند خداوند و رسول خدا(ص) می‌باشد. از اینکه وقتتان را گرفتم بسیار متأسفم ولی من شما را نور امیدی می‌بینم که از دور می‌درخشد، با سپاس. سلام بر شما.... برادر دینی شما.... ابو مریم.

ملاحظة: إذا كان هناك جواب فلا أريده من الأنصار إلا من السيد شخصياً ولا اعتقده يتعالى عن الرد؛ لأن رسالتي موجهة إليه.

أبو مریم - ٢٣ / ربيع الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

توجه: اگر قرار است جوابی به این نامه داده شود می‌خواهم که خود سید احمد الحسن جواب دهد نه انصار وی؛ و تصور نمی‌کنم از پاسخ دادن به آن صرف نظر کنند زیرا این نامه متوجه خود ایشان می‌باشد.

أبو مریم - ٢٣ ربيع الأول ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

الأخ أبو مریم .. أنا وأعوذ بالله من الأنا العبد الفقير المسكين المستكين بين يدي ربه.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

برادر، ابو مریم.... من و پناه می‌برم به خدا از منیت، بنده‌ی فقیر مسکینِ درمانده در پیشگاه پروردگارش، به خداوند پناه می‌برم.

أدعوك وكل من يطلب الحقيقة لتحمل فأساً كما حمله إبراهيم (ع)، وتحطم كل الأصنام التي تعبد من دون الله، بما فيها الصنم الموجود بين جنبيك وهو الأنا.

شما و همه‌ی کسانی که در جست‌وجوی حق هستند را دعوت می‌کنم به اینکه مثل ابراهیم (ع) تبری بردارند و همه‌ی بت‌هایی را که به جای خداوند پرستیده می‌شوند، نابود کنند؛ از جمله بتی که در بین دو پهلوی شما قرار دارد که همان منیّت می‌باشد.

وأكثر من ذكر الله، واعلم أنك مهما أكثرت لن تعدو الغافلين حتى توالي ولي الله وتكون من الساجدين.

بسیار خداوند را یاد کنید و بدان، هر قدر خداوند را یاد کنید باز هم از غافلین می‌باشی تا ولی خدا را پیروی کنی و از سجده‌کننده‌ها باشی.

وأقل العرجة على الدنيا، واعلم أنك مهما زهدت فيها حريص حتى تقتحم العقبة، وتفك رقبتك من نار الدنيا والآخرة.

میل به دنیا را کم کن و بدان که هر قدر زهد پیشه کنی باز هم طمعی به دنیا هست تا اینکه از آن گردنه عبور کنی و خود را از آتش دنیا و آخرت، رهایی بخشی.

عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: (قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ: ﴿فَلَا افْتَحَمَ الْعُقَبَةَ﴾، فَقَالَ: مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِوَلَايَتِنَا فَقَدْ جَازَ الْعُقَبَةَ وَنَحْنُ تِلْكَ الْعُقَبَةُ الَّتِي مَنِ افْتَحَمَهَا نَجَا، قَالَ: فَسَكَتَ، فَقَالَ لِي: فَهَلَّا أُفِيدُكَ حَرْفًا خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: قَوْلُهُ: ﴿فَاكُ رَقَبَتِي﴾، ثُمَّ قَالَ: النَّاسُ كُلُّهُمْ عَبِيدُ النَّارِ غَيْرِكَ وَأَصْحَابِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فَكَ رِقَابِكُمْ مِنَ النَّارِ بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ)^(۱). وقال عيسى (ع): طوبى لمن لا يعثر بي.

ابان بن تغلب می‌گوید: به ابو عبد الله (ع) عرض کردم: فدایتان شوم، معنای آیه‌ی: (و از آن گردنه عبور نکرد) چیست؟ ایشان (ع) فرمودند: «کسی که خداوند او را به ولایت ما گرامی بدارد از این گردنه عبور می‌کند. ما همان گردنه‌ای هستیم که هر کس بتواند از آن بگذرد نجات یافته است». ابان می‌گوید: سکوت کرد و بعد به من فرمود: «آیا سخنی را به تو بیاموزم که از دنیا و هر آنچه در آن است برایتان ارزشمندتر و بهتر است؟». گفتم: بله فدایتان کردم. ایشان (ع) فرمودند: «خداوند فرموده است: (آزاد کردن بنده‌ای)» سپس فرمود:

^۱ - الكافي: ج ۱ ص ۴۳۰، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۲۸۵.

«همه‌ی مردم برده و بنده‌ی آتش اند غیر از تو و یارانت؛ چرا که خداوند شما را به خاطر ولایت ما اهل بیت (ع) از آتش جهنم رها ساخته است»^(۱) و عیسی (ع) فرمود: «خوش به حال کسی که علیه من برنمی‌خیزد».

انحر نفسك بين يدي ربك لتفوز اليوم وغداً بكأس لن تظماً بعده أبداً، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۖ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۖ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾، وعن الإمام الرضا (ع) قال: (سمعت أبي موسى بن جعفر، يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد، يقول: سمعت أبي محمد بن علي يقول: سمعت أبي علي بن الحسين، يقول: سمعت أبي الحسين بن علي، يقول: سمعت أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، يقول: سمعت النبي (ص) يقول: سمعت الله عز وجل، يقول: لا إله إلا الله حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي، قال: فلما مرّت الراحلة نادانا: بشروطها، وأنا من شروطها)^(۲).

والحق أقول لكم: وأنا من شروطها.

خودت را در پیشگاه پروردگارت قربانی کن تا امروز و فردا به جامی برسی که پس از نوشیدن آن، دیگر هرگز تشنه نخواهی شد. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: (ما کوثر را به تو عطا کردیم * پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن * که بدخواه تو، خود، ابتر است). امام رضا (ع) فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که فرمود: از پدرم محمد بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن حسین شنیدم که فرمود: از پدرم حسین بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن ابی طالب (ع) شنیدم که فرمود: شنیدم رسول خدا (ص) فرمود: شنیدم خداوند عزوجل می‌فرماید: لا اله الا الله دژ و قلعه‌ی استوار من است، هر کس وارد این قلعه شود از عذاب من در امان خواهد بود». هنگامی که شتر به راه افتاد، امام رضا (ع) به ما فرمود: «با شرایطی، و من از شرایط آن هستم». و حق را به شما می‌گویم: و من از شرایط آن هستم.

أتيتكم باسم الإمام المهدي (ع)، ولم أطلب مشيئتي بل مشيئة الذي أرسلني .. فمن لا يقبلني لا يقبل أبي الذي أرسلني. والحق أنّ من لا يكرم الابن لا يكرم الأب الذي أرسله.

^۱ - کافی: ج ۱ ص ۴۳۰ ؛ بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۲۸۵.

^۲ - عيون أخبار الرضا (ع): ص ۱۴۵، بحار الأنوار: ج ۳ ص ۷.

به نام امام مهدی (ع) به سوی شما آمده‌ام و خواهان اراده و خواست خود نیستم بلکه خواهان اراده و خواست کسی هستم که مرا فرستاده است... پس کسی که مرا قبول نکند، پدری که مرا فرستاده را قبول نکرده است، و حقیقت این است: کسی که پسر را اکرام نکند پدری که او را فرستاده اکرام نکرده است.

لن أشكوكم إلى الله، بل سيشكوكم جدّي رسول الله (ص)؛ لأنه وصّى بي وذكر اسمي ونسبي وصفتي.

از شما به خداوند شکایت نخواهم کرد بلکه جدّم رسول خدا (ص) از شما شکایت خواهد کرد؛ چرا که او مرا در وصیّت خود ذکر کرده است و اسم و نسب و ویژگی‌هایم را بیان فرموده است.

وسيشكوكم آبائي الأئمة (ع)؛ لأنهم ذكروني باسمي ونسبي وصفتي وسكّني.

پدرانم ائمه (ع) از شما شکایت خواهند کرد چون آنها مرا به اسم، نسب، خصوصیات و محل سکونتّم ذکر کرده‌اند.

وستشكوكم دماء الحسين (ع) التي سالت في كربلاء لله؛ ولأجل أبي (ع) ولأجلي.

خون امام حسین (ع) که در کربلا که به خاطر خداوند و برای پدرم (ع) و به خاطر من جاری شد، از شما شکایت خواهد کرد.

وسيشكوكم إشعيا وارميا ودانيال ويوحنا البربري؛ لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلاً، كل هذا وتخذلونني؟

و اشعيا، ارميا، دانیال و یوحنا بربری (ع) از شما شکایت خواهند کرد؛ چرا که آنها موضوع مرا از سال‌های طولانی پیش از این، برای اهل زمین روشن کرده‌اند. با همه‌ی اینها باز شما مرا تنها می‌گذارید؟!

أريد حياتكم ونجاتكم فأعينوني على أنفسكم، طوبى لمن ينحر نفسه بين يدي ربّه، طوبى لمن لا يعثر بي، طوبى للغرباء المجانين عند أهل الأرض، العقلاء عند أهل السماء.

من خواهان زندگی و نجات شما هستم، پس به خاطر خودتان مرا یاری کنید. خوش به حال کسی که خود را قربانی پروردگارش کند و خوش به حال کسی که علیه من برنخیزد و خوش به حال غریب‌های دیوانه از دید اهل زمین، که در پیشگاه اهل آسمان، عاقلان اند.

إذا كنت تريد رؤية الإمام المهدي (ع)، فادعوا بهذا الدعاء أربعين ليلة بعد منتصف الليل:

اگر می‌خواهی امام زمان (ع) را رؤیت کنی، چهل شب بعد از نیمه شب این دعا را بخوان:

بسم الله الرحمن الرحيم

(اللهم أنت دليل المتحيرين، ومفزع المكروبين، وغياث المستغيثين، مالي إله غيرك فأدعوه، ولا شريك لك فأرجوه، صل على محمد وآل محمد واجعل لي من أمري فرجاً، واهدني لأقرب من هذا رشداً، قرعت بابك، وأنخت رحلي بساحة قدسك وجنابك، طالباً شهادتك، وأنا العبد الخسيس الذليل وأنت الرب العزيز الجليل، بين لي أمر أحمد الحسن بأوضح بيان، وأفصح لسان، فإن كان وليك، صدّقته وبايعته ونصرته، وإن كان عدوك، كذبتّه وحاربته، يا من أوحى للحواريين وشهد لهم بأن عيسى (ع) رسوله ﴿وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^(۱)،

به نام خداوند بخشاینده‌ی بخشایش‌گر

خداوندا! تویی راهنمای سرگشتگان و پناهگاه دردمندان و یاری‌گر یاری‌طلبان، جز تو خدایی ندارم که بخوانمش و هیچ شریکی نداری که چشم امید به او داشته باشم، بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایشی برای مشکل من فراهم فرما و مرا به نزدیک‌ترین راه رشد هدایت فرما، درب سرای تو را کوبیدم و بازم را مقابل ساحت مقدّس تو و در جنب تو بر زمین گذاشتم در حالی که خواهان گواهی و شهادت تو می‌باشم. من بنده‌ی خوار ذلیل هستم و تو پروردگار عزیز بزرگوار. مسأله‌ی احمد الحسن را برای من با واضح‌ترین بیان و گویاترین زبان، روشن فرما؛ که اگر از اولیای تو باشد او را تصدیق و با او بیعت و او را یاری می‌کنم ولی اگر دشمن تو باشد او را تکذیب می‌کنم و با او می‌جنگم. ای کسی که به حواریون وحی فرمود و برای آنها گواهی داد که عیسی (ع)

فرستاده‌اش است: «و به حواریون وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید. گفتند: ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم شدگانیم»^(۱)،

اشهد لي وبين لي هذا الأمر، فقد شهد شعري وبشري ولحمي ودمي وعظمي، وما أقلت الأرض مني وروحي، إنَّ شهادتك أكبر شهادة ﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ﴾^(۲)، یا من عرض نفسه للكافرين برسالة محمد (ص) شاهداً، فقال: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ﴾^(۳)، ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^(۴)، ﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾^(۵)،

برای من هم گواهی ده و این مسأله را برایم روشن فرما، پوست و مو و گوشت و خون و استخوانم و هر چه از روح و جسم من در زمین هست، شهادت می‌دهد که گواهی تو بزرگ‌ترین گواهی است: «بگو: شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگ‌تر است؟ بگو: خدا میان من و شما شهادت می‌دهد»^(۶)، ای کسی که خودش را برای کافری برای رسالت محمد(ص) شاهد قرار داد و فرمود: «و کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا برای شهادت میان من و شما کافی است»^(۷)، «یا می‌گویند: این کتاب، دروغی است که خود بافته است. بگو: اگر من آن را چون دروغی به هم بافته باشم، شما نمی‌توانید خشم خدا را از من باز دارید. خدا از آن طعن‌ها که به آن می‌زنید آگاه‌تر است و شهادت او میان من و شما کافی است و او است آمرزنده‌ی مهربان»^(۸)، «بگو شهادت خدا میان من و شما کافی است؛ زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است»^(۹)

فزهدهوا بشهادتك، اشهد لي يا رب فاني لا أزهد بشهادتك، وأشهد أنّ الرؤيا حق من عندك، وطلائع وحيك، وكلماتك التي تفضلت بها على العالمين، يا من مدح إبراهيم وجعل النبوة في ذريته؛

^۱ - مائده: ۱۱۱.

^۲ - الأنعام: ۱۹.

^۳ - الرعد: ۴۳.

^۴ - الأحقاف: ۸.

^۵ - الإسراء: ۹۶.

^۶ - انعام: ۱۹.

^۷ - رعد: ۴۳.

^۸ - احقاف: ۸.

^۹ - إسراء: ۹۶.

لأنه صدق الرؤيا، فقلت سبحانك: ﴿وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ❖ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^(١)، ومدحت مريم، فقلت: ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا﴾^(٢)، يا من خاطب محمداً (ص)، فقال: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ❖ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾^(٣)،

أنها گواهی تو را نادیده گرفتند. پروردگارا، به من گواهی ده که من گواه و شهادت تو را نادیده نمی گیرم و گواهی می دهم که رؤیا، واقعیت و حقی است از جانب تو و نشانه های وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضل فرمودی. ای کسی که ابراهیم (ع) را مدح کردی و پیامبری را در نسل ایشان قرار دادی؛ چرا که ایشان رؤیا را تصدیق نمود و تو خدای سبحان فرمودی: « ما ندایش دادیم: ای ابراهیم * رؤیا را تصدیق کردی و ما این چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم »^(٤)، و مريم را مدح کردی و فرمودی: « و مريم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او کلمات پروردگارش را تصدیق کرد »^(٥)، ای کسی که محمد (ص) را خطاب قرار دادی و فرمودی: « با این قرآن که به تو وحی کرده ایم، بهترین داستان را برای حکایت می کنیم، که تو پیش از این از بی خبران بودی * آنگاه که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، دیدم که سجده ام می کنند »^(٦)،

فسمیت الرؤيا أحسن القصص في كتابك الكريم، ومدحت من صدق بها من أوليائك
وأنبيائك ورسلك، وذممت من كذب بها وسماها أضغاث أحلام، فقلت وقولك الحق: ﴿اقترب
للناس حسابهم وهم في غفلةٍ معرضون ❖ ما يأتيهم من ذكرٍ من ربهم محدثٍ إلا استمعوه وهم
يلعبون ❖ لاهية قلوبهم وأسروا النجوى الذين ظلموا هل هذا إلا بشرٌ مثلكم أفتأتون السحر وأنتم
تبصرون ❖ قال ربي يعلم القول في السماء والأرض وهو السميع العليم ❖ بل قالوا أضغاث أحلام بل
افتراه بل هو شاعرٌ فليأتنا بآيةٍ كما أرسل الأولون﴾^(٧)،

١- الصافات: ١٠٤-١٠٥.

٢- التحريم: ١٢.

٣- يوسف: ٣-٤.

٤- صافات: ١٠٤ و ١٠٥.

٥- تحريم: ١٢.

٦- يوسف: ٣ و ٤.

٧- الأنبياء: ١-٥.

پس رؤیا را در کتاب گران‌قدرت بهترین حکایت نامیدی و هر کس از اولیایت و پیامبران و فرستادگانت که رؤیا را باور و تصدیق کرد، مدح فرمودی و کسانی که آن را تکذیب کردند و آن را خواب و خیالی پریشان و بی‌اساس نامیدند، سرزنش نمودی و در حالی که سخن تو حق است، فرمودی: «روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی‌گردانند * از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه‌ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند * دل‌های‌شان به لهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شما است؟ آیا با آنکه به چشم خود می‌بینید، همچنان از پی جادو می‌روید؟ * گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و دانا است * گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که به هم می‌بافد یا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد»^(۱)،

وقال ملأ فرعون وزبانیته: ﴿أَضْعَاثُ أَخْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَخْلَامِ بِعَالَمِينَ﴾^(۲)، وصدق يوسف بالرؤيا وأولها فمدحته، وقلت سبحانك: ﴿يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ﴾^(۳)، اللهم اجعلني كأوليائك وأنبياك ورسلك، أصدق بالرؤيا، طلائع وحيك وكلماتك التي تفضلت بها على العالمين، وأحسن القصص في كتابك، ولا أنقض عهدك ولا أخلف وعذك).

و فرعون و یارانش گفتند: «اینها خواب‌های آشفته است و ما را به تعبیر این خواب‌ها، آگاهی نیست». یوسف رؤیا را تصدیق و آن را تأویل نمود و تو ای خدای سبحان او را ستودی و فرمودی: «ای یوسف، ای مرد راست‌گوی»^(۴)، خداوندا! مرا همانند اولیایت و پیامبران و فرستادگانت قرار ده تا رؤیا که شعاعی از وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضل فرمودی و آن را بهترین حکایت در کتابت قرار دادی، باور کنم و عهد و پیمانم را با تو نشکنم و وعدهات را فراموش نکنم.

ثم تقول: (أغثني يا رب بحق فاطمة، ارحمني يا رب بحق فاطمة، اهدني يا رب بحق فاطمة).

أحمد الحسن

^۱ - یوسف: ۴۴.

^۲ - یوسف: ۴۴.

^۳ - یوسف: ۴۶.

^۴ - یوسف: ۴۶.

سپس می گویی: پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (ع) یاریم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (ع) به من رحم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه (ع) مرا هدایت فرما!

احمد الحسن

پرسش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می کنید که شما سفیر پنجم هستید

السؤال / ۱۵: أنتم الشيعة تقولون: بأنّ السفراء أربعة وانقطعت بعدها السفارة، فكيف تثبت بالدليل النقلی والعقلی من (القرآن، والتوراة، والإنجيل) بأنك سفیر رقم (٥) ؟

reta jorj - امرأة مسيحية - ٢٥ / ربيع الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

شما شیعیان معتقدید که سفرای امام زمان چهار نفر هستند و بعد از آن، سفارت قطع شده است. چطور با دلیل عقلی و نقلی از قرآن، تورات و انجیل ثابت می کنید که شما سفیر پنجم هستید؟!

Reta Jorj - زن مسیحی - ٢٥ ربيع الأول ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

في التوراة سفر الملوك الثاني الأصحاح الثاني: (وكان عند إصعاد الرب إيليا في العاصفة إلى السماء وأخذ إيليا رداءه ولفه وضرب الماء فانطلق إلى هنا وهناك فعبّر كلاهما في اليبس ولما عبّرا قال إيليا لليشع اطلب ماذا أفعل لك قبل أن أؤخذ منك فقال اليسع ليكن نصيب اثنين من روحك علي فقال صعبت السؤال فإنّ رأيتني أؤخذ منك يكون لك كذلك وإلا فلا يكون وفيما هما يسيران ويتكلمان إذا مركبة من نار وخيل نزلت ففصلت بينهما فصعد إيليا في العاصفة إلى السماء وكان اليسع يرى وهو يصرخ يا أبي يا أبي مركبة إسرائيل وفرسانها ولم يره بعد ...).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

در تورات دومین سفر پادشاهان اصحاب دوم آمده است: « ۱ و چون پروردگار اراده نمود تا ایلیا را در گردباد به آسمان برد... ۸ و ایلیا ردایش را گرفت و آن را پیچاند و آن را به آب زد و آب به این سو و آن سو شکافته شد و هر دویشان به خشکی عبور نمودند ۹ و هنگامی که عبور کردند، ایلیا به یسع گفت: قبل از اینکه از تو گرفته شوم آنچه را می‌خواهی برای انجام دهم، بخواه. پس یسع گفت: نصیب مضاعف روح تو بر من شود ۱۰ پس ایلیا گفت: درخواست بزرگی طلب نمودی! پس اگر هنگامی که من از نزد تو گرفته می‌شوم، مرا ببینی، برای تو چنین خواهد شد وگرنه نخواهد شد. ۱۱ و چون این دو راه می‌رفتند و صحبت می‌کردند، ناگهان ارابه‌ی آتشین و اسبان نزول کردند و بینشان جدایی انداخت. پس ایلیا در گردباد به آسمان بالا رفت ۱۲ و یسع این صحنه را می‌دید و او فریاد می‌زد: پدر! پدر! ارابه‌ی اسرائیل و سوارانش! و دیگر او را ندید...».

هذا هو حال نبي الله ورسوله إيليا (ع) وهو مرفوع، ولم يمت إلى الآن ويعمل في الأرض أعمالاً كثيرة لله سبحانه وتعالى، ولكن لا يراه أهل الأرض؛ لأنهم عميان وإن كانت عيونهم مفتوحة، وأيضاً نظير إيليا (ع) الخضر (ع) وهو أيضاً مرفوع وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض، وعيسى (ع) كذلك مرفوع وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض، والإمام المهدي (ع) محمد بن الحسن (ع) كذلك وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض.

این وضعیت پیامبر خدا و فرستاده‌اش ایلیا(ع) است که مرفوع می‌باشد و تا حالا نمرده است و در زمین کارهای زیادی را برای خداوند سبحان و متعال انجام می‌دهد؛ ولی ساکنان زمین او را نمی‌بینند، چون کور هستند اگر چه چشمانشان باز است و نیز مانند ایلیا(ع)، خضر(ع) می‌باشد که او نیز مرفوع است و به دستور خداوند سبحان وظایفی در زمین دارد و همچنین عیسی(ع) که مرفوع است و اعمالی به امر خداوند سبحان در زمین دارد و امام مهدی(ع) محمد بن الحسن(ع) که او نیز مرفوع است و به امر خداوند سبحان، وظایفی در زمین دارد.

وفي بداية رفع عيسى (ع) أرسل أوصيائه ورسلاً من عنده لتثبيت الحق الذي جاء به من عند الله سبحانه ونشر دين الله في أرضه، ومن هؤلاء: شمعون الصفا، أو كما هو اسمه في الإنجيل سمعان بطرس، وكذلك يوحنا البربري، أو كما هو في الإنجيل يوحنا اللاهوتي.

در آغاز غیبت عیسی(ع)، جانشینان و فرستادگان وی فرستاده شدند تا حقیقتی را که عیسی(ع) از جانب خداوند آورده بود تثبیت کنند و دین خداوند را روی زمین منتشر نمایند. از جمله‌ی ایشان، «شمعون صفا» یا آن

گونه که در انجیل نامیده شده است «سمعان پطرس» و همچنین «یوحنا بربری» که اسمش در انجیل «یوحنا لاهوتی» است، می‌باشند.

ثم إنَّ الرسالة من عيسى (ع) انقطعت ولا يعني انقطاعها فترة من الزمن انقطاعها إلى الأبد، فلا يوجد دليل عقلي أو نقلي يؤيد هذا الغرض، بل الدليل على عكسه، وهو إرسال عيسى (ع) من يمثله إذا حان وقت عودته واقتربت القيامة الصغرى، وسأورد الدليل فيما يأتي إن شاء الله.

سپس رسالت عیسی (ع) متوقف شد؛ ولی اینکه مدتی رسالت ایشان متوقف شود به این معنی نیست که تا ابد خاتمه یافته است. هیچ دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که این موضوع را تأیید کند بلکه دلایلی وجود دارد که عکس این قضیه را ثابت می‌نماید؛ از جمله اینکه عیسی (ع) هنگام بازگشتش و نزدیک شدن قیامت صغری، کسی را که تمثیلی از او است، ارسال می‌کند؛ که انشاء الله دلیلش را خواهیم آورد.

أما بالنسبة للإمام المهدي (ع)، فقد أرسل سفراءه الأربعة في غيبته الصغرى التي استمرت ما يقارب السبعين عاماً، ثم انقطعت السفارة والإرسال من الإمام المهدي (ع)، وأيضاً لا يدل انقطاعها فترة من الزمن انقطاعها إلى الأبد، بل الدليل على إرساله رسولاً عنه (ع) يمثله إذا اقترب قيامه وحان وقت القيامة الصغرى، وسأورد الدليل فيما يأتي إن شاء الله.

اما در خصوص امام مهدی (ع)، سفرای چهارگانه‌اش را در مدت غیبت صغری فرستاد؛ غیبتی که نزدیک هفتاد سال طول کشید. سپس سفارت و ارسال از جانب امام مهدی (ع) متوقف شد و در اینجا هم توقف برای مدتی به معنای خاتمه یافتن آن برای همیشه نیست؛ بلکه دلیلی وجود دارد که وقتی قیام امام مهدی (ع) نزدیک شود و هنگامه‌ی قیامت صغری برسد، فرستاده‌ای از جانب که خود تمثیلی از او می‌باشد، می‌فرستد، که انشاء الله دلیل را خواهیم آورد.

والآن وقبل بحث مسألة الدليل على إرسالهم رسولاً عنهم يمثلهم، لنبحث أمر هؤلاء الأربعة (ع)، أي الخضر وإيليا وعيسى ومحمد بن الحسن المهدي (ع) هل هم واحد أم أنهم مفترقون؟
حال قبل از اینکه دلیل ارسال فرستاده‌ای از سوی ایشان که تمثیلی از این چهار نفر یعنی خضر، ایلیا، عیسی و محمد بن الحسن المهدي (ع) باشد را بیاورم، باید ببینیم که آیا مأموریت آنها یکی است یا با هم فرق می‌کند؟

والحق أنّ أمرهم واحد، وهم متحدون وغير مفترقين ولا اختلاف بينهم؛ لأنّ ربهم واحد ودينهم واحد وهو التسليم لله سبحانه، وجميعهم يدعون لله وبأمره يعملون، والحق الذي يدعون إليه واحد وغايتهم واحدة؛ وهي القيامة الصغرى، وهدفهم وغرضهم واحد؛ وهو نشر القسط والعدل والتوحيد وعبادة الله في هذه الأرض من حيث يريد سبحانه وتعالى، فهم متحدون لا اختلاف بينهم، ويطلبون غاية واحدة وهدفاً واحداً، وربهم وإلههم واحد، فلا بد أن يكون الرسول منهم جميعاً واحداً، وهو أيضاً رسول من الله؛ لأنهم بأمر الله يعملون، فمن يمثلهم يمثل الله، ومن يخلفهم في الأرض يخلف الله سبحانه؛ لأنهم خلفاء الله في أرضه.

حقیقت این است که مأموریت اینان یکی است و آنها متحد هستند و هیچ اختلافی بین آنها وجود ندارد؛ چرا که پروردگارشان یکی و دینشان نیز یکی است؛ یعنی تسلیم شدن در برابر خداوند سبحان و متعال. همه‌ی آنها به سوی خداوند فرامی‌خوانند و به دستور و فرمان او عمل می‌کنند. حقیقتی که به آن فرا می‌خوانند یکی است و غایت آنها که همان قیامت صغری می‌باشد نیز یکسان است و هدفشان نیز یکی است؛ یعنی نشر عدالت و توحید و بندگی خداوند در روی زمین آن گونه که مورد پسند خداوند سبحان و متعال است. پس اینان متحدند و هیچ اختلافی بینشان نیست، غایت و هدف یکسانی را طلب می‌کنند و پروردگار و خدایشان نیز، یکی است، پس باید فرستاده‌ی همگی‌شان نیز یکی باشد و در عین حال، او فرستاده‌ای از جانب خداوند نیز می‌باشد؛ چرا که ایشان به فرمان خداوند عمل می‌کنند و نماینده‌ی آنها، نماینده‌ی خداوند و جانشین آنها روی زمین، جانشین خداوند می‌باشد؛ چرا که آنها، جانشینان خداوند در روی زمین می‌باشند.

والآن لنورد الأدلة على أنهم يرسلون رسولاً عنهم (ع) إذا حان وقت القيامة الصغرى ودولة العدل الإلهي، ولنكتفي ببعض الأدلة لضيق المقام عن التفصيل.

حال دلایلی را ارایه می‌نماییم که هنگام قیامت صغری و برپایی دولت عدل الهی، آنها فرستاده‌ای را از جانب خود می‌فرستند؛ فقط چند دلیل می‌آوریم و تفصیل مطلب در این مقام نمی‌گنجد.

الأول: في القرآن، وأحاديث الرسول محمد (ص)، وأحاديث الأئمة (ع).

اول: در قرآن، احادیث پیامبر (ص) و احادیث ائمه (ع):

(أ) في القرآن:

١- قال تعالى: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ﴿١٦﴾^(١).

الف - در قرآن:

١ - خداوند متعال می فرماید: (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور * ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دورگردان که ما ایمان آورده ایم * کجا پند می پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده ای روشنگر بر آنها مبعوث شد * سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه ای است تعلیم یافته * عذاب را اندکی برمی داریم و شما باز به آیین خویش بازمی گردید * روزی آنها را به صولتی سخت فرو گیریم که ما انتقام گیرنده ایم)^(٢).

وهذا الدخان عذاب، والعذاب يسبق برسالة، قال تعالى: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^(٣).

این دود، عذابی است و عذاب بعد از فرستاده شدن فرستاده ای واقع می شود. خداوند متعال می فرماید: (و ما هیچ قومی را عذاب نمی کنیم تا آنگاه که برایشان فرستاده ای بفرستیم)^(٤).

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب هو عقوبة على تكذيب رسول أرسل للمعذبين وهو بين أظهرهم، كما هو واضح من الآيات: ﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ﴾.

همچنین این دود یا عذاب، مجازات تکذیب کردن فرستاده ای است که برای آنها فرستاده شده در حالی که فرستاده، در میانشان است، همان طور که به وضوح در آیه قرآن مشخص می باشد: (سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه ای است تعلیم یافته).

^١ - الدخان: ١٠-١٦.

^٢ - دخان: ١٠ تا ١٦.

^٣ - الإسراء: ١٥.

^٤ - إسراء: ١٥.

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب يكشف لإيمان أهل الأرض بهذا الرسول بعد أن أظلمهم، كما أظلم العذاب قوم يونس (ع) أو يونان.

و نیز این دود یا عذاب پس از سایه افکندن، ایمان ساکنان زمین را به این فرستاده آشکار می‌کند همان طور که عذاب بر قوم یونس (ع) یا یونان سایه افکند.

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب مقارن للقيامۃ الصغرى، بل هو البطشة الصغرى كما هو واضح في الآية، فليس بعده إلا البطشة الكبرى والانتقام من الظالمين.

همچنین این دود یا عذاب، مقارن با قیامت صغری می‌باشد و همان گونه که در آیه واضح است، همان حمله‌ی کوچک (بطشه صغری) می‌باشد و پس از آن چیزی جز حمله‌ی بزرگ (بطشه کبری) و انتقام از ظالمین نخواهد بود.

إذن فالدخان من علامات قيام القائم^(۱)، وهذا ورد عن الأئمة (ع)، وهو مقترن برسول، بل هو بسبب تكذيب أهل الأرض لهذا الرسول، فهو عقوبة لهم ﴿أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾.

بنابراین دود (دخان) از نشانه‌های قیام قائم (ع) که در سخنان ائمه (ع) نقل شده است و هم‌زمان با آمدن فرستاده‌ای می‌باشد؛ بلکه به دلیل تکذیب این فرستاده از سوی ساکنان زمین واقع می‌شود. پس عقوبتی برای آنها می‌باشد: (کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشن‌گر بر آنها مبعوث شد).

فمن هو هذا الرسول؟ ومن مرسل هذا الرسول؟

این فرستاده کیست؟ ارسال‌کننده‌ی این فرستاده کیست؟

۲- وقال تعالى: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ❖ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ❖ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

۱- عن زرارة وحميران ومحمد بن مسلم، عن أبي جعفر وأبي عبد الله (عليهما السلام) في قوله تعالى: "يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا" قال: (طلوع الشمس من المغرب، وخروج الدابة، والدخان، والرجل يكون مصراً ولم يعمل على الايمان ثم تجيء الآيات فلا ينفعه إيمانه) بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۱۲. وجاء في شرح إحقاق الحق: (في "الدخان" علي بن الحسين: هو دخان يجيء قبل القيامة يأخذ بأنفاس الكفار) شرح إحقاق الحق للسيد المرعشي: ج ۲۸ ص ۹۸.

وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ❖ وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ❖ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١﴾.

۲ - خداوند متعال می فرماید: (به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان. خدا را تسبیح می گویند هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است، آن فرمانروای پاک پیروزمند حکیم را * او است خدایی که میان مردمی بی کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند * و بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و پیروزمند حکیم است * این نعمت خداوند است که به هر که خواهد ارزانش دارد و خدا را بخشایشی است بزرگ) (۲).

أَيُّ وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ، سِيرَسَل فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ، يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

یعنی بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند، در بینشان فرستاده‌ای از خودشان خواهد فرستاد تا آیات خداوند را بر آنان بخواند و آنها را پاک سازد و به آنان کتاب الهی و حکمت خداوند را بیاموزد.

وقطعاً لا يمكن أن يكون محمداً (ص) هو أيضاً يتلو على الآخرين الذين يأتون بعد رجوعه إلى الله، فلا بد أن يكون هناك رسول وأيضاً في الأميين، أي في أم القرى في زمانه، وله هذه الصفات يتلو الآيات ويذكي الناس، أي يطهرهم فينظرون في ملكوت السموات ويعلمهم الكتاب والحكمة.

به طور قطع امکان ندارد حضرت محمد (ص) بعد از رحلتش به سوی خداوند آیات خداوند را بر دیگران (نسل‌های بعدی) بخواند، پس باید بعد از او فرستاده‌ای باشد؛ فرستاده‌ای از امیین یعنی ام القری‌ای زمان خودش و این صفات را داشته باشد که آیات خداوند را تلاوت کند و مردم را پاک سازد؛ یعنی آنها را پاکیزه گرداند تا در ملکوت آسمان‌ها نظاره کنند، و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد.

۱- الجمعة: ۱ - ۴.

۲- جمعه: ۱ تا ۴.

۳- قال تعالی: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^(۱).

۳ - خداوند می‌فرماید: (و هر امتی فرستاده‌ای دارد و چون فرستاده‌شان بیامد، کارها میان‌شان به عدالت فیصله یافت و مورد ستم واقع نشدند)^(۲).

وفي الحديث عن جابر، عن أبي جعفر (ع)، قال: (سألته عن تفسير هذه الآية: ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾، قال (ع): (تفسيرها بالباطن، أن لكل قرن من هذه الأمة رسولا من آل محمد، يخرج إلى القرن الذي هو إليهم رسول، وهم الأولياء وهم الرسل، وأما قوله: ﴿فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ﴾، قال: معناه إنَّ الرسل يقضون بالقسط وهم لا يظلمون كما قال الله)^(۳).

جابر از امام باقر (ع) روایت می‌کند: از تفسیر این آیه پرسیدم: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ». فرمود: «تفسیر باطنی آن این است که در هر قرنی برای این امت، فرستاده‌ای از خاندان محمد (ص) به سوی قرنی که او فرستاده‌ی آن است، خروج می‌کند. آنها اولیا و فرستادگان‌اند و اما این سخن خداوند «إِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» این است که فرستادگان با قسط و عدالت قضاوت و رهبری می‌کنند و همان‌طور که خداوند می‌فرماید، آنها مورد ظلم واقع نمی‌شوند»^(۴).

وهذا يكفي للاختصار، وإلا فإنَّ الأمر سيطول إذا استعرضنا الأدلة القرآنية.

این موارد به اختصار، کفایت می‌کند و اگر بخواهیم دلایل قرآنی را برشمریم مطلب به درازا خواهد کشید.

(ب) عن الرسول محمد (ص) وردت أحاديث كثيرة نقلها الشيعة والسنة تدل على وجود مهدي وقائم يسبق الإمام المهدي (ع)، وهو متصل به، ورسول منه (ع)، وهو يمينه ووصيه.

^۱ - یونس: ۴۷.

^۲ - یونس: ۴۷.

^۳ - تفسیر العیاشی: ص ۱۱۹، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۰۶.

^۴ - تفسیر عیاشی: ص ۱۱۹ ؛ بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۰۶.

ب - از حضرت محمد (ص) احادیث زیادی از طریق شیعه و سنی نقل شده است که دلالت بر وجود یک مهدی و قائم قبل از امام مهدی (ع) می‌نمایند؛ او با امام زمان در ارتباط است و فرستاده‌ی وی (ع) و دست راستش و وصیش می‌باشد.

ووصیة رسول الله (ص) دالة على هذا الشخص باسمه وصفته، وإنه المهدي الأول، واسمه أحمد، ومن ذرية الإمام المهدي (ع).

وصیة رسول اکرم (ص) به این شخص با اسم و صفت هدایت می‌کند؛ اینکه او مهدی اول است، نامش احمد و از نسل امام مهدی (ص) می‌باشد.

ووصف الأئمة (ع) أيضاً هذا الشخص الذي يرسله الإمام المهدي (ع) باسمه ومسكنه وصفاته، واسمه أحمد ومن البصرة و... و... وأعتذر عن نقل الأحاديث للاختصار، ولمزيد من المعلومات راجعي الكتب الصادرة عن أنصار الإمام المهدي (ع)، ومنها: البلاغ المبين، والرد الحاسم، والرد القاصم، وبعض البيانات التي تعرّضت فيها لبعض هذه الروايات التي نقلها كبار علماء الشيعة منذ مئات السنين، عن الرسول والأئمة كما نقل بعضها علماء السنة في كتبهم.

ائمه (ع) نیز این شخصی که امام مهدی (ع) او را می‌فرستد با اسم، محل سکونت و ویژگی‌هایش توصیف کرده‌اند؛ نامش احمد است، از بصره و... و... به جهت اختصار، از نقل احادیث معذورم، برای اطلاعات بیشتر به کتاب‌های منتشر شده‌ی انصار امام مهدی (ع) مراجعه کنید مانند «البلاغ المبين»، «الرد الحاسم» و «الرد القاصم» و بعضی از بیانیه‌هایی که در آنها به برخی از این روایات اشاره شده است؛ روایاتی که بزرگان علمای شیعه از صدها سال پیش از رسول خدا (ص) و ائمه (ع) روایت می‌کنند و بعضی از این روایات را علمای سنی نیز در کتاب‌هایشان روایت نموده‌اند.

ثانياً: في التوراة.

٢- سفر إشعيا: (فيرفع راية للأمم من بعيد ويصفر لهم من أقصى الأرض فإذا هم بالعجلة يأتون سريعاً ليس فيهم رازح ولا عاثر لا ينعمسون ولا ينامون ولا تنحل حزم أحقائهم ولا تنقطع سيور أحمديتهم الذين سهامهم مسنونة وجميع قسيهم ممدودة حوافر خيلهم تحسب كالصوان

وبكراتهم كالزوبعة لهم زمجرة كاللبوة ويزمجرون كالشبل ويهرون ويمسكون الفريسة ويستخلصونها ولا منقذ يهرون عليهم في ذلك اليوم كهدير البحر...»^(۱).

دوم: در تورات

۲ - سفر إشعيا: «۲۶ پس پرچمی برای امت‌های دور دست برپا می‌شود و از جای جای زمین برایشان فریاد خواهد زد ۲۷ ناگهان آنان به سرعت می‌آیند در حالی که در میان آنها شخص از پا افتاده‌ای وجود ندارد، نه چرت می‌زنند و نه می‌خوابند نه کمربندشان و نه بند کفششان پاره نمی‌شود ۲۸ کسانی که نوک تیرهایشان تیز و سُم اسب‌هایشان چون سنگ خارا است و چرخ‌هایشان مثل طوفان شمرده خواهد شد ۲۹ جوانانشان مثل طوفان هستند. مثل بچه شیر می‌غزند و به سرعت شکار خود را به چنگ می‌آورند و به سلامت می‌برند و رهنده‌ای نخواهد بود ۳۰ و در آن روز بر ایشان چون دریا شورش خواهند کرد...»^(۲).

وهذه الصفات أي لا ينامون ... و... و...، هي صفات أصحاب القائم (ع) كما في الروايات عن آل محمد (ص)^(۳)، فمن هو رافع الراية (فيرفع راية للأمام)؟!

این ویژگی‌ها یعنی نمی‌خوابند و... و... و... خصوصیات اصحاب قائم (ع) می‌باشد همان گونه که در روایات از آل محمد (ع) نقل شده است^(۴). حال برپا کننده‌ی پرچم کیست؟ (پرچم را برای امت‌ها برخواهد افراشت)؛

أي الذي يطلب البيعة ويجمع الأنصار للإمام المهدي (ع) وعيسى وإيليا والخضر (ص).

یعنی کسی که از مردم بیعت می‌خواهد و انصار و یاران را برای امام مهدی (ع) و عیسی و ایلیا و خضر (ع) گرد خواهد آورد.

^۱ - الأصحاح الخامس: ۲۶ - ۳۰.

^۲ - اصحاح پنجم: ۶ تا ۳۰.

^۳ - لقد وردت روايات في فضل أصحاب القائم (ع)، منها ما رواه الصدوق عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله (ع): (ما كان قول لوط (ع) لقومه (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ) إِلَّا تَمَنِيَا لِقُوَّةِ الْقَائِمِ (ع) وَلَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَىٰ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ، وَلَوْ مَرُوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعُوهَا، وَلَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّىٰ يَرْضَىٰ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ) كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ: ص ۶۷۳.

^۴ - در مورد فضایل یاران قائم (ع) روایاتی وارد شده است؛ از جمله روایتی که صدوق از ابو بصیر نقل کرده است که گفت: ابو عبدالله (ع) فرمود: «این سخن لوط به قومش (کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم یا می‌توانستم به رکن شدید پناه ببرم)» نبود مگر آرزوی او بر داشتن نیروی قائم (ع) و ذکر بر شدت یاران او؛ هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد را خواهد داشت، قلبش از زبرجد سخت‌تر است، اگر بر کوه‌های آهن عبور کنند، ریشه‌کن‌شان کنند و شمشیرهای خود را بر زمین نگذارند تا خداوند عزوجل راضی شود» کمال الدین و تمام النعمة: ص ۶۷۳.

الأصحاح الحادي عشر: (ويخرج قضيب من جذع يسيّ، وينبت غصن من أصوله ويحل عليه روح الرب روح الحكمة والفهم روح المشورة والقوة روح المعرفة ومخافة الرب ولذته تكون في مخافة الرب فلا يقضي. بحسب نظر عينيه ولا يحكم بحسب سمع أذنيه بل يقضي بالعدل للمساكين ويحكم بالإنصاف لبائسي الأرض ويضرب الأرض بقضيب فمه ويميت المنافق بنفخة شفثيه ويكون البر منطقة متنيه والأمانة منطقة حقويه. فيسكن الذئب مع الخروف ويربض النمر مع الجدي والعجل مع الشبل ... لا يسوؤون ولا يفسدون في كل جبل قدسي لأن الأرض تمتلئ من معرفة الرب كما تغطي المياه البحر.

باب يازدهم: « ١ و از تنه‌ی یسی شاخه‌ای خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت ٢ و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند ٣ و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود، صرفاً بر وفق مشاهده‌ی چشمش قضاوت نمی‌کند و موافق سمع گوش‌هایش حکم نمی‌دهد ٤ بلکه مسکینان را با عدالت داوری خواهد کرد و در میان بی‌نویان زمین با انصاف حکم خواهد راند. زمین را با عصای دهانش می‌زند و منافق با نفس لب‌هایش خواهد مرد ٥ کمر بند کمرش، عدالت و کمر بند میانش، امانت خواهد بود ٦ پس گرگ با گوسفندان سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله با شیر.... ٩ و در تمام کوه مقدس من، فساد نمی‌کنند و کار زشتی انجام نمی‌دهند زیرا زمین از معرفت پروردگار پُر می‌شود همان طور که آب، دریا را می‌پوشاند ١٠

ويكون في ذلك اليوم أن أصل يسيّ القائم راية للشعوب إياه تطلب الأمم ويكون محله مجداً...^(١).

و در آن روز ریشه‌ی یسی به عنوان پرچمی برای مردم برپا خواهد شد و امت‌ها فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود،^(٢).

وهذه الأحداث كلها ملائمة للقيامة الصغرى، ولم تحدث فيما مضى— ولا تحدث إلا في دولة العدل الإلهي.

^١ - الأصحاح الحادي عشر: ١ - ١٠.

^٢ - اصحاح يازدهم: ١ تا ١٠.

تمام این حوادث با قیامت صغری مناسبت دارد و در گذشته اتفاق نیفتاده است و جز در دولت عدالت الهی اتفاق نمی‌افتد.

أما يَسَى— وهو في التوراة معروف أنه والد نبي الله داوود (ع)، وأم الإمام المهدي (ع) من ذرية داوود (ع).

اما یسی در تورات شناخته شده است؛ او پدر پیامبر خدا داوود(ع) است و مادر امام مهدی(ع) از نسل داوود(ع) می‌باشد.

وقصتها باختصار شديد: (إنها أميرة جدّها قيصر الروم رأت في المنام نبي الله عيسى (ع) ووصيه شمعون الصفا والرسول محمد (ص)، وخطبها الرسول محمد (ص) من عيسى (ع) لولده الإمام الحسن العسكري (ع)، فقال عيسى (ع) لشمعون الصفا أو سمعان بطرس: قد جاءك شرف عظيم؛ لأنها من ذرية شمعون الصفا (سمعان بطرس) وصي عيسى (ع)، ورأت بعد ذلك رؤى كثيرة، وعرضت نفسها للسبي، وحصلت لها معجزات كثيرة حتى وصلت إلى دار الإمام علي الهادي (ع)، فزوجها من ابنه الإمام الحسن العسكري (ع)، وولدت له الإمام محمد بن الحسن المهدي (ع) ^(۱).

داستان آن به صورت کاملاً خلاصه به شرح زیر می‌باشد: «او ملکه‌ای است که جدش قيصر روم می‌باشد. در خواب، عیسی(ع) و جانشین وی یعنی شمعون صفا و محمد(ص) را می‌بیند و حضرت محمد(ص) او را از حضرت عیسی(ع) برای فرزندش امام حسن عسکری(ع) خواستگاری می‌کند. عیسی(ع) به شمعون صفا (سمعان بطرس) می‌گوید: افتخار بزرگی نصیب شده است؛ چرا که وی (مادر امام زمان(ع)) از نوادگان شمعون صفا (سمعان بطرس)، وصی و جانشین عیسی(ع) می‌باشد. بعد از این رؤیا، رؤیاهای زیادی می‌بیند، خودش را اسیر می‌کند و معجزه‌های زیادی برایش اتفاق می‌افتد تا به خانه‌ی امام علی هادی(ع) می‌رسد و آن حضرت وی را به همسری فرزندش امام حسن عسکری(ع) درمی‌آورد و از او امام محمد بن الحسن المهدي(ع) متولد می‌شود» ^(۲).

^۱ - راجع: کمال الدین: ص ۴۱۷، باب ما روي في السيدة نرجس أم القائم (عليهما السلام).

^۲ - رجوع نماید به کمال الدین: ص ۴۱۷ باب «آنچه درباره‌ی سیده نرجس مادر قائم روایت شده است».

فالإمام المهدي محمد بن الحسن العسكري (ع) من ذرية إسرائيل (يعقوب (ع)) من جهة الأم،
ومن ذرية محمد (ص) من جهة الأب.

پس امام مهدي محمد بن الحسن العسكري (ع) از ناحیه ی مادری جزو نوادگان اسرائیل (يعقوب (ع)) و از
ناحیه ی پدری از نوادگان محمد (ص) به شمار می رود.

فيصدق عليه أنه قضيب من جذع يسي.

پس اینکه حضرت مهدي (ص) شاخه ای از تنه ی یسی است، بر او صدق می کند.

كما يصدق على المهدي الأول من المهديين الاثني عشر أنه غصن يخرج من ذاك القضيب من
جذع يسي؛ لأنه من ذرية الإمام المهدي (ع).

همان گونه که این مورد بر مهدي اول از مهديون دوازده گانه نیز صدق می کند؛ چرا که او نیز شاخه ای است
که از شاخه ای از تنه ی یسی بیرون می آید؛ چرا که او از نسل امام مهدي (ص) است.

والمهدي الأول والذي اسمه أحمد كما في الروايات عن الرسول محمد (ص) والأئمة (ع)، هو
رسول الإمام المهدي (ع) ووصيه ويمينه، وأول مؤمن به عند بداية ظهوره قبل قيامه بالسيف^(١)،
وأكتفي بهذا القدر للاختصار، وإذا أردت المزيد اقرئي في التوراة في سفر إشعيا الأصحاح الثالث
عشر، والثاني والأربعين، والثالث والأربعين، والرابع والأربعين، والتاسع والأربعين، والثالث والستين،
والخامس والستين، والسادس والستين وتدبريها جيداً.

مهدي اول که طبق روایات رسول اکرم (ص) و ائمه (ع)، نامش احمد است، فرستاده ی امام مهدي (ع) و
وصی و نیز دست راست وی می باشد و اولین کسی است که در آغاز ظهورش، قبل از اینکه با شمشیر قیام کند
به وی ایمان می آورد. به جهت اختصار، به این مقدار بسنده می کنم. اگر خواستار توضیحات بیشتر هستی به
تورات سفر اشعیا، اصحاح های سیزدهم، چهل و دوم، چهل و سوم، چهل و چهارم، چل و نهم، شصت و سوم،
شصت و پنجم و شصت و ششم مراجعه نما و در آنها به خوبی تدبّر کن.

^١ - راجع: إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)، فلقد بينوا فيها ما ذكره (ع).

۲- سفر دانیال: الأصحاح الثاني: (... أنت أيها الملك كنت تنتظر وإذا بتمثال عظيم كنت تنظر إلى أنه قطع حجر بغير يدين فضرب التمثال على قدميه التي من حديد وخزف فسحقهما فانسحق حينئذ الحديد والخزف والنحاس والفضة والذهب معاً وصارت كعصافاة البيدر في الصيف فحملتها الريح فلم يوجد لها مكان أما الحجر الذي ضرب التمثال صار جبلاً كبيراً وملاً الأرض كلها)^(۱).

۲ - سفر دانیال اصحاح دوم: «... ۳۱ ای پادشاه تو در خواب مجسمه‌ی بزرگی دیدی... ۳۴ وقتی تو به آن نگاه می‌کردی، سنگی بدون این که کسی به آن دست بزند، به پاهای گلی و آهنین آن مجسمه اصابت کرد و آن مجسمه را درهم شکست. ۳۵ آن‌گاه آهن، گِل، برنج، نقره و طلا همه با هم خرد شدند و باد ذرات آن را همچون گرد و غباری که در تابستان از کاه خرمن برمی‌خیزد چنان پراکند که دیگر اثری از آن بر جای نماند. اما آن سنگی که به مجسمه برخورد کرد آن قدر بزرگ شد که مانند کوه بزرگی گردید و سراسر روی زمین را پوشانید...»^(۲).

فهذا الحجر الذي يقضي على مملكة الطاغوت والشيطان في هذه الأرض هو رسول من الإمام المهدي (ع) ومن عيسى وإيليا والخضر (ع).

این سنگی که حکومت طاغوت و شیطان را از بین می‌برد، فرستاده‌ای از سوی امام مهدی (ع) و عیسی و ایلیا و خضر (ع) می‌باشد.

الأصحاح السابع: (أجاب دانيال وقال كنت أرى في رؤياي ليلاً وإذا بأربع رياح السماء هجمت على البحر الكبير ❖ وصعد من البحر أربعة حيوانات عظيمة هذا مخالف ذاك ❖ الأول كالأسد وله جناحا نسر ❖ وكنت انظر حتى أنتفت جناحاه وانتصب على الأرض وأوقف على رجلين كإنسان وأعطي قلب إنسان ❖ وإذا بحيوان آخر ثان شبيه بالدب فارتفع على جنب واحد وفي فمه ثلاث أضلع بين أسنانه فقالوا له هكذا قم كل لحماً كثيراً ❖ وبعد هذا كنت أرى وإذا بأخر مثل النمر وله على ظهره أربعة أجنحة طائر. وكان للحيوان أربعة رؤوس وأعطي سلطاناً ❖ بعد هذا كنت أرى في رؤى الليل وإذا بحيوان رابع هائل وقوي وشديد جداً وله أسنان من حديد كبيرة. أكل وسحق

^۱ - الأصحاح الثاني: ۳۱-۳۶.

^۲ - اصحاح دوم: ۳۱ تا ۳۶.

وداس الباقي برجليه. وكان مخالف لكل الحيوانات الذين قبله. وله عشرة قرون ❖ كنت متأملاً بالقرون وإذا بقرن آخر صغير طلع بينها وقلعت ثلاثاً من القرون الأولى من قدامه وإذا بعيون كعيون الإنسان في هذا القرن وفم متكلم بعظائم ❖

باب هفتم: «٢ دانيال پاسخ داد و گفت: شبگاهان در عالم رؤيا دیدم که ناگاه چهار باد آسمان بر دریای عظیم تاختند ٣ و چهار حیوان بزرگ که با هم فرق داشتند از دریا بیرون آمدند ٤ اولین آنها مثل شیر بود و بال‌های عقاب داشت و من نظر کردم تا بال‌هایش کنده شد و بر زمین برخاست و بر پایهای خود مثل انسان قرار گرفت و قلب انسان به او داده شد ٥ و اینک حیوان دوم مثل خرس بود و بر یک طرف خود بلند شد و در دهانش در میان دندان‌هایش سه دنده بود و وی را چنین گفتند: برخیز و گوشت بسیار بخور ٦ بعد از آن نگرستم و اینک مثل پلنگ بود که بر پشتش چهار بال پرنده داشت و این حیوان وحشی چهار سر داشت و سلطنت به او داده شد ٧ بعد از آن در رؤیاهای شب نظر کردم و اینک وحش چهارم که هولناک و مهیب و بسیار زورآور بود و دندان‌های بزرگ آهنین داشت و باقی‌مانده را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پاهایش پایمال می‌نمود و با همه‌ی وحوشی که قبل از او بودند، فرق داشت و او ده شاخ داشت ٨ پس در این شاخ‌ها تأمل می‌نمودم که اینک از میان آنها شاخ کوچک دیگری برآمد و پیش رویش سه شاخ از آن شاخ‌های اول از ریشه کنده شد و اینک این شاخ، چشمانی مانند چشم انسان و دهانی که به سخنان تکبرآمیز متكلم بود، داشت

كنت آری أنه وضعت عروش وجلس القديم الأيام لباسه أبيض كالثلج وشعر رأسه كالصوف النقي وعرشه لهيب نار وبكراته نار متقدة ❖ نهر نار جری وخرج من قدامه. ألوف ألوف تخدمه وربوات ربوات وقوف قدامه. فجلس الدين وفتحت الأسفار ❖ كنت أنظر حين أذن من أجل صوت الكلمات العظيمة التي تكلم بها القرن. كنت أرى إلى أن قتل الحيوان وهلك جسمه ودفع لوقيد النار ❖ أمّا باقي الحيوانات فنزع عنهم سلطانهم ولكن أعطوا طول حياة إلى زمان ووقت ❖ كنت أرى في رؤى الليل وإذا مع سحب السماء مثل ابن إنسان أتى وجاء إلى القديم الأيام فقربوه قدامه ❖ فأعطي سلطاناً ومجداً وملكوتاً لتتعبد له كل الشعوب والأمم والألسنة. سلطاناه سلطان أبدي ما لن يزول وملكوته ما لا ينقرض ❖ أمّا أنا دانيال فحزنت روعي في وسط جسمي وأفزعني رؤى رأسي ❖ فاقتربت إلى واحد من الوقوف وطلبت منه الحقيقة في كل هذا. فاخبرني وعرفني تفسير الأمور ❖

۹ و نظر می‌کردم تا کرسی‌ها برقرار شد و قدیم‌الایام جلوس فرمود. لباسش مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله‌های آتش و چرخ‌های آتش ملتهب بود ۱۰ نه‌ری از آتش جاری شده، از پیش روی او بیرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کرورها کرور به حضور وی ایستاده بودند. دیوان برپا شد و دفترها گشوده گردید ۱۱ آنگاه نظر کردم به سبب سخنان تکبرآمیزی که آن شاخ می‌گفت. پس نگریستم تا آن وحش کشته شد و جسد او هلاک گردیده، به آتش مشتعل تسلیم شد ۱۲ اما سایر وحوش، سلطنت از ایشان گرفته شد، لکن درازی عمر به ایشان داده شد، تا زمانی و وقتی ۱۳ در رؤیای شب نگریستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم‌الایام رسید و او را به حضور وی آوردند ۱۴ و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد ۱۵ اما روح من دانیال در جسد مدهوش شد و رؤیاهای سرم مرا مضطرب ساخت ۱۶ و به یکی از حاضرین نزدیک شده، حقیقت این همه امور را از وی پرسیدم. او به من تکلم نموده، تفسیر امور را برایم بیان کرد

هؤلاء الحيوانات العظيمة التي هي أربع ملوك يقومون على الأرض ❖ أما قديسوا العلي فيأخذون المملكة ويمتلكون المملكة إلى الأبد وإلى الأبدين ❖ حينئذ رمت الحقيقة من جهة الحيوان الرابع الذي كان مخالفاً لكلها وهائلاً جداً وأسنانه من حديد وأظفاره من نحاس وقد أكل وسحق وداس الباقي برجليه ❖ وعن القرون العشرة التي برأسه وعن الآخر الذي طلع فسقطت قدامه ثلاثة وهذا القرن له عيون وفم متكلم بعظامه ومنظره أشد من رفاقه ❖ وكنت أنظر وإذا هذا القرن يحارب القديسين فغلبهم حتى جاء القديم الأيام وأعطى الدين لقديسي العلي وبلغ الوقت فأمتلك القديسون المملكة ❖

۱۷ که این وحوش عظیمی که عدد ایشان چهار است، چهار پادشاه می‌باشند که از زمین خواهند برخاست ۱۸ اما مقدسان حضرت اعلی سلطنت را خواهند گرفت و مملکت را تا به ابد و تا ابدالابدین متصرف خواهند بود ۱۹ آنگاه آرزو داشتم که حقیقت امر را درباره‌ی وحش چهارم که مخالف همه‌ی دیگران و بسیار هولناک بود و دندان‌های آهنین و چنگال‌های برنجین داشت و سایرین را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پاهایش پایمال می‌نمود، بدانم ۲۰ و کیفیت ده شاخ را که بر سر او بود و آن دیگری را که برآمد و پیش روی او سه شاخ افتاد، یعنی آن شاخی که چشمان و دهانی را که سخنان تکبرآمیز می‌گفت داشت و نمایش او از رفقایش سخت‌تر بود ۲۱ پس ملاحظه کردم و این شاخ با مقدسان جنگ کرده، بر ایشان استیلا یافت ۲۲ تا حینی که

قديم الايام آمد و داوری به مقدّسان حضرت اعلى تسليم شد و زمانى رسيد که مقدّسان ملکوت را به تصرّف آوردند

فقال هكذا أما الحيوان الرابع فتكون مملكة رابعة على الأرض مخالفة لسائر الممالك فتأكل الأرض كلها وتدوسها وتسحقها ❖ والقرون العشرة من هذه المملكة هي عشرة ملوك يقومون ويقوم بعدهم آخر وهو مخالف الأولين ويذل ثلاثة ملوك ويتكلم بكلام ضد العلي ويبيد قديسي العلي ويظن أنه يغير الأوقات والسنة ويسلمون ليده إلى زمان وأزمنة ونصف زمان ❖ فيجلس الدين وينزعون عنه سلطانه ليفنوا ويبيدوا إلى المنتهى ❖ والمملكة والسلطان وعظمة المملكة تحت كل السماء تعطى لشعب قديسي العلي. ملكوته ملكوت أبدي وجميع السلاطين إياه يعبدون ويطيعون ❖ إلى هنا نهاية الأمر^(١).

٢٣ پس او چنین گفت: اما وحش چهارم، چهارمین سلطنت بر زمین خواهد بود و با همه‌ی سلطنت‌ها متفاوت خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پایمال نموده، پاره پاره خواهد کرد ٢٤ و ده شاخ این مملکت، ده پادشاه می‌باشند که خواهند برخاست و دیگری بعد از ایشان خواهد برخاست و او مخالف اولین خواهد بود و سه پادشاه را به زیر خواهد افکند ٢٥ و سخنان بر ضدّ حضرت اعلى خواهد گفت و مقدّسان حضرت اعلى را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمان‌ها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانى و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهند شد ٢٦ پس دیوان برپا خواهد شد و سلطنت او را از او گرفته، آن را تا به انتها تباه و تلف خواهند نمود ٢٧ و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمان‌ها است به قوم مقدّسان حضرت اعلى داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانى است و جميع ممالک فقط او را عبادت و اطاعت خواهند نمود ٢٨ انتهای امر تا به اینجا است....»^(٢).

والأسد وله جناحان يرمز إلى الإمبراطورية الإنجليزية التي قامت في أوروبا وشعارها هو الأسد وله جناحان، وأما الدب فهو شعار السوفيت، وأكل لحماً كثيراً، أي قتل كثير من الناس أما الحيوان الرابع الذي من الحديد فهو الإمبراطورية الأمريكية التي داست الآن كل الأرض وهيمنت على كل الأرض بالسلاح والمال.

^١ - سفر دانيال الأصحاح السابع.

^٢ - سفر دانيال اصحاح هفتم.

شیری با دو بال اشاره به امپراطوری انگلستان دارد که در اروپا قد علم کرد و سمبلش شیری با دو بال می‌باشد. اما خرس نماد شوروی است که گوشت زیادی می‌خورد یعنی مردمان زیادی را کشته است... ولی حیوان چهارم که از آهن است، امپراطوری آمریکا می‌باشد که با اسلحه و ثروت به همه جای این دنیا تسلط پیدا کرده است و آن را لگد کوب می‌کند.

أما قديم الأيام فهو الإمام المهدي (ع)، ونهاية أمريكا كما قال دانيال تدفع لوقيد النار إن شاء الله.

قديم الايام همان امام مهدی(ع) است و همان طور که دانیال گفته است، در نهایت آمریکا در آتش خواهد سوخت، ان شاء الله.

والإمام المهدي (ع) وعيسى وإيليا والخضر (ع) يأتون في القيامة الصغرى وهي حساب وعذاب ونقمة على الظالمين، فهل يصح العذاب والنقمة قبل الإنذار؟ فمن المنذر؟

امام مهدی(ع) و عیسی و ایلیا و خضر(ع) در قیامت صغری می‌آیند؛ قیامتی که حساب، عذاب و تقمّتی است برای ظالمان. آیا عذاب و تقمّت قبل از هشدار دادن، درست است؟ پس بیم‌دهنده کیست؟

لا بد أن يكون هناك رسول منهم (ع) يبشر وينذر الناس بين أيديهم، أي قبل ظهورهم، ويكفي هذا من التوراة للاختصار.

پس باید فرستاده‌ای قبل از ظهور ایشان(ع) باشد تا مردم را بیم و بشارت دهد. این مقدار به اختصار از تورات کافی است.

ثالثاً: في الإنجيل.

إنجيل متى الأصحاح الرابع والعشرين: (.....) (٦) وسوف تسمعون بحروب وأخبار حروب (١٥) فمتى نظرتم رجسة الخراب التي قال عنها دانيال النبي قائمة في المكان المقدس (٢٢) ولكن لأجل المختارين تقصر تلك الأيام ... لأنه كما أنّ البرق يخرج من المشارق ويظهر إلى

المغرب هكذا يكون أيضاً مجيء ابن الإنسان ولوقت بعد ضيق تلك الأيام تظلم الشمس والقمر لا يعطي ضوءه).

سوم: در انجيل

انجيل متي باب بيست و چهارم: «و ... ٦ و جنگها و اخبار جنگها را خواهيد شنيد.... ١٥ پس چون مكروه ويراني را كه به زبان دانيال نبى گفته شده و در مكان مقدس موجود است ببينيد.... ٢٢ ولى به خاطر برگزیدگان آن روزها کوتاه خواهد شد.... زیرا همچنان كه برق از مشرقها ساطع شده تا به مغربها ظاهر مى شود آمدن پسر انسان نیز اينچنين خواهد بود.... و بعد از مصيبت آن ايام آفتاب تاريك گردد و ماه نور خود را ندهد....».

وفي هذا الأصحاح علامات القيامة الصغرى يذكرها عيسى (ع)، كما ذكرها الرسول محمد والأئمة (ع)، حروب وكسوف وخسوف^(١)، ورجسة الخراب (أمريكا) والمهم أنه عبر عن بداية ظهوره من المشرق إلى المغرب، والمشرق نسبة إلى مكان عيسى (ع) في ذلك الزمان يكون العراق، والبرق الذي خرج من المشرق وظهر في المغرب هو إبراهيم، حيث خرج من العراق وظهر في الأرض المقدسة.

در اين باب، عيسى (ع) نشانه های قيامت صغرى را ذكر مى كند همان طور كه رسول خدا حضرت محمد (ع) و ائمه (ع) ذكر کرده اند، جنگها، خورشيد گرفتگی، ماه گرفتگی^(٢) و مكروه ويراني (أمريكا) مهم اين است كه وى در آغاز ظهورش از مشرق به سمت مغرب حرکت مى كند و مشرق نسبت به مكان عيسى (ع) در آن زمان عراق مى باشد، و نوری كه از مشرق خارج و در مغرب ظاهر شده ابراهيم است كه از عراق خارج و در سرزمين مقدس ظاهر شده است.

وقد قال عيسى (ع) عن يوحنا (يحيى): بأنه إيليا، أي مثل إيليا (ولكني أقول لكم أنّ إيليا قد جاء ولم يعرفوه بل عملوا به كل ما أرادوا. كذلك ابن الإنسان أيضاً سوف يتألم منهم حينئذ فهم التلاميذ أنه قال لهم عن يوحنا المعمدان)^(٣).

^١ - راجع علامات الظهور التي ذكرها النبي (ص) وآله الطاهرين (ع) في مصادر المسلمين. وقد ذكر الكثير منها السيد أحمد الحسن (ع) في كتاب العجل: ج ٢ فراجع.

^٢ - به علامت های ظهور كه پیامبر و اهل بیت طاهر او (ع) در منابع مسلمانان مراجعه نمایند. سيد احمد الحسن (ع) بسیاری از آنها را در كتاب فتنه ی گوساله جلد ٢ توضیح داده اند.

^٣ - انجيل متي الأصحاح السابع عشر.

و عیسی (ع) درباره‌ی یوحنا (یحیی) گفته که او ایلیا یا مَثَل ایلیا است؛ «ولی اکنون به شما می‌گویم که ایلیا آمده است و او را نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی انجام دادند. به همین صورت پسر انسان نیز از ایشان آزار و اذیت خواهد دید. گویا شاگردان دریافتند که درباره‌ی یحیی تعمید دهنده به ایشان سخن می‌گفت...»^(۱).

وقال عیسی عن یوحنا (ع): (وإن أردتم أن تقبلوا فهذا هو إيليا المزمع يأتي من له أذان للسمع فليسمع)^(۲).

عیسی (ع) درباره‌ی یوحنا می‌فرماید: «اگر خواستید قبول کنید این همان ایلیا است که انتظار آمدنش وجود دارد، هر که گوش شنوا دارد بیاید و بشنود»^(۳).

لذا فإنَّ الرسول الذي يرسله الإمام المهدي (ع) ومن معه، وهم عیسی وإيليا والخضر، وخروجه من العراق، يمكن أن يقال عنه أنه خروج عیسی (ع) بهذا المعنى، كما أنَّ خروج یوحنا كان يمثل خروج إيليا في مرحلة معينة ويمكن أن يكون هذا الرسول من أمة أخرى، بل هو كذلك كما قال عیسی (ع): (لذلك أقول لكم إنَّ ملكوت الله ينزع منكم ويعطي لأمة تعمل أثماره)^(۴).

بنابراین خروج فرستاده‌ای که امام مهدی (ع) و کسانی که با او هستند یعنی عیسی و ایلیا و خضر (ع) می‌فرستند، از عراق خواهد بود، و می‌توان به این معنی، خروج او را خروج عیسی (ع) دانست، همان گونه که خروج یوحنا در یک مرحله‌ی مشخص بیانگر خروج ایلیا بود و ممکن است این فرستاده از ملت دیگری باشد همانطور که عیسی (ع) می‌فرماید: «از این رو به شما می‌گویم که ملکوت خداوند از شما گرفته می‌شود و به امتی که به ثمره‌اش عمل می‌کند، عطا خواهد شد»^(۵).

^۱ - انجیل متی اصحاح هفدهم.

^۲ - الأصحاح الحادي عشر.

^۳ - اصحاح یازدهم.

^۴ - متی الأصحاح الحادي والعشرون.

^۵ - متی: اصحاح بیست و یکم.

وقال عيسى (ع): (لذلك كونوا أنتم أيضاً مستعدين لأنّه في ساعة لا تظنون يأتي ابن الإنسان فمن هو العبد الأمين الحكيم الذي أقامه سيده على خدمه ليعطيهم الطعام (أي العلم والمعرفة والحكمة) في حينه طوبى لذلك العبد الذي إذا جاء سيده يجده يفعل هكذا)^(١).

و عيسى (ع) فرمود: «پس شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید. پس آن غلام امین دانا کیست که آفایش او را تعیین کرده است تا بر بنده هایش طعام (یا همان علم و معرفت و حکمت) دهد. در این حال خوشا به حال آن غلامی که چون آفایش آید او را در چنین کاری مشغول یابد»^(٢).

فمن هو هذا العبد الأمين الحكيم؟ إلا أن يكون رسولاً من الإمام المهدي ومن عيسى وإيليا والخضر(ع).

این غلام امین دانا کیست؟ جز فرستاده ای از جانب امام مهدی، عیسی، ایلیا و خضر(ع)؟

وقال عيسى: (وأما الآن فأنا ماضي للذي أرسلني وليس أحد منكم يسألني أين تمضي ولكن لأنني قلت لكم هذا قد مآل الحزن قلوبكم لكن أقول لكم الحق إنّه خير لكم أن انطلق لأنه إن لم انطلق لا يأتيكم المعزّي، ولكن إن ذهبت أرسله إليكم ومتى جاء ذاك يبكت العالم على خطيئة وعلى بر وعلى دينونة؛ أما على خطيئة فلأنهم لا يؤمنون بي؛ وأما على بر فلأنني ذاهب إلى أبي ولا تروني أيضاً؛ وأما على دينونة فلأن رئيس هذا العالم قد دين)^(٣).

و عيسى (ع) فرمود: «اما الآن نزد فرستندهی خود می روم و کسی از شما از من نپرسد به کجا می روی ۶ ولیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پُر شده است ۷ و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما بهتر است؛ زیرا اگر نروم تسلّی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم ۸ و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود ۹ اما بر گناه؛ زیرا آنها به من ایمان نمی آورند ۱۰ و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید ۱۱ و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است»^(٤).

^١ - في الأصحاح الرابع والعشرون.

^٢ - اصحاح بیست و یکم.

^٣ - إنجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر.

^٤ - انجيل يوحنا اصحاح شانزدهم.

فمن هذا المعزّي الذي يرسل؟ ومن هذا الذي يبكت العالم على خطاياهم وتكذيبهم الأنبياء والرسول وقتلهم، وعلى تركهم حق الأنبياء ووصاياهم، وعلى تضييعهم حظهم في القيامة الصغرى، وخذلانهم رئيس هذا العالم وهو الإمام المهدي (ع)، وقال عيسى (ع): (إنّ لي أمور كثيرة أيضاً لأقول لكم ولكن لا تستطيعون أن تحملوا الآن، وأمّا متى جاء ذلك روح الحق فهو يرشدكم إلى جميع الحق لأنه لا يتكلم من نفسه بل كل ما يسمع يتكلم به ويخبركم بأمر كثيرة ذلك يمجدي لأنه يأخذ مما لي ويخبركم)^(۱).

این تسلی دهنده که فرستاده می‌شود کیست؟ و این فردی که اهل جهان را به جهت گناهانشان و تکذیب انبیا و رسولان و قتل آنان و نپذیرفتن حقیقت انبیا و وصیت‌هایشان و برای ضایع کردن بهره‌ی آنها در قیامت صغری و بی‌حرمتی‌شان به رئیس این جهان یعنی امام مهدی (ع) سرزنش و توییح می‌کند، کیست؟ عیسی (ع) می‌فرماید: «۱۲ و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، ولی الآن طاقت تحمل‌شان را ندارید ۱۳ ولی هنگامی که او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه فقط به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور بسیاری به شما خبر خواهد داد ۱۴ او مرا جلال خواهد داد زیرا آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد»^(۲).

وعن أبي عبد الله (ع)، قال: (العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين، حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً)^(۳).

از ابو عبد الله (ع) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چیزی که انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج می‌کند و آن را بین مردم منتشر می‌کند و این دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود»^(۴).

^۱ - انجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر.

^۲ - انجيل يوحنا اصحاح شانزدهم.

^۳ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

^۴ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷؛ بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

وأظن ما تقدّم وإن كان مختصراً يكفي لمن يطلب الحق والحقيقة، وإذا أردت المزيد ففي رؤيا يوحنا اللاهوتي الكثير لمن يطلب الحقيقة، لم أتعرض له للاختصار.

فكر می کنم توضیحاتی که دادم هر چند مختصر بود ولی برای کسی که طالب حق و حقیقت است کافی باشد. اگر توضیحات بیشتری خواستید در رؤیای یوحنا لاهوتی مطالب بسیاری برای کسی که طالب حقیقت است وجود دارد و من جهت اختصار از آوردنشان صرف نظر می کنم.

وأذكرك أنّ اليهود لما بعث الله عيسى (ع) قالوا: (أ من الناصرة يخرج شيء صالح) ^(١)، وقالوا: (فتش وانظر إنه لم يقم نبي من الجليل) ^(٢)، وقالوا: (وهل المسيح من الجليل يأتي ألم يقل الكتاب إنه من نسل داوود من بيت لحم القرية التي كان داوود فيها يأتي المسيح) ^(٣).

یادآور می شوم هنگامی که عیسی (ع) مبعوث شد، یهود گفتند: «آیا از ناصره چیز صالحی خارج می شود؟» ^(٤) و گفتند: «تحقیق کنید و ببینید که هیچ پیغمبری از جلیل نبوده است» ^(٥) و گفتند: «و آیا مسیح از جلیل می آید؟ آیا کتاب نگفت که او از نسل داوود از بیت لحم است؟ مسیح از روستایی که داوود در آن بوده است، می آید؟» ^(٦).

وأخيراً نصيحتي لك أن تتدبري هذه الكلمات ... في التوراة مكتوب: (توكل عليّ بكل قلبك ولا تعتمد على فهمك في كل طريق اعرفني وأنا أقوم سبيلك، ولا تحسب نفسك حكيماً، أكرمني وأدب نفسك بقولي).

أحمد الحسن

و در انتها نصیحت من به شما این است که در این سخنان نیک بیندیشی... در تورات آمده است: «با تمام قلبت به من توکل کن و به فهم و اندیشه‌ی خود اعتماد مکن. در همه‌ی راه‌ها مرا بشناس و من راه را به تو نشان خواهم داد. خود را حکیم مپندار، مرا گرامی بدار و خودت را با سخن من تأدیب نما».

أحمد الحسن

^١ - یوحنا الإصحاح الاوّل - آية : ٤٦.

^٢ - یوحنا الإصحاح السابع - آية : ٥٢.

^٣ - یوحنا الإصحاح السابع - آية : ٤١ - ٤٢.

^٤ - یوحنا اصحاح اول - آية : ٤٦.

^٥ - یوحنا اصحاح هفتم - آية : ٥٢.

^٦ - یوحنا اصحاح هفتم - آية : ٤١ و ٤٢.

پرسش ۱۶: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟

السؤال / ۱۶: ممكن أن تكون هناك قوى تسيطر على القوى الواهمة في اللاشعور عندك، تبث لك هذا الإحساس؟

reta jorz - امرأة مسيحية - ۲۵ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

آیا ممکن است که در وجود شما نیرویی بر قدرت ذهن شما تسلط پیدا کرده و در شما چنین احساسی به وجود آورده باشد؟

Reta Jorz - زن مسیحی - ۲۵ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

قال عيسى (ع): (الذي من الله يسمع كلام الله لذلك أنتم لستم تسمعون لأنكم لستم من الله. فأجاب اليهود وقالوا له ألسنا نقول حسناً إنك سامري وبك شيطان. أجاب يسوع، أنا ليس بي شيطان ولكني أكرم أبي وأنتم تهينونني لست أطلب مجدي يوجد من يطلب ويدين، الحق الحق أقول لكم إن كان أحد يحفظ كلامي فلن يرى الموت إلى الأبد)^(۱).

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

عيسى (ع) فرمود: «۴۷ کسی که از خدا باشد، کلام خدا را می‌شنود. شما از این رو کلام خدا را نمی‌شنوید که از خدا نیستید. ۴۸ قوم یهود در پاسخ گفتند: آیا خوب نگفتم که تو سامری هستی و یک دیو داری. ۴۹ یسوع در پاسخ گفت: من دیو ندارم، لکن پدر خود را حرمت می‌دارم و شما مرا بی‌حرمت می‌سازید ۵۰ من مجد خودم را طالب نیستم ولی کسی هست که می‌طلبد و داوری می‌کند. ۵۱ حقیقت، حقیقت را به شما می‌گویم که اگر کسی کلام مرا حفظ کند تا ابد مرگ را نخواهد دید»^(۲).

أحمد الحسن

^۱ - إنجيل يوحنا الأصحاح الثامن.

^۲ - إنجيل يوحنا: اصحاح هشتم.

پرسش ۱۷: این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است.

السؤال / ۱۷: أمل أن لا تنزعج من كلامي، وأسفة إذا بدرت من أسئلتني شيء يسئ الأدب، وأكرر شكري وامتناني على اهتمامك، فهذا دليل على روح أخلاقك العالية، في رعاية الأب والابن وروح القدس.

reta jorz - امرأة مسيحية - ۲۵ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

امیدوارم از سخنان من ناراحت نشده باشید و از اینکه در سؤال‌هایم جانب ادب رعایت نشده است، متأسفم. مجدداً از شما سپاس گزارم که بر من منت گذاشتید و عنایت فرمودید و این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است. در پناه پدر، پسر و روح القدس!

Reta Jorz - زن مسیحی - ۲۵ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

لا أنزعج ... ولكني حزين لأجلكم، فقد تهتم يا أهل الأرض في صحراء المادة، كما تاه بنو إسرائيل في صحراء سيناء.

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

ناراحت نمی‌شوم.... ولی ناراحتی من به خاطر شما است؛ زیرا شما ای اهل زمین در صحرای مادیات سرگردان شده‌اید همان گونه که قوم بنی اسرائیل در صحرای سینا سرگردان شده بودند.

احمد الحسن



پرسش ۱۸: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم چقدر است؟!

السؤال / ۱۸: تحية طيبة إلى السيد أحمد الحسن ... السلام عليكم

وصلتني جميع أجوبتك، وأنا شاكرة وممتنة لاهتمامك بي ... ولكن حيرني شيء مهم، وهو أنك تريد معرفة مستواي الدراسي والديني، وأنت القائل: (أنا اعرف بالإنجيل من أهله والتوراة وقرآنكم ... الخ) فكيف لا يعلمك إمامك ...؟؟؟ بمن أنا ومستواي الدراسي لكي تثبت لأمثالي حقيقة ما تقول، فما هو الجواب؟؟؟ مع فائق تقديري وحبّي واحترامي، فليرعاك الرب ويحرسك.

reta jorj - ۱ امرأة مسيحية - ۲۳ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

درود بر سید احمد الحسن.... سلام عليكم

تمام پاسخ‌هایتان را دریافت کردم، متشکر و ممنونم از اینکه به من توجه فرمودید.... ولی موضوع مهمی باعث تعجب من شده است؛ اینکه شما می‌خواهید سطح تحصیلات و میزان پایبندی من به دین را بدانید در حالی که شما می‌گویید «من بهتر از مسیحیان، انجیل می‌دانم و همچنین تورات و قرآن را از شما بهتر می‌دانم....» چگونه است که امام شما به شما نیاموخته است....؟ تا بدانی که من چه کسی هستم و تحصیلاتم چقدر است تا حقیقت آنچه را که می‌گویید به امثال من نشان دهید؟! پاسختان چیست؟ با تشکر فراوان و احترام و تقدیم دوستی من به شما. در امان خدا باشید.

reta Jorj - زن مسیحی - ۲۳ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

(وكذلك رؤساء الكهنة أيضاً وهم يستهزئون مع الكتبة والشيوخ قالوا خلص آخرين وأما نفسه فما يقدر أن يخلصها إن كان هو ملك إسرائيل فليُنزل الآن عن الصليب فنؤمن به، قد اتكل على الله فليُنقذه الآن إن أراد).
وهل كان من ينظر إلى موسى (ع) يجهل أنّ في يمينه عصى-؟ فكيف بالله سبحانه؟ فلماذا سأله ما تلك بيمينك يا موسى؟

أحمد الحسن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين
 «وهمچنین رؤسای کاهنان به همراه کاتبان و شیوخ با مسخرگی گفتند، دیگران را نجات داد ولی قادر نبود
 خود را نجات دهد؛ اگر او پادشاه یهود است، باید حالا از صلیب پایین بیاید تا به او ایمان بیاوریم. به خدا توکل
 کرد، اگر از او بخواهد باید او را نجات دهد».
 اگر کسی موسی (ع) را ببیند آیا نمی‌داند در دستش عصا دارد؟ خداوند سبحان چطور؟ پس چرا پرسید: در
 دست چه داری، ای موسی؟

احمد الحسن



پرسش ۱۹: آیا شما وصی امام مهدی (ع) هستی یا فرزند او؟

السؤال / ۱۹: السلام عليكم ورحمة الله تعالى وبركاته

أتمنى لو تفضلون علينا بإيضاح أكثر من مسألة، وهي: أنتم وصي الإمام أم ابن له ؟

فايز العراقي - ۲۲ / صفر / ۱۴۲۶ هـ . ق

سلام عليكم ورحمة الله تعالى وبركاته

امیدوارم لطف بفرمایید و این مسأله را واضح‌تر بیان نمایید: آیا شما وصی و جانشین امام هستید یا فرزند او؟

فايز العراقي - ۲۲ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

إنَّ السيد أحمد الحسن هو رسول الإمام المهدي محمد بن الحسن (عليهما السلام) إلى الناس
 كافة، وكذلك هو أول أوصياء المهدي الاثني عشر بعد وفاته (ع)، كما جاء في الخبر أنّ بعد المهدي

اثني عشر مهدياً^(۱)، وإنَّ السيد أحمد الحسن هو من ذرية الإمام المهدي (ع)، أي إنّ الإمام المهدي هو جدّه، ويصح القول أنّ السيد أحمد الحسن هو ابن الإمام المهدي، أي من نسل الإمام المهدي، وأنَّ أجداد السيد أحمد الحسن بينه وبين الإمام المهدي كلهم ليسوا على قيد الحياة إلاّ الإمام محمد بن الحسن نفسه - مكن الله له في أرضه -، كما يقال لمن ينتسب لرسول الله (ص) أنّه ابنه.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
سید احمد الحسن فرستاده‌ی امام مهدی محمد بن الحسن (ع) به سوی همه‌ی مردم و همچنین اولین وصی از اوصیای دوازده‌گانه‌ی امام مهدی (ع) بعد از وفاتش می‌باشد؛ همان گونه که در خبر آمده است که بعد از حضرت مهدی (ع) دوازده مهدی می‌باشند^(۲). سید احمد الحسن از نوادگان امام مهدی (ع) نیز هست؛ یعنی امام مهدی جدّ او می‌باشد. این درست است که گفته می‌شود سید احمد الحسن فرزند امام مهدی (ع) است ولی منظور، فرزند بلاواسطه نیست بلکه از نسل امام مهدی (ع) می‌باشد؛ همان طور که کسی که منتسب به رسول الله (ع) باشد گفته می‌شود فرزند او است. اجداد سید احمد الحسن تا امام مهدی (ع) همگی وفات یافته‌اند غیر از امام مهدی (ع)، که خداوند در زمین تمکینش دهد.

كما أنّ الإمام المهدي (ع) مراراً يتلفظ بكلمة - بُني - عند حديثه مع السيد أحمد الحسن كما ورد في أحد البيانات، حيث ورد - بني فديتك عجل - يمكنك البحث عنها في شريط البحث^(۳).

^۱ - روی الشیخ الطوسی بسنده عن أبي عبد الله الصادق (ع)، عن أبيه الباقر (ع)، عن أبيه زين العابدين (ع)، عن أبيه الحسين الشهيد (ع)، عن أبيه أمير المؤمنين (ع)، عن النبي (ص) قال: (... یا علی إنه سيكون بعدی اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً....) غيبة الطوسی: ص ۱۵۰، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۵۹.

وروی القاضي نعمان المغربي في شرح الأخبار عن علي بن الحسين (ع)، أنه قال: (يقوم القائم منا - يعني المهدي - ثم يكون بعده اثنا عشر مهدياً - يعني من الأئمة من ذريته -) شرح الأخبار: ج ۳ ص ۴۰۰. ولمعرفة المزيد راجع كتاب المهدي والمهديين في القرآن والسنة، المهديين في حديث أهل البيت (ع)، وغيرها من إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع).

^۲ - شیخ طوسی با سند خودش از امام صادق (ع) از پدرش باقر (ع) از پدرش زين العابدين (ع) از پدرش حسين شهيد (ع) از پدرش امير المومنين (ع) از رسول خدا روايت کرده است که فرمود: «... ای علی! بعد از من دوازده امام خواهد بود و بعد از ایشان، دوازده مهدی....». غیبت طوسی: ص ۱۵۰؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۵۹.

قاضی نعمان مغربی در شرح الاخبار از علی بن الحسین (ع) روایت می‌کند که فرمود: «قائم از ما قیام می‌کند (یعنی مهدی) سپس بعد از او دوازده مهدی خواهد بود (یعنی ائمه از فرزندان من)....». شرح الاخبار: ج ۳ ص ۴۰۰. جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتاب‌های مهدی و مهدیین در قرآن و سنت، مهدیون در حدیث اهل بیت (ع)، و سایر انتشارات انصار امام مهدی (ع) مراجعه نمایید.

^۳ - البيان الذي ورد ذكره في العبارة المذكورة في المتن هو بيان الثورة الصادر في ۳ / شوال / ۱۲۲۴ هـ. ق

همانگونه که امام مهدی (ع) بارها هنگام سخن گفتن با سید احمد الحسن عبارت «بُنَيَّ» (پسرکم) را به زبان می آورده است؛ همان گونه که در یکی از بیانات ایشان این گونه روایت شده است: «پسرم فدایت شوم عجله کن...». می توانی از طریق نوار صوتی آن بررسی نمایید^(۱).

وهو أول المهديين، وهو أول المؤمنين بدعوة الإمام المهدي (ع).

أنصار الإمام المهدي

مكن الله له في الأرض

او اولین مهدی از مهدیون دوازده گانه و اولین ایمان آورنده به دعوت امام مهدی (ع) می باشد.
انصار امام مهدی
که خداوند در زمین تمکینش دهد



پرسش ۲۰: نکاتی از داستان موسی (ع) در سفرش برای دیدار با حضر (ع)

السؤال / ۲۰: كيف أستطيع الإفادة من قصة موسى (ع) في رحلته لقاؤه بالخضر (ع)، في رحلته لقاؤه بالمهدي (ع)؟

علاء رزاق - ٤ / ربيع الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

چگونه می توانم از داستان موسی (ع) در سفرش برای دیدار با خضر (ع) در سفر دیدارمان با امام مهدی (ع) بهره مند شویم؟

علاء رزاق - ٤ ربيع الأول ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

^۱ - بیانیهای که عبارت مذکور در آن روایت شده است بیانیهای صادر شده در ۳ شوال ۱۲۲۴ هـ. ق می باشد.

الجواب موجود في الموقع في المكتبة: كتاب المتشابهات، الجزء الثالث مقتبس من جواب السؤال الرابع، الذي أجابه السيد أحمد الحسن كما في أدناه.

أنصار الإمام المهدي

مكن الله له في الأرض

پاسخ:

بسم الله الرحمان الرحيم

پاسخ در سایت مکتب موجود است: کتاب متشابهات جلد سوم برگرفته از پاسخ سؤال چهارم که سید احمد الحسن در ذیل آن پاسخ داده است.

انصار امام مهدی

که خداوند در زمین تمکینش دهد

أما قصة العالم (ع) مع موسى (ع) ولزمان القائم (ع) سفينة وغلام وجدار تحته كنز أيضاً، أما السفينة وهي لأصحاب القائم (ع) فتعاب لتحفظ من الطواغيت (يظهر في شبهة ليستبين)، أي القائم (ع) كما ورد عنهم (ع) ^(١)، وأما الغلام فيقتل؛ لأن باطنه أسود ومصاب بداء إبليس (لعنه الله) أنا خير منه ^(٢)، وقد ورد عنهم (ع) أن القائم (ع) يقتل أحد من يعملون بين يديه ومن المقربين منه (ع) ^(٣)، وأما الكنز فيخرج من تحت الجدار ويبث في الناس وهو علم آل محمد (ص).

اما داستان عالم (ع) با موسی (ع).... در زمان قائم (ع) نیز کشتی، پسر و دیواری که زیرش گنج بود نیز وجود خواهد داشت. کشتی که متعلق به اصحاب قائم (ع) است، معیوب می شود تا از گزند طاغوتیان در امان بماند:

^١ - بشیر (ع) إلى ما روي عن أبي عبد الله الصادق (ع) حيث قال للمفضل: (يا مفضل يظهر، في شبهة ليستبين فيعلو ذكره ويظهر أمره وينادي باسمه وكنيته ونسبه، ويكثر ذلك على أفواه المحققين والمبطلين والموافقين لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به على أنه قد قصصنا ودلنا عليه ونسبناه وسميناه وكنيناه وقلنا سمي جده رسول الله (ع) وكنيته لتلا يقول الناس ما عرفنا له اسماً ولا كنية ولا نسباً، والله ليتحقق الإيضاح به وباسمه ونسبه وكنيته على ألسنتهم حتى ليسميه بعضهم لبعض كل ذلك للزوم الحجة عليهم، ثم يظهره كما وعد به جده (ع) في قوله عز وجل: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) مختصر بصائر الدرجات: ص ١٧٩، بحار الأنوار: ج ٥٣ ص ٣.

^٢ - بشیر (ع) لما قصه الله تعالى من قول إبليس عندما قاس نفسه بنبي الله آدم (ع): (قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينِ) الأعراف: ١٢.

^٣ - روي عن أبي عبد الله (ع)، أنه قال: (بيننا الرجل على رأس القائم بأمره وبنهاه إذ قال: أديروه، فيديرونه إلى قدامه فيأمر بضرب عنقه، فلا يبقى في الخافقين شيء إلا خافه) غيبة النعماني: ص ٢٤٥، بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٣٥٥.

(با شبهه آشکار می‌گردد تا آشکار گردد)، یعنی قائم (ع)؛ که این معنا در روایات ائمه (ع) آمده است^(۱). اما پسر، کشته می‌شود زیرا باطنی سیاه دارد و به درد ابلیس لعنت الله گرفتار است: (من از او بهترم)^(۲)؛ از ائمه (ع) روایت شده است که قائم (ع) یکی از کسانی که در کنار او کار می‌کند و از مقرّبین حضرتش است را می‌کشد^(۳). اما گنج، علم آل محمد (ع) است که از زیر دیوار بیرون کشیده و بین مردم نشر داده می‌شود.

عن الصادق (ع): (العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً)^(۴).

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف است و همه‌ی آنچه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف است و مردم تا امروز جز آن دو حرف را نمی‌شناسند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را بین مردم نشر می‌دهد، و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و بیست و هفت حرف را منتشر می‌سازد»^(۵).

قول أمير المؤمنين (ع): وفيكم مثله^(۶)، يعني القائم فإنه يدعو الناس فيقولون له: إرجع يا ابن فاطمة، ثم يدعو الناس في الثانية فيقولون:

^۱ - اشاره می‌فرمایند به آنچه از ابو عبدالله امام صادق (ع) در حدیث مفضل روایت شده است: «ای مفضل، در شبهه ظاهر می‌گردد تا آشکار شود. پس ذکرش بلند می‌شود و امرش آشکار می‌گردد و به نام و کنیه و نسبش ندا داده می‌شود. نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم باایمان و بی‌ایمان نقل می‌گردد تا حجت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان و نسب او را اعلام کرده‌ایم و گفته‌ایم که او هم‌نام جدش خاتم الانبیا و هم‌کنیه‌ی او است تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه‌ی او را نمی‌دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه‌ی او بر زبان مردم جاری می‌شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. تمام اینها برای این است که حجت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند همان گونه که به جدش وعده داده است، امر به ظهورش می‌فرماید: (او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه‌ی ادیان پیروز گرداند حتی اگر مشرکان را خوش نیاید)». «مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۷۹؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۳.

^۲ - اشاره می‌فرماید به داستانی که خداوند متعال از زبان ابلیس بیان فرموده است آن هنگام که خودش را با آدم (ع) قیاس نمود: (خداوند گفت: وقتی تو را به سجده فرمان دادم، چه چیز تو را از آن بازداشت؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل)». اعراف: ۱۲.

^۳ - از ابو عبدالله امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «مردی که بالای سر قائم به او امر و نهی می‌کند. ناگهان می‌فرماید: بیاوریدش. او را پیش پاهایش می‌آورند و امر می‌کند گردنش را بزنند، و کسی باقی نمی‌ماند مگر اینکه از او ترسان و خاشع باشد». غیبت نعمانی: ص ۲۴۵؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۵.

^۴ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷، الخرائج والجرائح: ج ۲ ص ۸۴۱، عنه: بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

^۵ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶؛ خرائج و جرائح: ج ۲ ص ۸۴۱.

^۶ - روی الکلبینی بسنده عن حمران بن أعین، قال: قال أبو جعفر (ع): (إن علياً (ع) كان محدثاً، فخرجت إلى أصحابي فقلت: جنتكم بعجبية، فقالوا: وما هي؟ فقلت: سمعت أبا جعفر (ع) يقول: كان علي (ع) محدثاً، فقالوا: ما صنعت شيئاً ألا سألته من كان يحدثه، فرجعت إليه فقلت: إني حدثت أصحابي بما حدثتني

و سخن امیر المؤمنین (ع): در میان شما شبیه او (ذو القرنین) وجود دارد^(۱): یعنی قائم (ع) که مردم را دعوت می‌کند و مردم به او می‌گویند: ای پسر فاطمه برگرد. برای بار دوم مردم را دعوت می‌کند و مردم به او می‌گویند:

إرجع یا ابن فاطمة^(۲)، وفي الثالثة يمكنه الله من أعناقهم فيقتل فيهم حتى يرضى الله سبحانه وتعالى^(۳)، وحتى يقول له أحد المقربين منه: إنك تجفل الناس إجمال النعم^(۴)، وحتى يقول الناس: هذا ليس من آل محمد (ص)، لو كان من آل محمد لرحم كما ورد في الروايات عنهم (ع)^(۵).

ای پسر فاطمه، برگرد^(۶). اما در مرتبه‌ی سوم خداوند وی را بر آنها چیره می‌سازد و آنقدر از آنها می‌کشد تا خداوند سبحان و متعال خوشنود گردد^(۷): تا جایی که یکی از نزدیکان وی می‌گوید: تو مردم را به مانند گله‌ی

فقالوا: ما صنعت شيئاً ألا سألته من كان يحدثه؟ فقال لي: يحدثه ملك، قلت: تقول: إنه نبي؟ قال: فحرك يده - هكذا - أو كصاحب سليمان أو كصاحب موسى أو كذي القرنين، أو ما بلغكم أنه قال: وفيكم مثله (الكافي: ج ۱ ص ۲۷۱ ح ۴، بصائر الدرجات: ص ۳۴۱).

۱ - کلینی یا سند خودش از حرمان بن عین روایت می‌کند که گفت: ابو جعفر (ع) فرمود: «علی (ع) محدث بود (به او وحی می‌شد)». به سوی بارانش رفت و گفت: چیزی عجیبی برایتان آوردم. گفتند: چیست؟ شنیدم ابو جعفر (ع) می‌فرماید: «علی (ع) محدث بود». گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او به پرسشی چه کسی به او وحی می‌کرد. به سوی او بازگشتم و گفتم: آنچه شما فرمودید به بارانم گفتم و آنها گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او بپرسی چه کسی به او وحی می‌کرد؟ به من فرمود: «ملکی به او وحی می‌کرد». گفتم: آیا می‌فرماید او پیامبر بود؟ در حالی که دستش را این گونه حرکت می‌داد، فرمود: «مثل یار سلیمان یا یار موسی یا مثل ذوالقرنین، یا آنچه به شما برسد که فرمود: و در میان شما هم نظیر او هست». کافی: ج ۱ ص ۲۷۱ ح ۴؛ بصائر الدرجات: ص ۳۴۱.

۲ - عن أبي جعفر (ع): (إذا قام القائم (ع) سار إلى الكوفة، فيخرج منها بضعة عشر ألف أنفس يدعون البتربة عليهم السلاح فيقولون له: ارجع من حيث جئت فلا حاجة لنا في بني فاطمة، فيضع فيهم السيف حتى يأتي على آخرهم، ثم يدخل الكوفة فيقتل بها كل منافق مرتاب، ويهدم قصورها، ويقتل مقاتليها حتى يرضى الله عز وعلما بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۸.

۳ - عن أبي بصير، قال: سمعت أبا جعفر الباقر (ع) يقول: (في صاحب هذا الأمر سنة من أربعة أنبياء: سنة من موسى، وسنة من عيسى، وسنة من يوسف، وسنة من محمد (ص)). فقلت: ما سنة موسى؟ قال: خانف يترقب. قلت: وما سنة عيسى؟ فقال: يقال فيه ما قيل في عيسى. قلت: فما سنة يوسف؟ قال: السجن والغيبة. قلت: وما سنة محمد (ص)؟ قال: إذا قام سار بسيرة رسول الله (ص) إلا أنه يبين آثار محمد، ويضع السيف على عاتقه ثمانية أشهر هرجاً مرجاً حتى يرضى الله. قلت: فكيف يعلم رضاء الله؟ قال: يلقي الله في قلبه الرحمة غيبة النعماني: ص ۱۶۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۷.

۴ - روى العياشي خبراً طويلاً عن أبي عبد الله الصادق، إلى أن يقول (ع): (... حتى إذا بلغ إلى التعلبية قام إليه رجل من صلب أبيه وهو من أشد الناس ببدنه وأشجعهم بقلبه، ما خلا صاحب هذا الأمر، فيقول: يا هذا، ما تصنع؟ فوالله إنك لتجفل الناس إجمال النعم، أفبعهد من رسول الله (ص) أم بماذا؟ فيقول المولى الذي ولي البعية: والله لتسكنن أو لأضربن الذي فيه عينك، فيقول له القائم (ع): اسكت يا فلان، أي والله إن معي عهداً من رسول الله (ص)، هات لي يا فلان العيبة أو الطيبة أو الزنفلجة، فيأتيه بها فيقرأه العهد من رسول الله (ص)، فيقول: جعلني الله فداك أعطني رأسك أقبله، فيعطيه رأسه فيقبله بين عينيه ثم يقول: جعلني الله فداك جدد لنا بيعة، فيجدد لهم بيعة) تفسير العياشي: ج ۲ ص ۵۸، عنه: بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۴۱.

۵ - عن أبي جعفر (ع): (لو يعلم الناس ما يصنع القائم إذا خرج لأحب أكثرهم أن لا يروه، مما يقتل من الناس، أما إنه لا يبدأ إلا بقريش، فلا يأخذ منها إلا السيف ولا يعطيها إلا السيف، حتى يقول كثير من الناس: ليس هذا من آل محمد، ولو كان من آل محمد لرحم) غيبة النعماني: ص ۲۳۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵۴.

۶ - از ابو جعفر (ع): «هنگامی که قائم (ع) به پا خیزد به سوی کوفه می‌رود. چند ده هزار نفر از بتربه که با خود سلاح دارند به او می‌گویند: به همان جا که آمده‌ای برگرد، ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. پس شمشیر را در میانشان قرار می‌دهد و تا آخرینشان را می‌کشد. سپس به کوفه داخل شده، تمام منافقین شکاک را از بین می‌برد، کاخ‌هایشان را ویران می‌کند و مبارزینشان را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی گردد». بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۸.

۷ - از ابو بصیر نقل شده است: شنیدم ابو جعفر (ع) می‌فرماید: «در صاحب این امر، سنت چهار پیامبر وجود دارد: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف و سنتی از محمد». گفتم: سنتی موسی چیست؟ فرمود: «ترسان و مراقب». گفتم: سنتی عیسی چیست؟ فرمود: «آنچه درباره‌ی عیسی گفته شد، درباره‌ی او گفته می‌شود». گفتم: سنت یوسف چیست؟ فرمود: «زندان و غیبت». گفتم: سنت محمد چیست؟ فرمود: «هنگامی که قیام کند به روش رسول

چهارپایان فراری می‌دهی^(۱) و تا جایی که مردم می‌گویند: این شخص از آل محمد (ع) نیست؛ چرا که اگر از آل محمد (ع) می‌بود ترخم می‌نمود؛ همان طور که در روایات از ایشان (ع) نقل شده است^(۲).

أرجو أن يكون ما ذكرته نافعا للمؤمنين، وإن كان في هذه القصص الثلاث أسرار كثيرة جداً لم أسلط الضوء عليها^(۳).

امیدوارم آنچه گفتم برای مؤمنان سودمند باشد و هر چند در این قصه‌های سه‌گانه رازهای بسیاری نهفته است که آنها را بیان ننموده‌ام^(۴).

والنتيجة التي أريد أن أبينها هي أن هذه القصص الثلاث مرتبطة ارتباطاً وثيقاً مع القائم (ع) ومع أصحابه ومع علامات ظهوره.

نتیجه‌ای که می‌خواهم بیان کنم این است که این قصه‌های سه‌گانه ارتباط تنگاتنگی با قائم (ع) و یارانش و علایم ظهورش دارد.

كان هذا جواب السيد أحمد الحسن في المتشابهات.

این پاسخ سید احمد الحسن بود.

خدا حرکت می‌کند با این تفاوت که او آثار محمد را آشکار می‌کند. شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می‌کند و می‌کشد و می‌کشد تا خداوند راضی گردد». گفتم: چگونه رضایت خداوند را متوجه می‌شود؟ فرمود: «خداوند رحمت را در قلبش می‌اندازد». غیبت نعمانی: ص ۱۶۸؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۷.

۱ - عیاشی در خبری طولانی از ابو عبدالله امام صادق (ع) روایت می‌کند تا آنجا که فرمود: «... تا به تعلیبه می‌رسد که مردی از پشت پدرش و از همه‌ی مردم نیرومندتر و شجاع‌تر است (به غیر از صاحب این امر)، در مقابلش می‌ایستد و می‌گوید: فلانی، این چه کاری است که می‌کنی؟ به خدا قسم! تو مردم را مانند چهارپایان فراری می‌دهی. آیا این کارها با عهدی از رسول خدا انجام می‌شود یا چیز دیگری؟ پس آن خدمتکاری که متصدی امر بیعت بود بر او بانگ می‌زند: در جایب بنشین و گرنه به خدا سوگند سر از بدنت جدا می‌کنم. اما حضرت قائم (ع) به او می‌فرماید: فلانی ساکت باش. آری، به خدا سوگند عهدنامه‌ای از رسول خدا همراه من است! بعد صدا می‌زند: فلانی، آن خورجین یا کیف یا صندوقچه را بیاور. پس آن را می‌آورند و عهدنامه‌ی رسول خدا را می‌خواند. آن مرد عرض می‌کند: خداوند مرا فدای تو گرداند، سر مبارکت را نزدیک بیاور تا بر آن بوسه زنم. پس آن جناب سر مبارک خویش را پیش می‌آورد و آن مرد میان چشمان حضرت را می‌بوسد. سپس می‌گوید: خداوند مرا فدای تو سازد، بار دیگر از ما بیعت بگیر؛ که آن حضرت بیعت خود را تجدید می‌کند». تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۵۸؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۱.

۲ - از ابو جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: «اگر مردم می‌دانستند قائم هنگامی که خروج کند، چه می‌کند، بیشتر مردم ترجیح می‌دادند که او را نمی‌دیدند از آنچه از مردم می‌کشد؛ او شروع نمی‌کند مگر از قریش و از آنها قبول نمی‌کند مگر شمشیر و به آنها جز شمشیر نمی‌دهد، تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: او از آل محمد نیست که اگر از آل محمد می‌بود، رحم می‌کرد». غیبت نعمانی: ص ۲۳۸؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۴.

۳- لمعرفة المزيد عن القصص الثلاث راجع كتاب رحلة موسى إلى مجمع البحرين الذي كتبه مؤخراً قائم آل محمد السيد أحمد الحسن (ع).

۴ - جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی داستان‌های سه‌گانه به کتاب سفر موسی (ع) به مجمع البحرين که قائم آل محمد سید احمد الحسن (ع) به نگارش درآورده است، رجوع نمایید.

پرسش ۲۱: زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن (ع)

السؤال / ۲۱: أرجو إعطائي السيرة الذاتية للسيد أحمد الحسن ؟

بكر السكيني - ۲۵ / صفر / ۱۴۲۶ هـ . ق

لطفاً زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن را بیان نماید؟

بكر السكيني - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

يرجى من أصحاب الموقع التفضل بتزويدنا بالسيرة الذاتية للسيد الجليل أحمد الحسن (دام
ظله) مع صورة شخصية إن أمكن، سددكم الله.

طالب خيري - ۱۶ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

بسم الله الرحمن الرحيم

از کارکنان سایت در خواست می‌شود بر ما تفضل نموده، زندگی‌نامه‌ی سید بزرگوار احمد الحسن که سایه‌اش
مستدام باد و در صورت امکان همراه با عکس ایشان، در اختیار ما قرار دهند. خداوند شما را تسدید فرماید!

طالب خیری - ۱۶ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

۱- مولود في البصرة في العراق.

۲- خريج كلية الهندسة / الهندسة المدنية.

۳- درس في الحوزة العلمية في النجف الأشرف.

۴- أرسله الإمام المهدي للإصلاح في الحوزة العلمية في النجف الأشرف قبل حوالي أكثر من

خمس سنوات، ومارس عملية الإصلاح العلمي والعملية والاقتصادي في الحوزة وفي المجتمع عموماً.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

١- در بصره در عراق به دنیا آمده است.

٢- فارغ التحصیل دانشکده‌ی مهندسی / مهندسی شهرسازی است.

٣- در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف درس خوانده است.

٤- امام مهدی (ع) حدود پنج سال پیش او را برای اصلاح حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف ارسال فرمود و کارهایی از قبیل اصلاح علمی، عملی و اقتصادی در حوزه و به طور کلی در جامعه به انجام رسانید.

(أ) الإصلاح العلمي: وذلك لأنّ الحوزة لا يدرّس فيها القرآن، فدرّس القرآن فيها ونشر قضیة

الإمام المهدي (ع).

الف - اصلاح علمی: از آنجا که در حوزه قرآن تدریس نمی‌شد، قرآن را در حوزه تدریس نمود و قضیه‌ی امام

مهدی (ع) را انتشار داد.

(ب) صرّح علناً بعد تنجیس صدام الکافر للقرآن الکریم بأنّ صداماً فعل هذا تقرّباً للشیطان

الرجیم، وتعرّض بسبب هذا التصريح للمطاردة من قبل قوات صدام الکافرة، وهو الوحید فی

النجف الذی تکفّل هذا الأمر بقوّة، وقال: إنّ صداماً کتب موته بیده، وکتب نهایت حکمه بیده

عندما کتب القرآن بالدم النجس. واعترض علی علماء النجف وعلماء المسلمین عموماً لسکوتهم

علی هذا الفعل الشنیع من صدام الکافر.

ب - بعد از اینکه صدام، قرآن را با خون نجسش نوشت صریحاً اعلام کرد که صدام این کار را به قصد

نزدیک شدن به شیطان رجیم انجام داده است و به جهت همین تصریح در کلام از طرف نیروهای صدام کافر

مورد تعقیب قرار گرفت. او تنها کسی بود که در نجف این اقدام را با اقتدار تمام بر عهده گرفت و بیان نمود که

صدام با دست خودش حکم مرگش را امضا کرده و به حکومتش پایان داده است؛ یعنی هنگامی که قرآن را با

خون نجسش نوشت، و به علمای نجف و به طور کلی به همه‌ی علمای مسلمانان به خاطر سکوتشان در برابر

این اقدام ناپسند صدام کافر، اعتراض نمود.

(ج) الإصلاح العملي: وذلك لترك الحوزة للأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والاهتمام بأحوال الناس، وكان يصدع بكل مكان في الحوزة بضرورة الاهتمام بأحوال الناس الدينية والمعاشية، ورفع الظلم والحيث عنهم.

ج - اصلاح عملی: به این جهت بود که حوزه‌ی علمیه، امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مردم را ترک کرده بود و آشکارا به همه‌ی قسمت‌ها می‌فرمود که به امور دینی و دنیوی مردم و رفع ظلم و ستم از آنها بپردازند.

(د) الإصلاح الاقتصادي: قام بما يعرف بالثورة ضد الفساد المالي في الحوزة العلمية، وقد نصره في هذا الأمر كثير من طلبية الحوزة، ودخل في يوم على أحد وكلاء المراجع ومعه أكثر من ثلاثين طالباً، وطلب منه إبلاغ ذلك المرجع بالفساد المالي وضرورة إصلاحه، كما أرسل طلبية من الحوزة العلمية إلى المراجع، وطالبهم بإصلاح الفساد المالي الموجود في برانياتهم المتمثل بإغداق الأموال على وكلائهم وترك الفقراء والأيتام والأرامل يتضورون جوعاً.

د - اصلاح اقتصادی: به آنچه به نام انقلاب علیه فساد مالی در حوزه‌ی علمیه معروف شد، اقدام نمود. در این مورد بسیاری از طلاب حوزه او را یاری کردند. روزی نزد یکی از وکلای مراجع رفت و در حالی که بیش از سی نفر از طلاب او را همراهی می‌کردند، از آن وکیل خواستند تا فساد مالی آن مرجع را منتشر کند و ضرورت اصلاح آن را یادآور شد. همچنین طلاب را از حوزه‌ی علمیه به سوی مراجع فرستاد تا از آنها بخواهد فساد مالی موجود در خزینه‌هایشان را اصلاح کنند زیرا اموالشان را به وکلایشان می‌بخشیدند و فقیران و یتیمان و بیوه‌زنان که از گرسنگی به خود می‌پیچیدند را رها کرده بودند.

(هـ) وقبل ثلاث سنوات تقريباً في عهد الطاغية صدام أعلن أنه رسول الإمام المهدي (ع)، فطاردته قوات صدام الكافرة، فأنجاه الله بفضل سبحانه وتعالى من يد هذا الطاغية، وهو الآن يدعو إلى الإمام المهدي (ع) وضرورة نصرته والتمكين له (ع) .. وشكراً، وهذا باختصار شديد وإجمال وليس تفصيلاً ونعتذر عن التفصيل.

أنصار الإمام المهدي

مكن الله له في الأرض

هـ - تقريباً سه سال پيش در زمان حكومت صدام طغيان گر اعلام كرد كه او فرستاده‌ی امام مهدي (ع) می‌باشد و در نتیجه نیروهای صدام اقدام به دستگیری او نمودند كه خداوند سبحان و متعال با لطف خودش او را از چنگ این طاغوت نجات داد و اکنون او مردم را به سوی امام مهدي (ع) و ضرورت یاری و تمكين او دعوت می‌کند..... و خدا را شكر.

این توضیحات بسیار خلاصه تقدیم حضورتان شد و از اینکه جزئیات را بیان نکردیم پوزش می‌خواهیم.

انصار امام مهدي (ع)

خداوند در زمین تمكينش دهد



پرسش ۲۲: آیا می‌توانید از غیباتی که اجازه‌شان داده شده است، مرا آگاه نمایید؟

السؤال / ۲۲: بسمه تعالی .. إلى سماحة السيد أحمد .. هل تستطيع أن تعلمني بالغيبيات التي هي مأذون بها إلى البشر؟ والسلام عليكم.

زينب الموسوي - ۱۶ / صفر / ۱۴۲۶ هـ . ق

بسمه تعالی.... به جناب سيد احمد الحسن.... آیا می‌توانید از امور غیبی که اجازه‌شان به انسان‌ها داده شده است، مرا آگاه نمایید؟ والسلام عليكم.

زينب موسوی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

بالنسبة للغيبيات المتعلقة بالدعوة، فسيصدر كتاب فيه الغيبيات المتعلقة بالدعوة، كالرؤيا والشفاء وغيرها، تابعي الموقع وخصوصاً صفحة جديد الموقع، وسنعلمك بصدوره فضلاً عن ذلك.

أنصار الإمام المهدي

مكن الله له في الأرض

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
در خصوص غیباتی که به دعوت مربوط می‌شود، به زودی کتاب غیبات مربوط به دعوت مانند رؤیا، شفا و سایر موارد، منتشر خواهد شد^(۱). سایت را دنبال کنید مخصوصاً صفحه‌ی جدیدی که باز شده است و صفحات دیگر را نیز به اطلاع شما خواهیم رسانید.

انصار امام مهدی(ع)

خداوند در زمین تمکینش دهد



پرسش ۲۳: روح القدس که در قرآن آمده است، کیست؟

السؤال / ۲۳: ما هو روح القدس في القرآن، وعلى من تنزل، وما هي العلاقة بين فاطمة الزهراء وروح القدس؟

وائل سعيدة - صفر / ۱۴۲۶ هـ. ق

روح القدس که در قرآن آمده است، کیست و بر چه کسی نازل می‌شود و میان او و حضرت فاطمه‌ی زهرا(ع) چه رابطه‌ای وجود دارد؟

وائل سعیده - صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الجواب موجود في المتشابهات، وأيضاً فاطمة(ع) وأبوها وبعلمها وبنوها والأئمة والمهديون روح القدس الأعظم.

أحمد الحسن

^۱ - کتاب «کرامات و غیبات» در حال حاضر منتشر شده است. (مترجم)

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

پاسخ، در کتاب متشابهات موجود می باشد و همچنین به همراه فاطمه، پدرش، شوهرش و فرزندانش، ائمه و مهدیون روح القدس اعظم هستند.

احمد الحسن

وهو كما يلي:

الجواب: روح القدس هو: روح الطهارة أو العصمة، فإذا أخلص العبد بنيته لله سبحانه وتعالى، وأراد وجه الله، أحبه الله ووكل الله به ملكاً يدخله في كل خير، ويخرجه من كل شر، ويسلك به إلى مكارم الأخلاق، ويكون الروح القدس واسطة لنقل العلم للإنسان الموكل به.

روح القدس همان روح پاکي و عصمت است. اگر بنده نیتش را برای خداوند سبحان و متعال خالص گرداند و خواهان وجه او باشد، خداوند او را دوست می دارد و ملکی را موکل او می کند تا او را به هر خیری وارد و از هر شری خارج کند و او را به سوی مکارم اخلاق (والاثرین خصوصیات اخلاقی) سوق می دهد. روح القدس واسطه انتقال دانش به انسانی که موکلش است، می باشد.

وأرواح القدس كثيرة وليست واحداً، والذي مع عيسى (ع) ومع الأنبياء دون الذي مع محمد (ص) وعلي (ع) وفاطمة (ع) والأئمة (ع)، وهذا هو الروح القدس الأعظم لم ينزل إلا مع محمد (ص)، وانتقل بعد وفاته إلى علي (ع)، ثم إلى الأئمة (ع)، ثم بعدهم إلى المهديين الاثني عشر.

روح القدس ها متعددند و یکی نیستند؛ روح القدسی که با حضرت عیسی (ع) و انبیا بوده است با روح القدسی که با محمد (ص)، علی (ع) و فاطمه (ع) و ائمه (ع) است فرق می کند؛ این روح القدس، همان روح القدس اعظم است که فقط برای حضرت محمد (ص) نازل شد و پس از وفات او به علی (ع) منتقل شد و و پس از او به ائمه (ع) انتقال یافت و پس از ایشان به مهدیون دوازده گانه منتقل می شود.

عن أبي بصير، قال: (سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله تبارك وتعالى: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾^(۱)، قال (ع): خلق من خلق الله عز وجل، أعظم من جبرائيل وميكائيل، كان مع رسول الله (ص) يخبره ويسدده وهو مع الأئمة من بعده)^(۲).
 از ابوبصیر روایت شده است که گفت: از ابوعبدالله (ع) درباره‌ی این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است)^(۳). فرمود: «مخلوقی از مخلوقات خداوند عزوجل که از جبرئیل و میکائیل بزرگ‌تر است و همراه حضرت محمد(ص) بود و به او خبر می‌داد و راهنمایی می‌کرد و بعد از ایشان، همراه ائمه‌ی بعد از او می‌باشد»^(۴).

عن أبي بصير، قال: (سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عز وجل: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾^(۵)، قال (ع): خلق أعظم من جبرائيل وميكائيل (ع)، كان مع رسول الله (ع) وهو مع الأئمة وهو من الملكوت)^(۶).

ابو بصیر می‌گوید: از ابو عبد الله (ع) درباره‌ی این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: (از تو درباره‌ی روح می‌پرسند. بگو: روح از امر پروردگارم است)^(۷). فرمود: «آفریده‌ای عظیم‌تر از جبرئیل و میکائیل (ع) که همراه رسول خدا(ص) بود و با ائمه (ع) می‌باشد و این روح از ملکوت است»^(۸).

وعن أبي حمزة، قال: (سألت أبا عبد الله (ع) عن العلم أهو علم يتعلمه العالم من أفواه الرجال، أم في الكتاب عندكم تقرأونه فتعلمون منه؟ قال (ع): الأمر أعظم من ذلك وأوجب، أم سمعت قول الله عز وجل: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾^(۹)، ثم قال: أي شيء يقول أصحابكم في هذه الآية؟ أيقرون أنه كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان؟ فقلت: لا أدري جعلت فداك ما يقولون، فقال لي (ع): بلى، قد كان في حال لا يدري ما

^۱ - الشوری: ۵۲.

^۲ - بصائر الدرجات: ص ۴۷۵، ینابیع المعاجز: ص ۷۰.

^۳ - شوری: ۵۲.

^۴ - بصائر الدرجات: ص ۴۷۵؛ ینابیع المعاجز: ص ۷۰.

^۵ - الإسراء: ۸۵.

^۶ - الکافی: ج ۱ ص ۲۷۳.

^۷ - إسراء: ۸۵.

^۸ - کافی: ج ۱ ص ۲۷۳.

^۹ - الشوری: ۵۲.

الكتاب ولا الإيمان، حتى بعث الله تعالى الروح التي ذكر في الكتاب، فلما أوحاها إليه علم بها العلم والفهم، وهي الروح التي يعطها الله تعالى من شاء، فإذا أعطاها عبداً علمه الفهم^(١).

از ابو حمزه روایت شده است که گفت: از ابو عبد الله (ع) درباره‌ی علم پرسیدم که آیا همان علمی است که عالم از دهان دانشمندان یاد می‌گیرد یا در کتابی نزد شما است که آن را می‌خوانید و یاد می‌گیرید؟ فرمود: «مسأله بزرگ‌تر از اینها است. این سخن خداوند متعال را شنیده‌ای که می‌فرماید: (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است)^(٢). سپس فرمود: «نظر اصحاب شما درباره‌ی این آیه چیست؟ آیا اقرار می‌کنند که پیامبر (ص) در وضعیتی بود که نمی‌دانست کتاب چیست و ایمان کدام است؟» گفتم: فدایتان گردم، نمی‌دانم که آنها چه می‌گویند. حضرت (ع) به من فرمود: «آری، او (ص) در حالتی بود که نمی‌دانست کتاب و ایمان کدام است تا اینکه خداوند متعال این روح را که در قرآن ذکر شده است، فرستاد. پس زمانی که خداوند این روح را به پیامبر وحی فرمود، پیامبر به وسیله‌ی این روح، علم و فهم را دانست. این روحی است که خداوند به هر که بخواهد عطا می‌فرماید. اگر آن را به بنده‌ای عطا فرماید، علم را به او آموخته است»^(٣).

فرسول الله محمد (ص) لما نزل إلى هذا العالم الجسماني ليخوض الامتحان الثاني بعد الامتحان الأول في عالم الذر حجب بالجسم المادي، فلما أخلص لله سبحانه وتعالى إخلاصاً ما عرفت الأرض مثله، أحبه الله ووكل به الروح القدس الأعظم، فكان الفائز بالسباق في هذا العالم كما كان الفائز بالسباق في الامتحان الأول في عالم الذر.

أحمد الحسن

بنابراین رسول خدا حضرت محمد (ص) هنگامی که به این عالم جسمانی آمد تا بعد از امتحان اول در عالم ذر وارد امتحان دوم در این عالم که با جسم مادی پوشیده شده است، شود. زمانی که برای خداوند سبحان و متعال آنچنان که زمین، نظیرش را نشناخته بود، اخلاص ورزید، خداوند او را به دوست برگزید و روح القدس اعظم را وکیل او نمود. به این صورت در این دنیا نیز درست مانند امتحان اول یا عالم ذر، در مسابقه پیروز گردید.

احمد الحسن

^١ - الكافي: ج ١ ص ٢٧٤.

^٢ - شوری: ٥٢.

^٣ - کافي: ج ١ ص ٢٧٤.

پرسش ۲۴: سخن خداوند متعالی: «و من يتق الله يجعل له مخرجاً....»

السؤال / ۲۴: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً..... قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^(۱)،
المطلوب: ما هو السر في هذه الآيات القرآنية الكريمة؟

وائل سعیده - صفر / ۱۴۲۶ هـ . ق

(و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد * و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است)^(۲). سؤال: سرّ نهفته شده در این آیات قرآن چیست؟

وائل سعیده - صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
وهل أنت تعرف السر؟ هذا سؤال معاند وليس طالب حق.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
آیا تو می‌دانی سرّ چیست؟ این یک سؤال مغرضانه است و سؤال یک خواهان حقیقت نیست.

قال الإمام أمير المؤمنين(ع): (ولو إنَّ السماوات والأرضيين كانتا على عبدٍ رتقاً ثم اتقى الله لجعل الله له منهما مخرجاً)^(۳)، فالمخرج من تقدير الله، هو قدر الله وقانون وسنة الله التي لا تتبدل، المرافقة للتقوى.

أحمد الحسن

^۱ - الطلاق : ۲ - ۳.

^۲ - طلاق: ۲ و ۳.

^۳ - نهج البلاغة بشرح محمد عبده: ج ۲ ص ۱۳.

امير مؤمنان(ع) می فرماید: «اگر آسمانها و زمینها برای بندهای سخت و غیرقابل نفوذ گردند سپس آن بنده تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او از آن دو، راه خروجی قرار خواهد داد». پس راه خروج (مخرج) از تقدیر الهی است؛ همان قدر و قانون و سنت خداوند است که تغییر نمی یابد و ملازم و همراه تقوی می باشد.

احمد الحسن



پرسش ۲۵: گروههایی که شمشیر امام(ع) به سویشان کشیده می شود

السؤال / ۲۵: ما هي فئات الناس التي يطالها سيف سيدي ومولاي الإمام (عج)، ولماذا لا يصفى العلماء الذين يؤذونه بتأويل الحديث والقرآن على رواية الإمام الصادق (ع): (... يقاسي أشد ما قاسى رسول الله من الكفار ...) معنى الحديث، وهل يقتل الإمام الذين لا يحاربونه مع عدم إيمانهم بفكرته، وهل عندما يقوم بالأمر يكون الناس فئتين فقط، أم توجد فئة (لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء)؟

علاء رزاق - ۲ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

گروههایی که شمشیر آقا و مولایمان امام زمان(ع) به سمتشان کشیده خواهد شد کدامها هستند و برای چه علمایی که اجازهی تأویل احادیث و قرآن را ندارند این روایت امام صادق(ع) را روشن نمی سازند: «... خیلی بیشتر از سختگیری رسول اکرم نسبت به کفار سختگیری خواهد نمود...». آیا امام زمان با کسانی که با او نمی جنگند ولی به وی ایمان ندارند نیز خواهد جنگید؟ آیا زمانی که او(ع) قیام می کند مردم فقط به دو دسته تقسیم می شوند و یا دستهی دیگر هم وجود خواهد داشت که نه از این گروه است و نه از آن گروه؟

علاء رزاق - ۲ ربيع الاول ۱۴۲۶

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

دعوة الإمام المهدي كأي دعوة إلهية لا بد أن ينقسم الناس نسبة لها إلى ثلاث فئات مؤمنين ومنافقين وكافرين.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
دعوت امام مهدی (ع) مثل هر دعوت الهی دیگری است و مردم در این دعوت به سه گروه مؤمن، منافق و کافر تقسیم می‌شوند.

ورسول الله محمد (ص) أمر بالكف عن المنافقين، والقائم (ع) مأمور بالقضاء على الكافرين، ثم المنافقين، والله الأمر من قبل ومن بعد والحمد لله وحده.

أحمد الحسن

رسول اکرم محمد (ص) دستور دادند که منافقان را به حال خود واگذارند؛ ولی قائم (ع) مأمور است که ابتدا کافران و سپس منافقین را از بین ببرد. همه‌ی امور چه قبل و چه بعد از آن، به دست خداوند است و سپاس تنها سزاوار خداوند یگانه است.

احمد الحسن

پرسش ۲۶: وظیفه‌ی من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟

السؤال / ۲۶: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسن وفقكم الله لنصرة وليه والقائم بأمره ..

أنا أدعو الناس إلى قضيتك، وأشرح لهم فكرة حركة الأنصار دون استجابة منهم، سؤالي هو: هل هذا هو تكليفي بالدعوة، أم هو ارتجال من ذاتي الحقيرة، وهل مطلوب مني أخذ موافقة سيدي ومولاي الإمام (عج) بذلك؟ أرجو بيان موقفي هذا من وجهة نظر الإمام نفسه، وبماذا يوصيني وكيف تكون أخذ الموافقة (عجل الله له الفرج وسهل له المخرج) والله وحده يعلم أي فرحت بهذا الدعاء، وأسألكم الدعاء بالتوفيق لفهم معانيه، والاستفادة منه للوصول إلى نصرته الإمام المظلوم المهضوم.

علاء رزاق - ۵ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

سيد احمد الحسن، خداوند شما را برای یاری ولیّ اش و قائم به امرش توفیق عطا فرماید....
 من مردم را به مسأله‌ی شما دعوت می‌کنم و ایده و فکر حرکت انصار را برای‌شان شرح می‌دهم بدون اینکه پاسخی مثبتی از آنان دریافت نمایم. سؤال من این است که آیا تکلیف بنده در رابطه با دعوت همین است؟ یا این یک عمل ناپخته از من حقیر می‌باشد؟ آیا در این خصوص من باید موافقت مولا و آقایم امام زمان (ع) را کسب کنم؟ خواهش می‌کنم وضعیت من در این خصوص و نظر خود امام را بیان فرمایید و اینکه ایشان چه توصیه‌هایی برای من دارند و چگونه رضایت ایشان جلب می‌شود؛ خداوند فرج ایشان را تعجیل و خروج او را آسان فرماید. خداوند یگانه آگاه است که من از این دعا شادمانم و از شما تقاضا می‌کنم برایم دعا نمایید تا به درک معانی آن و نیز استفاده از آن جهت رسیدن به یاری امام مظلوم از حقیقت محروم شده، توفیق یابم.

علاء رزاق - ۵ ربیع ثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه ... اللهم صلّ على محمد وآل محمد

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، أمّا بعد ..

فإنّ تكليف كل شخص آمن برسالة أحمد الحسن عن الإمام المهدي (ع)، هو الدعوة لهذه القضية ومناصرتها ومواكبتها واتباعها، وفق ما أرشد إليه السيد أحمد بنفسه، أو عن طريق ممثليه المعيّنين.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه. اللهم صلى على محمد وآل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته..

أما بعد:

تکلیف هر شخصی که به فرستاده شدن سید احمد الحسن از جانب امام مهدی (ع) ایمان بیاورد، دعوت کردن مردم به این قضیه و یاری دادن آن و همراهی کردن با آن و پیروی از آن می‌باشد؛ البته طبق دستورات سید احمد الحسن یا نمایندگان تعیین شده از سوی ایشان.

وإذن السيد أحمد الحسن في أي شيء ما هو إلا إذن الإمام المهدي (ع)؛ لأنه ممثله الخاص، والناقل

عنه (ع)، هذا وأسأل الله لنا جميعاً التوفيق لنصرة الحق وصاحب الحق ... والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي - أنصار الإمام المهدي (ع)

اذن و اجازة‌ی سید احمد الحسن در هر موردی همان اذن و اجازة‌ی امام مهدی (ع) می‌باشد؛ چرا که سید احمد الحسن نماینده‌ی خاص امام زمان (ع) و منتقل کننده از ایشان است. از خداوند برای همه‌ی مان توفیق یاری حق و صاحب حق را مسئلت می‌نمایم.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم العقیلی - انصار امام مهدی (ع)



پرسش ۲۷: توقیع سمري

السؤال / ۲۷: السلام على من اتبع الهدى، وصلتني رسالتكم وأنتم توصوني أن أقرأ كتاب الرد الحاسم، وقد اطلعت عليه فلم أجد فيه أي جديد وإنما هي أحاديث لها تأويل ومجمل ومتشابه لها أهلها من العلماء المختصين في علم الرجال والدراية، وأنا أرشدكم على كتاب اسمه دعوى السفارة في الغيبة الكبرى للشيخ محمد السند، ففيه ضالّة كل منصف، وأنا الآن أورد لك التوقيع من الناحية المقدسة عليها آلاف التحايا: (بسم الله الرحمن الرحيم يا علي بن محمد السمري، أعظم الله أجر إخوانك فيك، فانك ميت ما بينك وبين ستّة أيام، فاجمع أمرك ولا توص إلى أحد يقوم مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبة الثانية التامة، فلا ظهور إلا بعد أذن الله عز وجل، وذلك بعد طول الأمد وقسوة القلوب امتلاء الأرض جوراً، وسيأتي شيعتي من يدعي المشاهدة ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفيناني والصيحة فهو كذاب مفتر، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم)^(۱).

محمد العقابي - العراق/ البصرة - ۵/ ربيع الثاني/ ۱۴۲۶ هـ . ق

سلام بر کسی که از پی هدایت گام برمی‌دارد. خبر رسالت شما به من رسید و شما به من توصیه کردید که کتاب «پاسخ کوبنده» را بخوانم. من آن را خواندم و چیز جدیدی در آن نیافتم. این کتاب فقط شامل یک سری احادیث مجمل و متشابه که همگی قابل تأویل است می‌باشد که علم آن به دست علمای متخصص در علم رجال و درایه است. من کتاب «ادعای سفارت در غیبت کبری» تألیف شیخ محمد السند را به شما معرفی

^۱ - کمال الدین: ص ۵۲۶، غيبة الطوسي: ص ۳۹۵.

می‌کنم که در آن گمشده‌ی هر فرد منصف و عادی وجود دارد و من اکنون توقیعی از ناحیه‌ی مقدسه که هزاران تحیت و سلام بر او باد را برای شما می‌خوانم: «بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را دربارهی تو بزرگ نماید. تو در فاصله‌ی شش روز از دنیا خواهی رفت. پس، کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد؛ زیرا غیبت دوم کامل واقع شد و ظهوری نخواهد بود، مگر پس از اذن خداوند عزوجل و این اجازه پس از مدتی طولانی است که دل‌ها سخت شود و زمین از ستم آکنده گردد. و کسی که ادعای مشاهده می‌کند، به زودی به سراغ شیعیان من خواهد آمد. آگاه باشید! کسی که قبل از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ‌گو و افترازننده است و هیچ قوت و نیرویی نیست، مگر برای خداوند بلندمرتبه‌ی بزرگ...»^(۱).

محمد العقابی - العراق - بصره - ۵ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

هذا الذي أرسلتُ إليه كما تم التوجيه بأن يهدئ أعصابه وأن يقرأ الكتابين الرد الحاسم والرد القاصم.

أبو محمد الجابر

متابعة موقع أنصار الإمام المهدي على الإنترنت

این همان چیزی است که من برای او فرستادم تا کمی اعصاب خود را کنترل کند و دو کتاب «الرد الحاسم» و «الرد القاصم» را بخواند.

ابو محمد جابر

دنبال کننده‌ی سایت انصار امام مهدی در اینترنت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه ... اللهم صل على محمد وآل محمد

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

إلى الأخ محمد العقابي .. أسأل الله لك التوفيق للتأني والبحث بدقة في هذه القضية الحقة، وأن لا يجعلك الله من المكذبين من غير دليل، الذين ذمهم بقوله تعالى: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ

^۱ - كمال الدين: ص ۵۲۶ ؛ غيبت طوسی: ص ۳۹۵.

يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ^(۱)، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ بِخُصُوصِ كِتَابِ (الرَدِّ الْحَاسِمِ) فَهُوَ بَحْثٌ لِإثْبَاتِ الذَّرِيَةِ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (ع)، وَغَيْرِ مَخْتَصٍ بِإثْبَاتِ إِمْكَانِ مَشَاهِدَةِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (ع) فِي زَمَنِ الْغَيْبَةِ الْكُبْرَى، وَقَدْ بَحِثْتُ قِضِيَةَ إِمْكَانِ مَشَاهِدَةِ الْإِمَامِ فِي كِتَابِ (الرَدِّ الْقَاصِمِ عَلَى مَنْكَرِي رُؤْيَةِ الْقَائِمِ)، وَقَدْ نَاقَشْتُ فِيهِ (تَوْقِيعَ السَّمَرِيِّ) وَغَيْرَهَا، وَأَثَبْتُ فِيهِ إِمْكَانَ مَشَاهِدَةِ الْإِمَامِ (ع) فِي زَمَنِ الْغَيْبَةِ الْكُبْرَى.

پاسخ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الحمد لله على بلائه و عظيم نعمائه. اللهم صلى على محمد وال محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.
به برادر محمد العقابی... از خداوند برای شما توفیق درک و فهم و جست‌وجوی دقیق درباره‌ی این قضیه‌ی حق را مسئلت دارم و از خداوند می‌خواهم که شما را از تکذیب‌کنندگان قرار ندهد؛ آنهایی که با این سخنش آنان را سرزنش فرموده است: (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته بودند)^(۲). اما در رابطه با کتاب «الرَدِّ الْحَاسِمِ» این کتاب درباره‌ی نسل و ذریه‌ی امام مهدی (ع) و اثبات آن می‌باشد و به اثبات امکان مشاهده‌ی امام زمان (ع) در زمان غیبت کبری اختصاص ندارد. من موضوع امکان مشاهده‌ی امام (ع) را در کتاب «پاسخ قاطع به منکران رویت قائم» مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام و در آن «توقیع السمری» و سایر موارد را مورد نقد و بررسی قرار دادم و در آن امکان مشاهده‌ی امام (ع) را ثابت نمودم.

فیرجى منك أن تراجع هذا الكتاب وبتدقته فإنّ فيه ضالتك إن شاء الله، وأيضاً أنصح الأخ أن يطلع على كل إصدارات القضية ويتدبّر بها جيداً.. وأن يتضرّع إلى الله تعالى في طلب الهداية إلى ما اختلف فيه من الحق، قال تعالى: ﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾^(۳)، والحمد لله رب العالمين.

ناظم العقيلي - أنصار الإمام المهدي (ع)

امیدوارم به این کتاب مراجعه و در آن دقت نمایی که انشاء الله مقصود و گمشده‌ی خود را در آن خواهی یافت و نیز توصیه می‌کنم که همه‌ی کتاب‌هایی را که در این خصوص منتشر می‌شود به دقت مطالعه و در آنها تدبّر نمایی... و اینکه از خداوند متعال با دعا و گریه بخواهی که تو را راهنمایی کند تا بتوانی حقی را که در آن

^۱ - یونس: ۳۹.

^۲ - یونس: ۳۹.

^۳ - النور: ۴۰.

اختلاف می کنند تشخیص دهی. خداوند متعال می فرماید: (و آن که خدا راهش را به هیچ نوری روشن نکرده باشد، هیچ نوری فرا راه خویش نیابد)^(۱). والحمد لله رب العالمین .

شیخ ناظم عقیلی - انصار الإمام المهدي (ع)

پرسش ۲۸: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام (ع) است

السؤال / ۲۸: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، واللعنة الدائمة على أعداء الدين

السؤال الأول: على يد من من العلماء المراجع درس حضرة السيد، ومن أي بلد هو ؟

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين و لعنت دائمی بر دشمنان دین!

سؤال اول: سید احمد الحسن نزد کدام یک از علمای مرجع درس خوانده است و وی از کدام کشور می باشد؟

السؤال الثاني: هل يعني أنه من صلب الإمام مباشرة، وكيف تم زواج الإمام (أرواحنا له الفدى)، وما اسم أمه، أي - أم السيد - ومن أي مكان هي ؟ أجيوننا رجاء وبالوثائق، ولنا أسئلة أخرى بضوء إجابتكم.

صالح المياحي - العراق - ٤ / ربيع الثاني / ١٤٢٦ هـ . ق

سؤال دوم: آیا او فرزند مستقیم امام زمان (ع) است و امام زمان (ع) که جان هایمان فدای وی باد چطور ازدواج کرده اند؟ اسم مادر سید احمد الحسن چیست و از کدام کشور است؟ لطفاً با سند و مدرک به این سؤال هایمان پاسخ دهید و سؤال های دیگری نیز داریم.

صالح المياحي - العراق - ٤ ربيع الثاني ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه ... اللهم صل على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

ج س ۱: درس السيد أحمد الحسن على يد الإمام المهدي (ع)، ولا دخل له بما درسه أو يدرسه المراجع، فهو عبارة عن ناقل عن الإمام المهدي (ع) ومبلغ وممهد له (ع)، وهو من محافظة البصرة من العراق.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه. اللهم صلى على محمد وآل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته. جواب سؤال ۱: سيد احمد الحسن نزد امام مهدي (ع) درس خوانده است و دروسی که مراجع داده و می دهند با وی هیچ ارتباطی ندارد. او مبلغ و نقل کننده از امام مهدي (ع) و زمينه ساز ظهور او است و از استان بصره در عراق می باشد.

ج س ۲: إن السيد أحمد الحسن من ذرية الإمام المهدي (ع)، وليس من صلبه مباشرة، وقد أثبت زواج الإمام المهدي (ع) وذريته في كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم)، فالولد يطلق تارة ويراد منه الولد الصلبي المباشر، ويطلق تارة أخرى ويراد منه الولد من الذرية.

جواب سؤال ۲: سيد احمد الحسن از نسل و نوادگان امام مهدي (ع) است و فرزند مستقيم ایشان نمی باشد و ازدواج امام مهدي (ع) و نسل ایشان در کتاب «پاسخ کوبنده به منکران ذریه ی قائم» آمده است. ممکن است منظور از فرزند، فرزند مستقيم و یا مراد از آن، نسل و نواده باشد.

فالحسن والحسين وباقي الأئمة (ع) يوصفون بأنهم أبناء رسول الله (ص)، وهم ليسوا أبناءه بالمباشرة بل من ذريته ومن بضعته فاطمة الزهراء (ع)، وكذلك الإمام المهدي (ع) يوصف في بعض الأخبار بـ (ابن فاطمة) وهو ليس ابنها مباشرة بل من ذريتها ...

امام حسن و حسين و ساير ائمه (ع) فرزندان رسول اکرم (ص) خوانده می شوند در حالی که فرزندان مستقيم آن حضرت نیستند بلکه از نسل ایشان و پاره ی تن ایشان، یعنی فاطمه ی زهرا (ع) می باشند. امام مهدي (ع)

نیز در برخی روایات پسر فاطمه (ع) خوانده شده است در حالی که فرزند مستقیم ایشان نیست بلکه از نسل و ذریه‌ی ایشان می‌باشد.

وقال تعالى في سورة يوسف حكاية عن قول يعقوب (ع) لابنه يوسف: ﴿وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^(١)، ومن المعلوم أنّ نبي الله إبراهيم (ع) ليس أباً ليوسف (ع) بالمباشرة، ورغم ذلك وصف بأنه أبوه ... والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي - أنصار الإمام المهدي (ع)

خداوند متعال در سوره‌ی یوسف در حکایتی از زبان یعقوب (ع) به فرزندش یوسف می‌فرماید: (و به این گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و تعبیر خواب‌ها را به تو می‌آموزد و همچنان که نعمت خود را پیش از این بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرده بود، بر تو و خاندان یعقوب هم تمام می‌کند، که پروردگارت دانا و حکیم است)^(٢). واضح است که پیامبر خدا ابراهیم (ع) پدر بدون واسطه‌ی یوسف (ع) نیست و با این حال ابراهیم (ع) پدر یوسف (ع) توصیف شده است.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقيلي - انصار امام مهدي (ع)



^١ - یوسف: ٦.

^٢ - یوسف: ٦.

پرسش ۲۹: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟

السؤال / ۲۹: امرأة متزوجة عمرها ۳۵ سنة، هل يجوز أن تذهب إلى زيارة الإمام الرضا(ع) وبموافقة زوجها بدون محرم؟ جزاكم الله خير الجزاء.

صلاح الفلاحي - ۶ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

آیا جایز است زنی که ازدواج کرده است و ۳۵ سال سن دارد با موافقت همسرش و بدون به همراه داشتن محرم به زیارت امام رضا(ع) برود؟ خداوند پاداش نیکو به شما عنایت فرماید!

صلاح الفلاحي - ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه ... اللهم صلّ على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

يجوز ذهاب المرأة إلى زيارة الإمام الرضا بدون محرم، إذا كان بموافقة زوجها كما هو مذكور في السؤال، وفقكم الله لمعرفة الحق ونصرته ... والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

الجواب مستفاد من السيد أحمد الحسن.

ناظم العقيلي - أنصار الإمام المهدي (ع)

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه. اللهم صلى على محمد وآل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته. رفتن زن به زیارت امام رضا(ع) بدون محرم جایز است اگر همان طور که در سؤال قید شده است، با موافقت شوهرش انجام شود.... والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. برای جواب از سید احمد الحسن کمک گرفته شده است.

شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی(ع)

پرسش ۳۰: نقشه‌ی دینی که آورده‌اید چیست؟

السؤال / ۳۰: بسم الله العزيز الحكيم

إلى السيد أحمد الحسن .. ما هو رأيك بالسيد الولي المقدس محمد الصدر (رض) ؟

بسم الله العزيز الحكيم

به سيد احمد الحسن.... نظرتان درباره‌ی ولی مقدس سيد محمد صادق صدر چیست؟

ما هي أطروحتك الدينية التي جئت بها لتكون حجه على المؤمنين ؟

بحث رسالت دینی که آوردید تا حجتی بر مؤمنان باشید چیست؟

إنّ طريقتك لإثبات حجتك على الكذابين من المراجع لا تحتاج أن تذهب لهم هم يأتوك؛ لأن حسب ما تدعيه أنت رسول الإمام (عج) ؟

نیازی نیست که شما برای اثبات دعوت خود نزد مراجعی که شما را تکذیب می‌کنند بروی؛ چرا که طبق ادعای خودتان، شما فرستاده‌ی امام (ع) می‌باشید.

أرجو الإجابة منك على أسئلتني.

ملاحظة: أنا لست أنكر أي تدخل للإمام؛ لأن الإمام حاضر الآن ومنتظر أن يظهر بظهوره الأكبر.

نمیر - ۷ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

امیدوارم خودتان به سؤال‌هایم پاسخ گوید.

توجه: من منکر وجود هر نوع ارتباطی با امام (ع) نیستم؛ چرا که امام زمان حاضر هستند و منتظر ظهور کبرای وی می‌باشیم.

نمیر - ۷ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه ... اللهم صل على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

رأي السيد أحمد الحسن بالسيد الشهيد محمد محمد صادق الصدر، بأنه أحد المصلحين ويعتبر من الذين مهدوا للإمام المهدي (ع) كثيراً، فرحمة الله عليه وبركاته.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه. اللهم صلى على محمد وآل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته. طبق نظر سيد احمد الحسن، شهيد محمد صادق صدر یکی از اصلاح‌گران و از کسانی می‌باشد که تلاش‌های زیادی جهت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی (ع) انجام داده است؛ رحمت خدا و برکاتش بر او باد!

أطروحة السيد أحمد الحسن وحجته على الناس بأنه مرسل من الإمام المهدي (ع) لشم الأمة من الاختلاف والضياع والتشتت، وجمعهم تحت راية الإمام المهدي، ونبذ ومحاربة تنصيب الناس (الفكر الديمقراطي الغربي) والإقرار بحاكمية الله تعالى، وقد بين ذلك في كتابه (حاكمية الله لا حاكمية الناس)، فيرجى مراجعته والتدبر فيه.

رسالت سيد احمد الحسن حجیت وی به این صورت است که وی از جانب امام مهدی (ع) فرستاده شده تا امت را از اختلاف و پراکندگی که در بین‌شان حاکم است برهاند و آنان را زیر پرچم امام مهدی (ع) گرد آورد و با تفکر دموکراسی حزبی که مردم آن را به پا داشته‌اند به نبرد برخیزد، حاکمیت خداوند را در روی زمین تأیید و تصدیق کند که این موضوع را در کتاب خود «حاکمیت خداوند نه حاکمیت مردم» بیان فرموده است و امید می‌رود به این کتاب مراجعه و در آن تدبّر شود.

الأدلة على صدق السيد أحمد الحسن كثيرة يرجى مراجعتها على الموقع المذكور ونخص بالذكر منها (البلاغ المبين ج ١) و(الرد القاصم) و(الرد الحاسم)، وغيرها من إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع).

دلایل زیادی برای حقانیت سید احمد الحسن وجود دارد؛ امیدوارم در سایت به آنها مراجعه کنید. چند تا از این منابع را به اختصار ذکر می‌کنم: «بلاغ المبین ج ۱»، «پاسخ کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر کتاب‌های انتشارات انصار امام مهدی (ع).

سنت الله تعالی فی أصحاب الدعوات الإلهیة، هی تبلیغ الناس وإقامة الحجة علیهم أمام الله تعالی، فإذا كان الناس أو العلماء معرضین ومهملین لتلك الدعوات، فیجب طرق أبوابهم وإسماعهم الحجة والبیان، وهذه هی سیرة الأنبیاء والمرسلین والأئمة الطاهیرین، فقد ذکر فی وصف رسول الله (ص): (طیب دوازده دور بطبه، قد أحکم مراهمه، وأحمی میاسمه)، وقد بعث (ص) فی بدایة مبعثه رسالاً إلى الملوك، كملك الروم وملك الفرس وغيرهم، یطلب منهم الإیمان برسالته عن الله تعالی، وقد ذكر الله تعالی هذه السنة فی مناسبات كثيرة فی القرآن الکریم، منها قوله تعالی فی وصف دعوة نبی الله نوح (ع)، قال: ﴿ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ❖ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ❖ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ❖ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ❖ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿۱﴾ .

ناظم العقيلي - أنصار الإمام المهدي (ع)

سنت خداوند درباره‌ی صاحبان دعوت الهی به این صورت است که این دعوت بین مردم تبلیغ شود و دلایل این دعوت نیز به آنها گفته شود؛ اگر مردم یا علما مخالف این دعوت‌ها باشند و نسبت به آن بی‌اعتنا، باید صاحبان دعوت درهای آنان را بکوبند و دلایل این دعوت را به آنها گوش‌زد نمایند که این همان روش انبیا و ائمه (ع) است. رسول اکرم (ص) این‌گونه توصیف شده است: «مانند پزشکی دوره‌گرد بود که در میان مردم می‌گشت و بیماران را مداوا می‌کرد و داروهایش نیز اثر بخش‌ترین بود». حضرت (ص) در آغاز بعثتش نمایندگانی را نزد پادشاهان فرستاد، مانند پادشاه روم، پادشاه ایران و سایرین، از آنان خواست که به رسالت وی که از سوی خداوند متعال بود، ایمان آورند و خداوند متعال این سنت و روش را در موارد مختلفی در قرآن کریم ذکر فرموده است. از جمله این سخن خداوند متعال در وصف دعوت نوح (ع): (گفت: ای پروردگار من، قوم خود را شب و روز دعوت کردم * و دعوت من جز به فرارشان نیفزود * و هر بار که دعوتشان کردم تا تو آنها را بیمارزی،

انگشت‌هایشان را در گوش‌های خود کردند و جامه به سر کشیدند و پای فشردند و هر چه بیشتر سرکشی کردند * پس به آواز بلند دعوتشان کردم * باز به آشکار گفتم و در نهان گفتم^(۱).

شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی (ع)

پرسش ۳۱: شناخت شجره‌نامه‌ی کامل

السؤال / ۳۱: السلام عليكم .. أود معرفة الشجرة الكاملة للسيد.

أحمد - ۸ / ربيع الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

سلام علیکم.... مایلیم شجره‌نامه‌ی کامل سید احمد را بدانم.

احمد - ۸ ربيع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه ... اللهم صلّ على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أولاً: إنّ طلب الأخ أحمد معرفة الشجرة الكاملة للسيد أحمد الحسن لا ينفع بشيء لمعرفة صدق السيد أحمد الحسن؛ لأنه مقطوع النسب من الجد الخامس تقريباً.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه. اللهم صلى على محمد وآل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اول: درخواست برادر احمد جهت اطلاع از شجره‌نامه‌ی کامل سید احمد الحسن هیچ نفعی برای شناخت حقانیت سید احمد الحسن ندارد؛ چون وی تقریباً از نسل پنجم مقطوع النسب می‌باشد.

وثانياً: يجب عليك البحث في: هل هو حقاً رسول من الإمام المهدي (ع) أم لا؟ فإذا ثبت أنه مرسل من الإمام (ع) فيثبت بعد ذلك كل ما يقول، ويصبح حجّة على الناس، فقضية إثبات نسب ذرية الإمام المهدي لا يمكن التوصل إليها إلا عن طريق الله تعالى والإمام المهدي (ع) نفسه، لعدم اطلاع الناس على ذلك وخفائه عنهم. وإن شئت الاطلاع أكثر عن ذرية الإمام (ع) فأنصحك بمراجعة كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم) أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع).

وفقك الله لمعرفة الحق ونصرتة والثبات عليه ... والسلام عليكم ... والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي - أنصار الإمام المهدي (ع)

دوم: باید شما روی این موارد تحقیق نمایید: آیا وی واقعاً فرستاده‌ای از سوی امام مهدی (ع) است یا نه؟ اگر ثابت شد، همه‌ی آن چیزهایی که می‌گوید، ثابت و بر مردم حجّت می‌گردد. مسأله‌ی اثبات نسب و نسل امام مهدی (ع) جز از طریق خداوند و خود امام مهدی (ع) امکان پذیر نیست؛ چرا که مردم از این موضوع اطلاع ندارند و از آنها مخفی می‌باشد. اگر مایل به کسب اطلاعات بیشتر در خصوص نسل امام (ع) هستید مراجعه به کتاب «پاسخ قاطع به منکران ذریه‌ی قائم» از انتشارات امام مهدی (ع) را به شما پیشنهاد می‌کنم. خداوند شما را برای شناخت حق و پیروی از آن و ثابت بودن بر آن توفیق عطا فرماید... والسلام علیکم.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقيلي - أنصار امام مهدی (ع)



پرسش ۳۲: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می‌نمایید

السؤال / ۳۲: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته ... أنا أحد أخوتكم من الشيعة الإمامية، ولست من النوع المتعصب لأي فكرة تطرح في الساحة الاجتماعية، وعندني بعض الأسئلة

استفساراً و تأکیداً لما سمعت، وإن شاء الله يكون الذي سمعته خيراً... أرجو سعة الصدر معي ومع أسئلتی، واعتقد أن من حق الشخص أن يسأل ويبحث، وخاصة عن أمور تخص دينه ومعتقده والله سبحانه أمر بذلك... شكراً.

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته... من یکی از برادران شما و شیعه‌ی امامی هستم و از نوع متعصب آن نسبت به هر موضوعی که در اجتماع مطرح می‌شود، نمی‌باشم. در خصوص چیزهایی که شنیده‌ام، مسایلی دارم که مطرح می‌نمایم و ان شاء الله آنچه شنیده‌ام خیر باشد... امیدوارم با سینه‌ای باز به سؤال‌هایم پاسخ دهید. به اعتقاد من این حق یک فرد است که بپرسد و جست‌وجو کند به ویژه اگر مربوط به دین و اعتقادات فرد باشد که خداوند سبحان نیز به آن امر فرموده است... باتشکر.

أولاً: أريد معرفة أصل الموضوع الذي أتيتم للدعوة عنه، وما قصة السيد أحمد الحسن؟ وحسب قولكم إنّه وصي الإمام (ع) ورسوله، وما هي الأدلة على هذه الوصاية، وهل له معجزات، حيث أنّ المعجزة تكون حاكمة في هذه الأمور، وخاصة في هذا الزمان الذي كثر فيه المتقولين والمدعين (لا جعلكم الله منهم).

وإن كان وما تقولون فما هي الأسس التي تتقوم عليها دعوتكم هذه؟

أول: می‌خواهم بدانم اصل موضوعی که شما برای دعوت به آن آمدید، چیست؟ داستان سید احمد الحسن که طبق گفته‌ی شما وصی و فرستاده‌ی امام زمان (ع) است، چیست؟ دلایل شما برای این وصایت و جانشینی چیست؟ آیا او معجزاتی دارد؟ چرا که معجزه در این گونه مسایل حکم کننده است، به ویژه اینکه در این زمان مدعیان زیادی وجود دارند (خداوند شما را از این گونه مدعیان قرار ندهد).

اگر شما آن گونه هستید که می‌گویید پایه‌هایی که دعوت شما بر آن استوار است چیست؟

أرجو أن لا تأخذوا بعض الأسئلة على محمل التعصب فأسئلتی استفساراً وليست استنكارية... وما دمت لا أعلم شيئاً عنكم إيجابياً أو سلبياً فأنا في موقف محايد، حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين... وأشركم جزيل الشكر والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المستفسر.. أبو صالح

امیدوارم برخی از سؤال‌های مرا به حساب تعصب نگذارید؛ سؤال‌های من استفهامی هستند نه به جهت انکار... تا زمانی که دلیل مثبت یا منفی از سوی شما نیابم، موضع بی‌طرفی اتخاذ می‌کنم تا خداوند حکم کند که او بهترین حکم‌کننده‌ها است... از شما بسیار سپاس‌گزارم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سؤال کننده... ابو صالح

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله على بلاءه وعظيم نعماءه... اللهم صل على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

في البداية أود أن أشكر الأخ أبو صالح على حسن مراسلته وبحثه عن الحق، وأسأل الله تعالى أن يوفقك لمعرفة الحق ونصرتة والثبات عليه.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه. اللهم صلى على محمد وآل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته. در آغاز مایلیم از برادر ابوصالح علی حسن به خاطر ارسال این نامه و جست‌وجوی وی درباره‌ی حقیقت تشکر کنیم و از خداوند می‌خواهیم که شما برای شناخت حقیقت و یاری آن و ثابن بودن بر آن موفق بدارد.

أصل موضوع دعوة السيد أحمد الحسن أنه مرسل من قبل الإمام المهدي (ع) لتوحيد الأمة، بعد هذا التشتت والتفرق والضياع، والسير بهم نحو نصره الإمام المهدي (ع).

اصل موضوع دعوت سيد احمد الحسن اين است كه وي از جانب امام مهدي (ع) فرستاده شده است تا اين امت را از پراكندگي و تفرقه به اتحاد برساند و به سوي ياري امام مهدي (ع) سوق دهد.

وأما قصة السيد أحمد الحسن فهي طويلة موجودة على الموقع المعلوم بعنوان: (قصة لقائي مع الإمام المهدي (ع)) والكلام طويل جداً في الإجابة على كل أسئلتك، فيرجى مراجعة إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع) على الموقع المذكور وأخص بالذكر منها (البلاغ المبين ج١، وكتاب الرد الحاسم، وكتاب الرد القاصم) وغيرها، فإن فيها الكفاية.

و اما داستان سید احمد بسیار طولانی است و در سایت با عنوان «داستان ملاقات من با امام مهدی (ع) موجود می‌باشد و پاسخ به این سؤال شما بسیار طولانی می‌باشد. خواهش می‌کنم به انتشارات امام مهدی (ع) در سایت مذکور مراجعه نمایید؛ از جمله «بلاغ المبین جلد ۱»، «پاسخ کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر موارد که کفایت می‌کنند.

وأما أسس قضية السيد أحمد الحسن، فمن أهمها هي تطبيق (حاكمية الله سبحانه وتعالى) ونبذ ورفض حاكمية الناس (الفكر الديمقراطي الغربي)، وقد بحث السيد أحمد الحسن هذا الموضوع في كتابه (حاكمية الله لا حاكمية الناس) يمكنك الاطلاع عليه من خلال الموقع المذكور، ونسأل الله السداد والهداية لكل خير ... والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته... والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي - أنصار الإمام المهدي (ع)

از مهم‌ترین ارکان دعوت سید احمد الحسن، اجرا و تطبیق حاکمیت خداوند سبحان و متعال و رد حاکمیت مردم (تفکر دموکراسی عربی) می‌باشد. سید احمد درباره‌ی این موضوع در کتاب خود به نام «حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم» به بحث و بررسی پرداخته است. می‌توانید از طریق این سایت به آن دسترسی داشته باشید. از خداوند توفیق راهنمایی و هدایت بر هر خیری را برایتان مسئلت می‌نمایم.... والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقيلي - انصار امام مهدی (ع)



پرسش ۳۳: چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟!

السؤال / ۳۳: بسم الله الرحمن الرحيم، كيف يمكن تصديق ادعائكم هذا، والذي رفضه العلماء كافة جملة وتفصيلاً ويقولون لا يوجد سفير بعد موت السفير الرابع، فما هو قولكم؟

عبد الله الساعدي - ۲۴ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

بسم الله الرحمن الرحيم

چطور می توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! چیزی که همه ی علما به طور کلی و جزئی آن را رد کرده اند و می گویند هیچ سفیری بعد از وفات سفیر چهارم وجود ندارد! در این خصوص چه می گویند؟

عبد الله ساعدی - ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ . ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

لم يرفض العلماء كافة، بل يوجد علماء بايعوا واتبعوا الحق، منهم السيد حسن الحمامي ابن الفقيه والمرجع الديني السيد محمد علي الحمامي (رحمه الله)، ويوجد منهم من هو متحير كما صرّح بذلك.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

همه ی علما چنین چیزی را رد نکرده اند بلکه علمایی هستند که بیعت و از حقیقت پیروی نمودند؛ از جمله ی این علما سید حسن حمّامی فرزند فقیه و مرجع دینی سید محمّد علی حمّامی (رحمه الله) می باشد. بعضی از علما نیز مردّد هستند.

ولو رفض جميع العلماء الحق لم يكن رفضهم دليلاً على بطلان الحق، فهل يدل رفض علماء اليهود والنصارى والأحناف لدعوة الرسول محمد (ص) في بدايتها على بطلان الدعوة المحمدية الإسلامية الحقّة!!؟

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

حتی اگر همه ی علما حق را نپذیرند، نپذیرفتن شان دلیل بر باطل بودن حق نیست؛ آیا نپذیرفتن دعوت حضرت محمّد (ص) از جانب علمای یهود، مسیحی و.... در آغاز دعوت ایشان دلیل بر باطل بودن دعوت اسلامی محمّدی بود؟!؟

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ ق



پرسش ۳۴: ادعای قیسی و نامه‌ی تکذیبیه‌ی نامه‌ی وصایت

السؤال / ۳۴: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين والسلام على من اتبع الهدى وعرف اليقين، أما بعد ..

إعلم أيها المدعي بالرسالة والوصاية، أنّ للأمر وجهان: معلوم ومجهول وهذا ينطبق على كل شيء في هذه الدنيا الفانية، وأما قولك بالوصاية والرسالة فهو جد مكذوب، وينافي لما استرسل سابقاً على لسان المعصومين، وقولك أنك تقابل الإمام، فالأولى منه (ع) يظهر بنفسه لا من خلال وساطة أحمد الحسن، الذي من كتابه همه الدرهم وتصريف شؤون الحوزة.

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، والسلام من اتبع الهدى وعرف اليقين، اما بعد....
ای مدعی رسالت و وصایت! بدان، هر امری دو وجه دارد: وجه معلوم و وجه مجهول؛ که این قاعده همه‌ی امور این دنیای فانی را شامل می‌شود. ولی سخن تو درباره‌ی جانشینی و سفارت، دروغ محض است و با روایاتی که از زبان معصومین (ع) وارد شده، منافات دارد. اما درباره‌ی این سخن تو که نماینده‌ی امام هستی: برای آن حضرت (ع) شایسته‌تر است خودش ظهور کند نه به واسطه‌ی احمد الحسن که قصدش از نوشتن کتاب‌هایش جمع‌آوری درهم و دینار و تخریب شئون حوزة می‌باشد!

وإعلم أيها المدعي الواهم، أنّ أفضل ما تدعي به هو الإصلاح، لكن باسمك أنت لا باسم الإمام، فهو أقرب للتقوى والتصديق، ومن هنا فقد زدت الطين بلة، بل أضحكت الناس عليك فأنت جعلت نفسك خامس السفراء.

ای مدعی متوهم! برتر از آنچه ادعا می‌کنی، اصلاح نمودن است، اما به نام خودت و نه به نام امامت، که این به تقوی و راست‌گویی نزدیک‌تر است ولی تو حتی گل را از خشت تشخیص نمی‌دهی! حتی وضعیت را بدتر کردی و خودت را پنجمین سفیر قرار دادی و باعث شدی مورد تمسخر دیگران قرار گیری.

إنّ للإمام مقام حق أشرف من أن يمثله شخص مثلك لا يعرف التميز بين الباطل والحق، وليست الرسالة هي مهاترات بين طلبة الحوزة المذنبين لا يفقهون من الحق شيء، سوى المتعة والخمس والنفاس، أو سرد الآيات القرآنية، أو حفظ بعض الروايات المنسوبة للائمة (ع) إن كنت صادقاً في دعواك، وهذا محال، فأنا أدعوك لمساجلة عبر الانترنت توضّح بها فكركم القاصر عن سر معرفة

الإمام (عج)، ولما غاب واستتر عن الناس لتكون بالنتيجة أنت رسوله المنتجب، والوصي المؤيد كمحمد بن عبد الله (ص) بجبرائيل وميكائيل لتخيف الناس السذج بهذه الأسماء.

جایگاه امام (ع) والاتر و برتر از آن است که کسی مثل تو که نمی‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد نماینده‌ی وی باشد. سفارت جز بحث بین طلبه‌های حوزه نیست؛ کسانی که از فهم و ادراک حق بهره‌ای ندارند مگر احکام مُتعه و خمس و نفاس و به هم بافتن آیات قرآن و حفظ کردن برخی روایات منسوب به ائمه (ع). اگر در ادعایت صادق هستی که هرگز چنین نیست، من تو را به مناقشه از طریق اینترنت دعوت می‌کنم تا کوتاهی فکر تو آشکار شود؛ کوتاهی از شناخت و معرفت امام (ع) و اینکه چرا ایشان غایب و از نظر مردم پنهان شدند تا چون تویی فرستاده‌ی انتخاب شده‌ی او و همچنین وصی مؤید به جبرئیل و میکائیل همانند محمد ابن عبد الله (ص) باشی تا مردم ساده‌دل را با این اسم‌ها بترسانی.

أنا أتحدّك أن تعرف كنه جبرائيل وما كان يمثل للرسول الأعظم الذي لسخرية القدر أصبح يؤيدك ويفرد جناحيه فوق كتفيك ! الحمد لله الذي هدى العمي البصيرة وشاء فقدر، والحمد لله حمداً كثيراً على نعمه كلها.

تو را به مناظره می‌طلبم تا حقیقت جبرئیل و تمثیل رسول اعظم را بدانی؛ فرشته و فرستاده‌ای که امروز به خاطر مقام مسخره‌اش تو را تأیید می‌کند و بال‌هایش را روی کتف‌های تو می‌گذارد! سپاس خداوندی را که نابینا را با بصیرت هدایت کرد و اراده فرمود و تقدیر کرد و حمد و سپاس بسیار خداوند را برای همه‌ی نعمت‌هایش!

أما المساكين الذين يتبعوك فقد أعمى الشيطان بصيرتهم، فأدعو الله لهم الهداية فلو كان لهم ذرة من العقل ما تبعوك على ذبح نهج الإمام على مذبح كاذب مارق استغل اسم الإمام.

اما بدبخت‌هایی که از تو پیروی می‌کنند، به واقع، شیطان بصیرت را از آنها گرفته و آنها را کور کرده است. پس از خداوند برای ایشان طلب هدایت می‌کنم. اگر ذره‌ای عقل در وجودشان بود از تو پیروی نمی‌کردند تا طریقت امام را با پیروی از قصابِ دزدِ دروغ‌گویی که به اسم امام عمل می‌کند، سلاخی کنند!

إعلم يا هذا أنك لست الأول ولا الأخير، فليس كل من أثقل على نفسه بعشاء ونام فشاهد رؤيته في منامه يجب أن يتبع، أنصحك بترك العشاء ليلاً لتنام خفيف البطن مرتاح، ولتترك عنك هذا الهراء وتستغفر الله على ما أفسدت من عقول.

بدان ای فلانی، تو اولین کسی نیستی که ادعا می‌کنی و آخرین هم نخواهی بود. این طور نیست که هر کس شام زیادی بخورد و بخوابد و در خوابش یک رؤیا ببیند، باید از او پیروی نمود. نصیحت می‌کنم شب‌ها دیگر شام نخوری تا با شکم خالی و راحت بخوابی، و دیگر این چرندیات را نبافی و از خداوند به خاطر عقل‌هایی که فاسد کردی طلب مغفرت نمایی.

اللهم إني بالغت في النصيحة ودعوتهم إلى سبيل الرشاد، اللهم فشهد.

العبد الفقير لله علي القيسي

رسول الإنسانية المعذبة - ووصي المساكين - ۲۴ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

خداوند! من بسیار نصیحت کردم و آنان را به راه صواب دعوت کردم. خدایا، خودت گواه باش!

بنده‌ی فقیر خداوند علی القیسی

فرستاده‌ی انسانیت معذب - وصی بیچارگان - ۲۴ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم، السلام على من اتبع الهدى

أما بعد ..

فأني والله آسف لما كتبه صباح هذا اليوم بحقكم، أنكم لا تستحقون كل ما كتبه. عموماً أسأل الله المغفرة لأنني اجاوزت على مريض نفسي- مجنون، أسأل الله أن يعافيك ويشافيك من مرضك، ويلهم أهلك طريق مستشفى المجانين لكي ترتاح من مرضك هذا، وقد تجد من يستمع إليك هناك ويصدقك، أرجو من الله شفاء كل مريض.

الداعي بالعافية/ علي القيسي/ المواطن الصالح

بسم الله الرحمن الرحيم، السلام على من اتبع الهدى... اما بعد....

من به خدا سوگند به خاطر چیزهایی که صبح امروز در حق شما نوشتم، متأسفم. به طور کلی از خداوند طلب مغفرت می‌کنم؛ چرا که من از حدّ یک مریض روانی و دیوانه پا را فراتر گذاشتم! از خداوند می‌خواهم که به شما

عافيت دهد و شما را شفا بخشد و راه تیمارستان را به خانواده‌ات نشان دهد تا تو از این بیماریت رها شوی. گاهی کسانی را می‌یابی که به حرف‌هایت گوش و تو را باور می‌کنند؛ از خداوند برای همه‌ی مریض‌ها طلب شفا می‌کنم!!

دعا کننده برای عافیت.... علی قیسی.... هموطن نیکوکار

هذا خارج الموضوع ولكن هدية مني:

إنّ قضية موسى والبحر لم تكن كما تتصور، بل عبارة عن مدّ وجزر وهذا أمر طبيعي يحدث، ولذلك تبع فرعون موسى، ولو كان كما تتصور لما دخل البحر إلاّ مجنون مثلك مع جيشه.

اقرأ بين السطور يا مدعي النبوة والوصاية alaaalkaese@yahoo.com

بغداد - علي القيسي

این خارج از موضوع است ولی هدیه‌ای از طرف من می‌باشد:
موضوع موسی و دریا آن گونه که تو تصوّر می‌کنی نیست؛ بلکه عبارت از یک جزر و مدّ می‌باشد و این یک رخداد طبیعی است که اتفاق می‌افتد و از همین رو بود که فرعون، موسی را تعقیب نمود! ولی اگر آن طور بود که تو تصوّر می‌کنی هرگز به آن دریا وارد نمی‌شد؛ مگر دیوانه‌ای مثل تو و سپاهیانش!

علی قیسی - بغداد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

انتظر الجواب من السيد أحمد الحسن اليماني الموعود، واستمع إلى خطابه على الرابط التالي.

http://home.ripway.com/٢٠٠٥-٣/٢٦٨٣٤٤/kh_s/kh_s١.htm

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

منتظر جواب سيد احمد الحسن اليماني موعود. باش. به خطبه‌ی وی در آدرس زیر گوش بده:

http://home.ripway.com/٢٠٠٥-٣/٢٦٨٣٤٤/kh_s/kh_s١.htm

ونحن نشكرك على كلامك هذا؛ لأنك أثبتت أحد الأدلة التي تثبت صدق دعوة السيد أحمد الحسن، وكذلك من اتبعه؛ لأنها أحد الأدلة التي نحتج بها على المكذبين، وهو:

إتهام السيد أحمد الحسن بأنه مجنون ومريض، فإنها تهمة لا تكاد تفارق نبياً من الأنبياء ولا وصياً من الأوصياء، هل استقبل أهل مكة رسول الله محمداً (ص) بالورود، أم صاحوا عليه؟

ما به خاطر این سخنان از تو تشکر می‌کنیم؛ چرا که تو یکی از دلایلی که حقانیت دعوت سید احمد الحسن و کسانی که پیروی‌اش می‌کنند را ثابت می‌کند را اثبات نمودی؛ این دلیل، یکی از دلایلی است که ما علیه تکذیب‌کنندگان استفاده می‌کنیم و آن:

متهم نمودن سید احمد الحسن به دیوانگی و بیماری است؛ تهمتی که تقریباً هیچ نبی‌ای از انبیا و هیچ وصی‌ای از اوصیا از آن برکنار نبوده است. آیا اهل مکه هنگام ورود حضرت محمد (ص) به مکه از وی استقبال کردند یا بر او بانگ فریاد برآوردند؟

وأقولها لك بالعامية (.... مخبل) أي مجنون، ورموه بالحجارة، وكسروا ضلع الزهراء، وقد ذكر القرآن عشرات الآيات التي تصف تهماً ضد الأنبياء (مجنون، ساحر، ...) وأنصارهم بأنهم أراذل وحاشاهم^(۱).

و با کلمات عامیانه او را «... مخبل» یعنی مجنون و دیوانه خواندند، و به طرف وی سنگ پرتاب کردند و دنده‌های حضرت زهرا (ع) را شکستند. قرآن ده‌ها آیه ذکر کرده که مردم انبیا را با کلماتی مانند دیوانه، ساحر و نظایر آن و یارانشان را نیز ارازل و فرومایه توصیف نمودند؛ که هرگز چنین نبوده‌اند^(۲)!

وهل سمعت أنها أطلقت على أبي لهب أو فرعون أو معاوية أو صدام المجرم، فإنهم كانوا المبجلون (لعنة الله عليهم وعلى من لم يلعنهم).

آیا هیچ شنیده‌اید که به ابولهب، فرعون، معاویه یا صدام مجرم، لقب دیوانه بدهند؟ آنها همگی مورد احترام و تکریم بودند! لعنت خدا بر همه‌ی آنها باد!

^۱ - لمعرفة طبيعة الاعتراضات التي تعرض لها حجج الله سبحانه راجع كتاب المعارضون على خلفاء الله أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع).

^۲ - برای شناخت کیفیت اعتراض‌های معترضین به حجّت‌های خداوند سبحان به کتاب «اعتراض‌کنندگان به جانشینان خداوند» از انتشارات انصار مهدی (ع) مراجعه نمایید.

فذاك الزمان أهون فإننا في أشدّ زمان، إنّ النصر لآت، اللعنة على الأعور الدجال الذي يخرج من سيستان كما أخبر أهل البيت (ع) في عدّة من المصادر العظيمة^(١)، اللعنة على الدجال الأكبر، اللعنة على السفيناني.

در مقایسه با آن زمان، ما در بدترین زمان به سر می بریم. پیروزی حتماً اتفاق خواهد افتاد. لعنت خدا به دجال یک چشم که از سیستان بلند خروج می کند^(٢)؛ طبق روایات اهل بیت (ع) که در تعدادی از منابع بزرگ حدیث بیان نموده اند. لعنت خدا بر دجال بزرگ، لعنت بر سفینانی.

هذا جوابنا نحن الأنصار؛ أنصار الله والأنبياء والمرسلين والحسين والمهدي (ع)، وبعد كل هذا إنتظر جواب السيد أحمد الحسن، ولو إننا كنا نريدك أن تقسم قسم براءة وهو أن تقول: (أبرأ من حول الله وقوته إلى حولي وقوتي، إن كان السيد أحمد الحسن رسول ووصي الإمام المهدي) ولكننا ننصحك أن لا تتلفظ به إلا بعد جواب السيد أحمد الحسن، عسى أن تهتدي على يديه.

أخي مجنون وفي الموقع مئات التفاسير!؟

السلام على اليماني، السلام على اليماني.

تابع جديد الموقع وكافة فقرات موقعنا.

أنصار الإمام المهدي - ربيع الثاني / ١٤٢٦ هـ . ق

این بود جواب ما انصار؛ انصار خدا، انبیا، فرستادگان، امام حسین (ع) و مهدی (ع). بعد از این، منتظر پاسخ سید احمد الحسن باش. هر چند ما می خواستیم که تو قسم برائت یاد کنی و بگویی: (از حول و قوهی الهی خودم را خارج می کنم و به حول و قوهی خودم پناه می برم اگر که سید احمد الحسن فرستاده و وصی امام مهدی باشد)؛ ولی تو را نصیحت می کنیم که این کلمات را ادا نکنی مگر بعد از پاسخ سید احمد الحسن؛ شاید که به دست او هدایت شوی!

برادر دیوانه‌ی من و در عین حال با صدها تفسیر!؟

سلام بر یمانی، سلام بر یمانی.

^١ - سیستان: هي محافظة من محافظات إيران الشرقية. قال الشيخ عباس القمي في الكنى والألقاب: سجستان معرب سيستان ناحية كبيرة واسعة واقعة على جنوب هراة أرضها كلها سبخة رملة ينسب إليها رستم الشديد. الكنى والألقاب: ج ١ ص ٤٥.

^٢ - سيستان: استانی از استان‌های شرقی ایران است. شیخ عباس قمی در الكنى و الاقاب می گوید: سجستان معرب سيستان، ناحیهی بزرگ وسیعی واقع در جنوب هرات است که زمینش رمله‌زار (شن‌زار) و رستم نیرومند منسوب به آنجا می‌باشد. الكنى و الالقاب: ج ١ ص ٤٥.

انصار امام مهدی - ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

قال تعالى: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾^(۱)، وفي هذه الآية: (فَانْفَلَقَ، كُلُّ فِرْقٍ، كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ) كلها تأتي المد والجزر الذي تأوله بعض من يجهل الحقيقة، فبالجزر ينحسر الماء باتجاه واحد، لا ينفلق ويكون فرقين من الماء وكل واحد منهما مرتفع عن الأرض كالجبل العظيم.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

خداوند متعال می‌فرماید: (پس به موسی وحی کردیم که: عصایت را بر دریا بزن. دریا بشکافت و هر پاره، چون کوهی عظیم گشت)^(۲). در این آیه: «فَانْفَلَقَ، كُلُّ فِرْقٍ... كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ»: فانفلق (شکافت)، کل فرق (هر پاره) کالطود العظیم (مانند کوهی بزرگ). بعضی از جاهلان به حقیقت، تمام اینها را به جزر و مد تأویل می‌کنند. در جزر، آب فقط به یک طرف حرکت می‌کند و نمی‌شکافت تا دو پاره شود و هر قسمت ارتفاعی به اندازه‌ی کوهی عظیم از زمین پیدا کند!

وأقول: لمن يجهل الحقيقة، إنَّ هذه الآية حصلت ليوشع بن نون (ع) وصي موسى (ع) وجيشه، فانشق النهر وعبروا على القاع، وكذلك حصلت مع إيليا (ع) (إلياس) ووصيه اليشع (ع) كما هو مذكور في التوراة وانشق له النهر، فهل انتقلت ظاهرة المد والجزر إلى الأنهار؟!.

به کسانی که از حقیقت بی‌خبرند می‌گوییم که این آیه و نشانه درباره‌ی یوشع بن نون (ع) وصی موسی (ع) و سپاهیان‌ش نیز اتفاق افتاده است؛ رود می‌شکافت و آنها به ساحل می‌رسند. چنین حادثه‌ای برای ایلیا (ع) (الیاس) و وصی وی ییشع (ع) نیز اتفاق افتاده و داستان‌ش در تورات آمده است که رودخانه برای وی می‌شکافت. آیا پدیده‌ی جزر و مد به رودخانه‌ها انتقال یافته است!!

^۱ - الشعراء: ۶۳.

^۲ - شعرا: ۶۳.

أما بقية كلام القيسي ... فجوابه في كتاب الله: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ ❖ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ❖ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ❖ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ❖ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ❖ بِأَيْكُمْ الْمُفْتُونَ ﴿١﴾.

اما در مورد ساير سخنان قيسي.... پاسخشان در كتاب خدا وجود دارد: (نون). سوگند به قلم و آنچه می نویسد * که تو، به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی * و تو را پاداشی پایان ناپذیر است * و تو بر خلقی عظیم هستی * زودا که تو بینی و آنها نیز بینند * که دیوانگی در کدام یک از شما است) (۲).

وجوابه في قوله تعالى: ﴿اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾ ❖ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ❖ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ ❖ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ❖ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ ﴿٣﴾.

و پاسخ وی از کتاب خداوند: (روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی گردانند * از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه‌ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند * دل‌های‌شان به لَهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شما می‌باشد؟ آیا با آنکه به چشم خود می‌بینید، همچنان از پی جادو می‌روید؟ * گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و دانا است * گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که به هم می‌بافد یا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد) (۴).

وجوابه في قوله تعالى: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (٥)، ﴿... يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ ❖ وَدَاعِيًا إِلَىٰ

١ - القلم: ١-٦.

٢ - قلم: ١ تا ٦.

٣ - الأنبياء: ١-٥.

٤ - انبيا: ١ تا ٥.

٥ - الأحزاب: ٤٠.

اللَّهُ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً ❖ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلاً كَبِيراً ❖ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ
وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً^(۱).

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

و پاسخ او در این سخن خداوند متعال: (محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است، و خداوند به هر چیزی دانا است)^(۲)، «... (ای پیامبر، ما تو را فرستادیم تا شاهد و مژده‌دهنده و بیم‌دهنده باشی * و مردم را به فرمان خدا به سوی او بخوانی و چراغی تابناک باشی * و مؤمنان را بشارت ده که از سوی خدا برایشان فضیلتی بزرگ آمده است * از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن، که کارسازی را خدا بسنده است)^(۳)».

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق



پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدی درباره‌ی دو اسم مخفی در سوره‌ی فاتحه

السؤال / ۳۵: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّيِّدِ أَحْمَدِ الْحَسَنِيِّ ... السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
أنا مؤلف لبحث عن الإمام المهدي (ع) بعنوان: (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي(ع)) و
يمكن الاطلاع عليه في الموقع التالي:

<http://www.geocities.com/almahdion۲۰۲۲>

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين. سيد احمد
الحسنى ... السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

^۱ - الأحزاب: ۴۵ - ۴۸.

^۲ - احزاب: ۴۰.

^۳ - احزاب: ۴۵ تا ۴۸.

من مؤلف تحقيقي درباره‌ی امام زمان (ع) هستم با عنوان «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی (ع). می‌توانید این کتاب را در سایت زیر ببینید....»

<http://www.geocities.com/almahdion2022>

ولقد أطلعني أحد الأخوة على ما تدعون إليه، وأعطاني عنوان موقعكم ليتسنى لي الاطلاع الموسع على آرائكم ودعواكم، وأنا في الحقيقة - واعدزني على كلامي هذا - لم أجد في دعواكم إلا كلام لا يبغي ولا يسمن، وهو كلام قاله وادعاه الكثير من الناس على مرّ الزمان، ولم يثبت عندي إنَّ الإمام الحجة (عجل الله سبحانه وتعالى فرجه الشريف) سيرسل رسول للناس، ولكني عرفت بعض الأمور التي لم أذكرها في الكتاب، ولهذا فإذا كنتم ما تقولون حقاً فوجب عليكم الإحاطة بها؛ لأنكم تدعون إنكم أعلم الناس الآن بكتاب الله سبحانه وتعالى، وسؤالي هو: هناك اسمان مضمران في سورة الفاتحة ويستخرجان منها، وهما يكتبان بغير ما هو معروف عنهما، وأحدهما يكتب من اليمين لليسار، والآخر من اليسار لليمين، فما هما هذان الاسمان، وكيفيته إظهارهما؟ وأنا إذا استلمت منكم جواباً على تساؤلي هذا فأنا إن شاء الله من المبايعين لكم، أمّا إذا لم أستلم ما يفيد الإجابة ففي هذا إشارة منكم لبطلان دعواكم.

و الحمد لله رب العالمين الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

ماجد المهدي - ٢٤/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

یکی از برادران، ادعای شما را به من اطلاع داد و آدرس سایت شما را به من داد تا بتوانم بیشتر از نظریات و ایده‌های شما آگاهی یابم. از این سخنم معذرت می‌خواهم ولی من چنین می‌پندارم که سخن شما به هیچ دردی نمی‌خورد و این ادعایی است که بسیاری از مردم در طول تاریخ بارها آن را ادعا کرده‌اند و برای من ثابت نشده است که امام زمان (ع) فرستاده‌ای از جانب خود برای مردم خواهد فرستاد. من چیزهایی فهمیده‌ام که آنها را در کتابم ذکر نکرده‌ام. اگر آنچه را که می‌گویید واقعیت داشته باشد باید به آن احاطه‌ی کامل داشته باشید؛ چرا که شما ادعا می‌کنید عالم‌ترین مردم به کتاب خداوند سبحان و متعال می‌باشید. سؤال من این است.... دو اسم که در سوره‌ی فاتحه پنهان‌اند و از آن قابل استخراج می‌باشند و آن دو اسم به شکلی نامألوف نوشته شده، یکی از آنها از راست به چپ و دیگری از چپ به راست نوشته شده است؛ این دو اسم کدام‌اند و

چطور آنها استخراج می‌شوند؟ اگر من جوابی از شما دریافت کنم انشاء الله با شما بیعت خواهیم کرد اما اگر پاسخی قانع‌کننده از شما دریافت نکردم، دلیلی بر باطل بودن ادعای شما خواهد بود. و الحمد لله رب العالمین الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله و صلى الله على سيدنا محمد و على آله الطيبين الطاهرين.

ماجد المهدی - ۲۴ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ❖ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ﴾^(۱).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين (در اینجا برای کسانی که از عذاب آخرت بیمناک اند عبرتی است. در آن روز که مردم گرد آورده شوند و آن روز که مردم را در آن حاضر آورند * و جز تا اندک مدتی به تأخیرش نمی‌اندازیم)^(۲).

۱- لو أنك اطلعت اطلاعاً بسيطاً وليس موسعاً على كتاب المتشابهات، والفتاح، والإضاءات، والعجل، وغيرها من الكتب الموجودة في الموقع التي بحسب رأيك كلام لا يغني ولا يسمن، لوجدتني بينت أنّ كل أسماء الله سبحانه وتعالى موجودة في سورة الفاتحة، واسم النبي (ص) وعلي (ع) وفاطمة والأئمة (ع) والمهديين كذلك.

۱ - اگر تو اندک اطلاعی (و نه اطلاعاتی وسیع) از کتاب‌های «متشابهات، تفسیر سوره‌ی فاتحه و روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان و فتنه‌ی گوساله» که در سایت وجود دارد، داشتی که به نظر تو به هیچ دردی نمی‌خورد، می‌فهمیدی که در آنجا بیان نمودم که تمامی اسامی خداوند سبحان و متعال و همچنین اسم پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) و فاطمه (ع) و ائمه (ع) و مهدیین (ع) در سوره‌ی فاتحه وجود دارد.

^۱ - هود: ۱۰۳ - ۱۰۴.

^۲ - هود: ۱۰۳ و ۱۰۴.

٢- إذا كان كلامي لا يغني ولا يضمن فلا داعي للاعتذار إلا اللغو، وإذا كان العكس فلا عذر إلا الاستغفار وطلب التوبة من الواحد القهار.

٢- اگر کلام من به هیچ دردی نمی خورد، جایی برای عذرخواهی وجود ندارد؛ ولی اگر بر عکس باشد، هیچ عذرخواهی جایز نخواهد بود مگر استغفار و طلب توبه از خداوند واحد قهار.

٣- ولم يثبت عندك أنّ الإمام المهدي (ع) سيرسل رسولاً للناس، فمحمد ذو النفس الزكية أليس رسولاً؟ والمولى الذي يلي أمره أليس رسولاً؟ واليماني أليس رسولاً؟ وطالع المشرق أليس رسولاً؟ (اقرأ الأحاديث التي وردت عن آل محمد (ص) والتي استشهد بها الشيخ ناظم العقيلي (حفظه الله) في كتابه الرد القاصم، وهو عبارة عن مناظرة مع السيد السيستاني ومكتبه ومركز البحوث العقائدية التابع له)، لعل الله ينور قلبك ويهديك إلى الحق، وهذه جوهرة من بحر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع) ذكرني فيها.

٣- اگر برایت ثابت نشده است که امام مهدی (ع) فرستاده ای را برای مردم خواهد فرستاد، آیا محمد دارای نفس زکیه، فرستاده نیست؟! آیا یمانی فرستاده نیست؟ آیا خروج کننده از مشرق، فرستاده نیست؟ روایت هایی که از آل محمد (ع) وارد شده است را بخوان و روایت هایی را که شیخ ناظم عقیلی (که خداوند حفظش کند) در کتاب خود «پاسخ کوبنده» به آنها استدلال کرده را نیز بخوان؛ این کتاب عبارت است از مناظره ای بین شیخ ناظم عقیلی و سید علی سیستانی و دفتر و مرکز تحقیقات عقایدی وابسته به او. شاید خداوند قلبت را نورانی و به حق هدایت کند. این هم گوهری از دریای امیر مؤمنان علی (ع) که در آن مرا ذکر فرموده است:

ورد عن الأصبغ بن نباتة، قال: (أتيت أمير المؤمنين (ع) فوجدته ينكت في الأرض، فقلت له: يا أمير المؤمنين ما لي أراك مفكراً تنكت في الأرض؟ أرغبته منك فيها؟ قال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا قط، ولكنني تفكرت في مولود يكون من ظهر الحادي عشر من ولدي هو المهدي الذي يملأها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يكون له حيرة وغيبته تضل فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون. قلت: يا مولاي فكم تكون الحيرة والغيبته؟ قال: ستة أيام، أو ستة أشهر، أو ست سنين. فقلت: وإن هذا الأمر لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق، وأنى لك بهذا الأمر يا أصبغ،

أولئك خيار هذه الأمة مع أبرار هذه العترة، قال: قلت: ثم ما يكون بعد ذلك؟ قال: ثم يفعل الله ما يشاء فإن له بداءات وإرادات وغايات ونهايات^(۱).

از اصبع بن نباته روایت شده است که گفت: خدمت امیرالمومنین (ع) آمد، دیدم ایشان چوبی در دست گرفته بود و به زمین می‌زند. به ایشان عرض کردم: ای امیرالمومنین! چه شده است که شما را می‌بینم متفکرانه سر چوب را به زمین می‌زنید؟ آیا به این زمین علاقه‌ای دارید؟ حضرت فرمود: «خیر، به خدا قسم که هیچ وقت رغبتی به زمین و دنیا نداشته‌ام، لکن در مورد مولودی فکر می‌کنم که از نسل فرزند یازدهم از فرزندانم می‌باشد، او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و جور پر شده است. حیرت و غیبتی برای او پیش می‌آید که در آن بعضی از اقوام گمراه و بعضی دیگر هدایت می‌شوند». عرض کردم: ای امیرالمومنین! حیرت و غیبت چه مدتی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «شش روز یا شش ماه یا شش سال». عرض کردم: آیا واقعاً این امر صورت می‌گیرد؟ فرمود: «آری، گویی او خلق شده است، ولی ای اصبع تو را با این امر چه کار است؟ آنها نیکان این امتند همراه با نیکان این عترت». عرض کردم: بعد از آن چه می‌شود؟ فرمود: «پس از آن، هر چه خدا خواهد می‌شود زیرا برای خدا بداءها و اراده‌ها و غايات و پایان‌ها است (هر طور که خدای تعالی بخواهد عمل می‌کند)^(۲)».

والحادي عشر من ولد أمير المؤمنين (ع) هو الإمام المهدي (ع)، والذي من ظهره هو المهدي الأول من المهديين الإثني عشر، وهو وصي ورسول الإمام المهدي (ع).

یازدهمین فرزند امیرالمؤمنین (ع)، امام مهدی (ع) است و کسی که از نسل او است، مهدی اول از مهدیون دوازده‌گانه که وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) می‌باشد.

وفي دعاء الإمام الرضا (ع) للإمام المهدي (ع): (... اللهم أعطه في نفسه وأهله ووَلَدِهِ وذريته وأُمَّته وجميع رعيته ما تقر به عينه...)^(۳)، فهذا الولد الذي خصّه الإمام الرضا (ع) بالدعاء هو المهدي الأول

^۱ - الغيبة للشيخ الطوسي: ص ۱۶۴-۱۶۶ ح ۱۲۷، وص ۳۳۶ ح ۲۸۲، دلائل الإمامة للطبري (الشيعة): ص ۵۲۹-۵۳۰ ح ۵۰۴، الاختصاص للشيخ المفيد: ص ۲۰۹، الهداية الكبرى للحسين بن حمدان الخصبی: ص ۳۶۲ باختلاف يسير.

^۲ - غيبة طوسي: ص ۱۶۴ تا ۱۶۶ ح ۱۲۷ و ص ۳۳۶ ح ۲۸۲؛ دلائل الاثمه طبری (شيعه): ص ۵۲۹ و ۵۳۰ ح ۵۰۴؛ اختصاص شيخ مفيد: ص ۲۰۹؛ هدايت الكبرى حسين بن حمدان خصبی: ص ۳۶۲ با کمی اختلاف.

^۳ - غيبة الشيخ الطوسي: ص ۲۷۹، جمال الأسبوع: ص ۳۰۶، مصباح الكفعمي: ص ۵۴۷، مفاتيح الجنان: ۶۱۸.

وصي ورسول الإمام المهدي (ع)، فأحمد الله الذي جعلني مذكوراً عنده وعند آبائي الرسول الأعظم محمد (ص) وأمير المؤمنين علي (ع) والأئمة (ع) ولم يجعلني منسياً.

در دعای امام رضا (ع) برای امام مهدی (ع) آمده است: «... خدایا! به وی و خانواده اش و پسرش و اولادش و امتش و همگی پیروانش چیزی را عطا فرما که با آن شادمان شود...»^(۱). این فرزندى که امام رضا (ع) در دعایش ذکر فرموده همان مهدی اول، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) می‌باشد. پس خدا را حمد و سپاس می‌گویم که مرا نزد خودش و پدرانم، رسول اکرم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و ائمه (ع) یاد کرد و آنها (ع) مرا فراموش نکردند.

ثم إنك في كتابك الموسوم أوجبت إرسال الإمام المهدي رسولاً، فما عدا مما بدا، وهذا نص كلامك حيث قلت في الفصل الثالث: (وأرجو أن لا يكون القارئ كالذين قالوا لنبى الله موسى (ع) أرنا الله جهرة، والآن لو فرضنا أن الله سبحانه وتعالى أراد أن يوضح للناس أن ظهور الإمام المهدي (ع) قريب إن شاء الله، وإنهم يجب عليهم أن يناصروه لرفع راية لا إله إلا الله محمد رسول الله، فكيف يتم هذا التوضيح أو التبليغ؟ إذاً يجب أن يتم ذلك بأن يسخر سبحانه وتعالى من يشاء من عباده ليظهر على يديه ما يريده وفي الوقت المناسب، لضرورة معرفة هذا الأمر وفي هذا الوقت بالذات، حتى يقيم الحجة البالغة على عباده).

فهل نسيت أم تناسيت ما خطته يمينك في كتابك؟!

به علاوه تو خود در کتابت فرستاده شدن فرستاده‌ای از جانب امام مهدی (ع) را واجب دانسته‌ای؛ در فصل سوم کتابت گفته‌ای:

«امیدوارم خواننده‌ی این کتاب مانند کسانی نباشد که به موسی (ع) گفتند: خداوند را آشکارا به ما نشان بده. اکنون اگر فرض کنیم خداوند سبحان و متعال بخواهد به مردم بگوید که ظهور امام مهدی (ع) نزدیک (ان شاء الله) و بر آنها واجب است که او را یاری نمایند و پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله را بالا ببرند، چگونه برای مردم واضح و به ایشان تبلیغ خواهد شد؟ بنابراین، خداوند متعال باید یکی از بندگان خود را انتخاب فرماید تا در وقت مناسب آنچه اراده می‌فرماید را به دست او اجرا کند، تا این امر ضروری در وقتش اعلام و حجت بالغه بر بندگان اقامه گردد».

آیا آنچه در کتابت نوشته‌ای را فراموش کردی یا خود را به فراموشی می‌زنی؟!

^۱ - غیبت طوسی: ص ۲۷۹؛ جمال الاسبوع: ص ۳۰۶؛ مصباح کفعمی: ص ۵۴۷؛ مفاتیح الجنان: ص ۶۱۸.

۴- كيف تقرّر أني إذا لم أخض فيما خضت فيه أنت من حسابات (وقلب كلمات) تظن أنت إنها صحيحة، أكون قد ادعيت باطلاً، ما هكذا يا سعد تورّد الإبل!!!

۴- چطور چنین تصور می‌کنی که اگر من به چیزهایی که تو از محاسبات خودت (با برعکس کردن کلمات) به دست می‌آوری و تصور می‌کنی که درست است، وارد نشوم، ادعاهای من باطل است. ای سعد، شترها را اینچنین آب نمی‌دهند!^(۱)

۵- وإذا كنت تلتزم بطريقتك في الحساب وأنت متيقن منها وبأحقيتها، فبنفس طريقتك وبما ثبت به حساب الأرقام عندك وتريد إثباته للناس احسب:

۵- اگر به روش خودت در حساب اعداد پایبند هستی و به درست و حق بودنش یقین داری، به همان روش خودت و به روشی که حساب اعداد برای تو ثابت شده است و می‌خواهی آن را به مردم ثابت کنی، با من حساب کن:

من هو أحمد = هو رسول المهدي، كما حسبت من هو محمد = هو نبي الله، في كتابك الموسوم الفصل الثالث. ويحسب (المهدي) بالجمع الكبير وعدده (۹۰)، ويحول إلى الجمع الصغير فيصبح (۹)، كما حسبت في كتابك (محمد).

$$م + ن + ه + و + ا + ح + م + د$$

$$۳۷ = ۴ + ۴ + ۸ + ۱ + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$$

$$ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه دي)$$

$$۳۷ = (۹) + ۳ + ۶ + ۶ + ۲ + ۶ + ۵$$

من هو أحمد = هو رسول المهدي؛ همان طور که در فصل سوم کتابت حساب کردی: من هو محمد = هو نبي الله. المهدي با جمع بزرگ با عدد ۹۰ حساب و با جمع کوچک به ۹ تبدیل می‌گردد؛ همان گونه که در کتابت «محمد» را اینچنین حساب کردی.

$$م + ن + ه + و + ا + ح + م + د = ۳۷ = ۴ + ۴ + ۸ + ۱ + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$$

$$ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه دي) = ۳۷ = (۹) + ۳ + ۶ + ۶ + ۲ + ۶ + ۵$$

^۱ - ضرب المثلى عربى (مترجم).

وكذلك احسب: (ما هو كتاب الله) ستجده يساوي (هو رسول المهدي) كما حسبت في كتابك ما هو كتاب الله، هو القرآن الكريم.

$$م + ا + ه + و + ك + ت + ا + ب + ا + ل + ل + ه$$

$$٣٧ = ٥ + ٣ + ٣ + ١ + ٢ + ١ + ٤ + ٢ + ٦ + ٥ + ١ + ٤$$

$$ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه دي)$$

$$٣٧ = (٩) + ٣ + ٦ + ٦ + ٢ + ٦ + ٥$$

$$ه + و + ا + ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل + ك + ر + ي + م$$

$$٣٧ = ٤ + ١ + ٢ + ٢ + ٣ + ١ + ٥ + ١ + ٢ + ١ + ٣ + ١ + ٦ + ٥$$

همچنین حساب کن: «ما هو كتاب الله» را برابر می‌یابی با «هو رسول المهدي» همان طور که در کتابت حساب کردی: ما هو كتاب الله، هو القرآن الكريم.

$$م + ا + ه + و + ك + ت + ا + ب + ا + ل + ل + ه = ٣ + ٣ + ١ + ٢ + ١ + ٤ + ٢ + ٦ + ٥ + ١ + ٤$$

$$٣٧ = ٥ +$$

$$ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه دي) = ٣٧ = (٩) + ٣ + ٦ + ٦ + ٢ + ٦ + ٥$$

$$ه + و + ا + ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل + ك + ر + ي + م = ١ + ٥ + ١ + ٢ + ١ + ٣ + ١ + ٦ + ٥$$

$$٣٧ = ٤ + ١ + ٢ + ٢ + ٣$$

فتبين لك مما سبق أن أحمد هو رسول المهدي، وكتاب الله، والقرآن الكريم الناطق، وبالطريقة التي جعلتها الدليل على مصداقية علم الحروف في كتابك الموسوم (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي (ع))، فاتق الله والزم قول أمير المؤمنين علي (ع) بحق آل محمد (ص): (ولا تعلموهم فأنهم أعلم منكم)^(١).

پس برای تو آشکار شد که احمد، فرستاده‌ی مهدی است و همچنين كتاب خدا و قرآن ناطق است، با همان روشی که تو آن را در کتابت «شروع جنگ آمریکا علیه امام مهدی» دلیلی برای درست بودن علم حروف قرار

^١ - قال أمير المؤمنين (ع) في إحدى خطبه: (... ولقد علمتم وعلم المستحفظون من أصحاب رسول الله (ص) إني وأهل بيتي مطهرون من الفواحش، وقد قال (ص) لا تسبقوهم فتضلوا ولا تخالفوهم فتجهلوا ولا تخلفوا عنهم فتهلكوا، لا تعلموهم فإنهم أعلم منكم كباراً وأحكمكم صغاراً...) مصباح البلاغة، مستدرك نهج البلاغة: ج ١ ص ١٤٢.

دادی. از خداوند بت‌رس و به سخن امیرمؤمنان علی(ع) در حق خاندان محمد(ع) پایبند باش که فرمود: (به آنان آموزش ندهید که از شما عالم‌تراند)^(۱).

وبهذا لزمك الحجة التي تقرها في كتابك، فلا يقبل منك الإعراض وترك الجواب.

وأبين لك شيئاً من سر الرقم (۳۷).

قال تعالى: ﴿فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِنَ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾^(۲).

به این ترتیب، با همان روشی که خودت در کتابت اقرار نمودی، حجت بر تو تمام شد؛ پس روی برگرداندن و پاسخ نگفتن شما مورد قبول نخواهد بود.

حال از اسرار عدد ۳۷ برایت چیزهایی روشن می‌کنم.

خداوند متعال می‌فرماید: (سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد، تا ده روز کامل شود و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد)^(۳).

والعشرة هي السموات السبع (العرش العظيم) والكرسي والعرش الأعظم وسرادق العرش الأعظم، وهذه الثلاثة هي بيت الله ومدينة الكمالات الإلهية في الخلق ومدينة العلم (محمد ص)، فمن كان من آل محمد عشرته كلها في الحج أي في بيت الله، أي في مدينة العلم، أي في بيت النبوة ومعدن الرسالة وللمزيد ولتتوضح لك الصورة أكثر اقرأ المتشابهات ج ۳ (سؤال حول سر الأربعين، سؤال حول العرش والكرسي).

ده، همان آسمان‌های هفت‌گانه (عرش عظیم) + کرسی + عرش اعظم + سرادق عرش اعظم است و این سه مورد یعنی خانه‌ی خدا، شهر کمالات الهی در مخلوقات و شهر علم حضرت محمد(ص). پس هر کس از خاندان محمد(ع) باشد، ده‌گانه‌ی ایمان او در حج یعنی در خانه‌ی خدا یعنی در مدینه‌ی علم یعنی در خانه‌ی

^۱ - امیرمؤمنان(ع) در یکی از خطبه‌هایش فرمود: «... و قطعاً دانستید و مستحفظان از اصحاب رسول خدا را شناختید. من و اهل بیتم از گناهان میرزا هستیم. ایشان فرمود: از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و با آنها مخالفت نکنید که در جهل می‌مانید و از ایشان عقب‌نمانید که هلاک می‌گردید. به آنها نیاموزید که ایشان از شما عالم‌تراند و کوچک‌هایشان از شما حکیم‌تر...». مصباح البلاغه، مستدرک نهج البلاغه: ج ۱ ص ۱۴۲.

^۲ - البقرة: ۱۹۶.

^۳ - بقره: ۱۹۶.

نبوت و معدن رسالت می‌باشد؛ برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب متشابهات جلد ۳، سؤال درباره‌ی راز عدد چهل و سؤال درباره‌ی عرش و کرسی، مراجعه نما.

۱- والرقم (۳۷) يتألف من الرقمين (۷، ۳)، ومجموعهما (۱۰)، وهي عشرة التوحيد، فمن أتمها وحج بيت الله وزار مدينة العلم وتم عقله وكان من الثلاث مائة وثلاثة عشر أصبح منا أهل البيت، وهذا ورد عن آبائي (ع): (الإيمان عشر درجات^(۱))، وسلمان أتم العاشرة (صلوات الله على سلمان)، فسلمان منا أهل البيت^(۲)، أما نحن أهل البيت فعشرتنا في الحج، وفي بيت الله.

۱ - عدد ۳۷ از دو عدد ۳ و ۷ تشکیل شده است که جمع شان ۱۰ می‌شود که همان مراتب ده‌گانه‌ی توحید است. پس هر کس آن را انجام دهد و به حج خانه‌ی خدا برود و شهر علم را زیارت کند و عقلش کامل گردد و جزو سیصد و سیزده نفر شود، از ما اهل بیت به شمار می‌رود. این مضمون از پدرانم (ع) روایت شده است: «ایمان ده درجه دارد^(۳) و سلمان همه‌ی این ده درجه را به پایان رسانید، درود خدا بر سلمان باد. پس سلمان از ما اهل بیت است»^(۴). ما اهل بیتیم و درجات ده‌گانه در حج و در خانه‌ی خدا.

۲- والرقم (۳۷) يتكون من (۱۰ + ۲۷)، والعشرة هي عشرة الحج، والسبعة والعشرون هي العلم المسموح ببثه في الناس كما في الروايات عنهم (ع)، فمن أتم عشرة الحج (عشرة الإيمان) أمكنه حمل السبعة والعشرين حرفاً من التوحيد التي يبثها الإمام المهدي (ع).

^۱ - عن عبد العزيز القراطيسي، قال: قال لي أبو عبد الله (ع): (يا عبد العزيز، إنَّ الإيمان عشر درجات بمنزلة السلم يصعد منه مرقاة بعد مرقاة، فلا يقولون صاحب الاتنين لصاحب الواحد لست علي شيء حتى ينتهي إلى العاشر، فلا تسقط من هو دونك فيسقطك من هو فوقك، وإذا رأيت من هو أسفل منك بدرجة فارفعه إليك برفق ولا تحملن عليه ما لا يطيق فتكسره، فإن من كسر مؤمناً فعليه جبره) الكافي: ج ۲ ص ۴۵.

^۲ - قال النبي (ص): (سلمان منا أهل البيت) عيون أخبار الرضا (ع): ج ۱ ص ۷۰.

و عن أبي عبد الله (ع): (الإيمان عشر درجات، فالمقداد في الثامنة، وأبو ذر في التاسعة، وسلمان في العاشرة) بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۳۴۱.

^۳ - از عبد العزيز قراطيسي نقل شده است که گفت: ابو عبدالله (ع) به من فرمود: «ای عبد العزيز، ایمان ده درجه دارد که مانند نردبان است که پله پله باید از آن بالا رفت. فردی که دو پله بالا رفته نباید به کسی که در پله‌ی اول است بگوید که تو بهره‌ای نداری، تا اینکه به دهمین پله برسد. کسی که پایین‌تر از خودت است را ساقط نکن تا بالاتر از تو، تو را ساقط نکند و اگر کسی را در درجه‌ای پایین‌تر از خودت دیدی، او را با محبت بالا بکش و بر او بیش از توانش تحمیل مکن که می‌شکند و اگر کسی مومنی را بشکند، شکسته‌بندی‌اش بر او واجب می‌گردد». کافی: ج ۲ ص ۴۵.

^۴ - پیامبر فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است». عيون اخبار رضاء (ع): ج ۱ ص ۷۰.

از ابو عبد الله (ع) نقل شده است که فرمود: «ایمان ده درجه دارد؛ مقداد در درجه‌ی هشتم، ابوذر در درجه‌ی نهم و سلمان در درجه‌ی دهم بود». بحار الانوار: ج ۲۲ ص ۳۴۱.

۲ - عدد ۳۷ از ۱۰ + ۲۷ تشکیل شده است؛ ۱۰ همان ده‌گانه‌ی حج و ۲۷ علمی است که انتشارش بین مردم اجازه داده شده است، همان طور که در روایات اهل بیت (ع) آمده است. پس هر کس ده‌گانه‌ی حج (درجات ده‌گانه‌ی ایمان) را تمام کند می‌تواند حامل ۲۷ حرف توحید که امام مهدی (ع) منتشر می‌سازد، باشد.

وقال تعالى: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^(۱).

خداوند متعال می‌فرماید: (و ما بر آن هستیم که بر کسانی که روی زمین به استضعاف کشیده شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم)^(۲).

وهؤلاء الذين يريد الله أن يجعلهم أئمة هم آل محمد (ص) الأئمة والمهديون (ع)، وكذلك الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدي (ع)، وفي أول سورة القصص سرّها وهو (طسم) وإذا حسبت عدد هذه الحروف المقطعة بالجمع الكبير.

$$\text{ط} + \text{س} + \text{م}$$

$$۱۰۹ = ۴۰ + ۶۰ + ۹$$

کسانی که خداوند اراده می‌فرماید تا ائمه قرار دهد، خاندان محمد (ع) ائمه و مهدیون (ع) و نیز سیصد و سیزده یار امام مهدی (ع) می‌باشند و این سرّ و راز آغاز سوره‌ی قصص یعنی «طسم» است؛ اگر عدد این حروف مقطعه را با جمع بزرگ حساب کنی:

$$\text{ط} + \text{س} + \text{م} = ۴۰ + ۶۰ + ۹ = ۱۰۹$$

فالنتيجة (۱۰۰+۹) وإذا حولتها إلى الجمع الصغير (۱+۹) يكون الناتج (۱۰)، وهي عشرة الحج المتعلقة بالأئمة (الثلاث مائة وثلاثة عشر) المذكورين في الآية، وهي عشرة التوحيد فمن حج بيت الله تحلى بها وتم عقله وتيقن وثبت عنده الثابت ووحده سبحانه (هو)، وإذا جمعت حروف (هو) وجدتها.

^۱ - القصص: ۵.

^۲ - قصص: ۵.

ه + و

$$١١ = ٦ + ٥$$

پس نتیجه $١٠٠ + ٩$ می باشد و اگر آن را به جمع کوچک تبدیل کنی $٩ + ١$ نتیجه ١٠ می شود و این همان ده گانه ی حج مربوط به ائمه (سیصد و سیزده) است که در آیه ذکر شده است و همان ده گانه ی توحید می باشد. هر کس به حج خانه ی خدا برود، به آن آراسته و عقلش کامل می گردد و یقین پیدا می کند و همه چیز برایش ثابت می گردد و خداوند سبحان (هو) را به یگانگی می پرستند. اگر حروف «هو» را جمع کنی، می بینی:

$$ه + و = ٥ + ٦ = ١١$$

وهي (١٠١) والعشرة قد عرفتها، وهي عشرة الحج والإيمان، والواحد سبحانه وتعالى، فمن تحلّى بالعشرة، تيقن ووحده الواحد.

که $١٠ + ١$ می باشد. حال ده گانه را شناختی که همان ده گانه ی حج و ایمان است و عدد یک همان خداوند سبحان و متعال می باشد؛ پس هر کس به این ده گانه آراسته باشد به وحدانیت خداوند یقین پیدا می کند.

وباختصار فقد بينت لك أنّ في هذا العدد (٣٧)، عشرة الحج والتوحيد وكذلك الـ (٢٧) حرفاً من علم التوحيد، فمن حج وتحلّى بالعشرة أمكنه حمل ومعرفة الـ (٢٧) حرفاً حال بثها في الناس، وهي السر الذي لا يتحمّله إلاّ نبي مرسل، أو ملك مقرب، أو مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان، وبالنتيجة تيقن ووحده الواحد سبحانه وتعالى (هو).

برای تو به اختصار بیان کردم که در این عدد (٣٧) ده گانه ی حج و توحید و نیز ٢٧ حرف از علم توحید وجود دارد. پس هر کس به حج برود و به این ده گانه آراسته گردد، امکان تحمل و شناخت ٢٧ حرف را وقتی بین مردم منتشر می شود، دارا می باشد، و این، سرّی است که هیچ کس تحملش را ندارد مگر پیامبر فرستاده شده یا فرشته ی مقرب یا مؤمنی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد؛ در نتیجه، بنده به یقین می رسد و به وحدانیت خداوند سبحان و متعال (هو) یقین پیدا می کند.

وأزيدك، فإذا جمعت (طسم) بالجمع الصغير.

$$ط + س + م =$$

$$۱۹ = ۴ + ۶ + ۹$$

وعدد حروف البسملة (۱۹) حرفاً، والبسملة آية التوحيد.

برای اینکه بیشتر بدانی، اگر «طسم» را با جمع کوچک حساب کنی:

$$ط + س + م = ۹ + ۶ + ۴ = ۱۹$$

و تعداد حروف «بسملة» (بسم الله الرحمن الرحيم) ۱۹ و بسمله، آیهی توحید می‌باشد.

قال تعالى: ﴿وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَخَدَّهُ وَوَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾^(۱)، أي قل: بسم الله الرحمن الرحيم كما ورد عنهم (ع)^(۲)، وقد عرفت أنّ (طسم) أشارت إلى أهل التوحيد، وهم الثلاث مائة والثلاثة عشر، ولذا استوى عدد حروف آية التوحيد (بسم الله الرحمن الرحيم) مع عدد آية الموحدين (طسم) وأهل النار مشركون؛ ولذا جعل عليهم عدد آية الموحدين.

خداوند متعال می‌فرماید: (و بر دل هاشان پرده افکنیم تا آن را درنیابند و گوش هاشان سنگین کنیم، و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی، باز می‌گردند و می‌رمند)^(۳)؛ یعنی بگو: بسم الله الرحمن الرحيم، همان طور که از ائمه (ع) روایت شده است^(۴). پس دانستی که «طسم» اشاره به اهل توحید دارد که آنها ۳۱۳ نفرند و از همین رو، عدد حروف آیهی توحید (بسم الله الرحمن الرحيم) با عدد آیهی موحّدين (طسم) برابر و مساوی است؛ و همچنین با عدد مشرکین اهل آتش؛ از همین رو خداوند تعدادشان را با عدد آیهی موحّدين برابر قرار داده است.

قال تعالى: ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا

^۱ - الإسراء: ۴۶.

^۲ - عن هارون، عن أبي عبد الله (ع)، قال: قال لي: (كتموا بسم الله الرحمن الرحيم فنعم والله الأسماء كتموها: كان رسول الله (ص) إذا دخل إلى منزله واجتمعت عليه قریش بجهر بسم الله الرحمن الرحيم ويرفع بها صوته، فتولى قریش فراراً فأنزل الله عز وجل في ذلك: (وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَخَدَّهُ وَوَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا)) الكافي: ج ۸ ص ۲۶۶.

^۳ - إسراء: ۴۶.

^۴ - از هارون از ابو عبدالله (ع) روایت شده است که به من فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم را کتمان کنید که به خدا سوگند اسماء بسیاری در آن مخفی است: هر وقت رسول خدا به منزلش وارد می‌شد و قریش دورش جمع می‌شدند، بسم الله الرحمن رحيم را آشکار و با صدای بلند می‌گفت. قریش پشت کرده، فرار می‌کردند. پس خداوند عزوجل در این خصوص نازل فرمود: (و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی، باز می‌گردند و می‌رمند)» . کافي: ج ۸ ص ۲۶۶.

الْكِتَابِ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ^(١)، والموحدون هم أصحاب اليمين في سورة المدثر الذين يدخلون الجنة بغير حساب، وهم أصحاب اليماني وصي ورسول الإمام المهدي (ع).

خداوند متعال می فرماید: (نوزده فرشته بر آن گماشته اند * موکلان دوزخ را جز از ملائکه قرار ندادیم و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید و اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند و تا آنان که در دل هاشان مرضی است و کافران نگویند: خدا از این مثل چه می خواسته است؟ خدا اینچنین هر کس را که بخواهد گمراه و هر کس را که بخواهد راه می نماید و شمار سپاهیان پروردگارت را جز او نداند و این سخن جز اندرزی از برای مردمان نیست)^(٢)، و موحدین، همان اصحاب یمین در سوره ی مدثر هستند که بدون حساب وارد بهشت می شوند و آنها یاران یمانی، وصی و فرستاده ی امام مهدی (ع) می باشند.

قال تعالى: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ ۖ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾^(٣).

خداوند سبحان می فرماید: (هر کس در گرو عملی است که کرده است * مگر اصحاب یمین)^(٤).

اقرأ بيان اليماني الأخير لتتضح لك الصورة أكثر، ولتزداد يقيناً - إن كنت تبحث عن الحق وكنت من الذين أوتوا الكتاب أو الذين آمنوا بالكتاب - قال تعالى: ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا﴾.

برای اینکه بیشتر بدانی و به یقینت افزوده گردد - اگر در جست و جوی حقیقت هستی و از کسانی باشی که کتاب به آنها داده شده است یا کسانی که به کتاب ایمان دارند - بیانیه ی اخیر یمانی را مطالعه کن. خداوند متعال می فرماید: (و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید).

^١ - المدثر: ٣٠ - ٣١.

^٢ - مدثر: ٣٠ و ٣١.

^٣ - المدثر: ٣٨ - ٣٩.

^٤ - مدثر: ٣٨ و ٣٩.

إحسب معي: كلمة (وصي)، (اليمانى)، (من هو اليمانى)، (هو وصي)، (هو وصي المهدي)، (أصحاب اليمين).

با من حساب کن: کلمه‌ی «وصی»، «الیمانی»، «من هو الیمانی»، «هو وصی»، «هو وصی المهدی»، «اصحاب اليمين».

ولكن قبل أن نبدأ بالحساب، لنراجع ما خطته يمينك في كتابك (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي (ع)) الفصل الثاني، حيث قلت فيه: (القرن السادس، النبوة الثالثة والثلاثون: تمتد يده أخيراً في الآلوس الدموي، سيكون عاجزاً عن حماية نفسه في البحر، سوف يخشي اليد العسكرية بين النهرين، وسيجعله الشخص الأسود الغاضب يندم على فعلته)، ثم استطردت في كتابك قائلاً: وهذه من أغرب التنبؤات التي ذكرها نوستر اداموس حيث إنه ذكر الإمام المهدي (ع) بصورة لا تخطئه، ولقد احتار فيها المترجمون للتنبؤات في معنى الاسم الوارد في النبوة، وذكرها أغلب المترجمين الاسم كما ورد (الوس)، بل إن البعض منهم قام بحذفه كما في الترجمة الإنكليزية، أمّا في الأصل الفرنسي فهي موجودة، وهنا ترجم المترجم كلمة (ALUS) المذكورة في النبوة على إنها (الآلوس) (مضيفاً للكلمة ال التعريف العربية) ولا يعرف معناها، وتركها للتاريخ يحل لغزها حين تحدث تلك الواقعة، وأنا سأكشف عن ما قصده نوستر اداموس فيها، إن نوستر اداموس هنا وكعادته استخدم الجنس التصحيفي أو الترخيم، عندما يتعلق الأمر بأسماء أشخاص أو ألقابهم فلقد قام بحذف حرف (I) من نهاية الاسم؛ لأننا لو أضفنا هذا الحرف فإن الكلمة تصبح (ALUSI) (الوصي) ويصبح المعنى واضحاً جداً، حيث إننا نعرف أن لقب الأوصياء يطلق على الأئمة الاثني عشر من أهل البيت (ع) والإمام المهدي (ع) هو أحد الأوصياء إذاً ممكن أن يطلق عليه (الوصي)، ويتفق نوستر اداموس هنا أيضاً مع ما يذهب إليه الشيعة.

ولى قبل از اینکه حساب را شروع کنیم سری به چیزهایی که خودت در کتابت به نگارش درآوردی می‌زنیم؛ «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی (ع) در فصل دوم کتابت گفته‌ای: قرن ششم - پیش‌گویی سی و سوم: «در آخر دستش را به سمت آلوس خونی دراز می‌کند، از حمایت خود در دریا عاجز خواهد ماند و از سپاه بین النهرین خواهد ترسید و شخصی سیاه و خشمگین او را از کرده‌اش پشیمان خواهد کرد» سپس در ادامه کتابت گفته‌ای:

این از عجیب‌ترین پیش‌گویی‌های نوستر اداموس می‌باشد که در آن به وضوح و نه به طور ضمنی امام مهدی (ع) را نام برده است. مترجمان در معنی نام وارد شده در این پیش‌گویی‌ها در حیرت مانده‌اند و بیشترشان

آن را همان طور که وارد شده است یعنی «الوس» ذکر کرده‌اند. برخی از مترجمان از جمله در ترجمه‌ی انگلیسی، اقدام به حذف آن نمودند اما در اصل فرانسوی، این اسم موجود است و مترجم کلمه «ALUS» را به الکوس ترجمه کرده یعنی یک «ال» معرفه‌ی زبان عربی به آن اضافه کرده است، در حالی که معنایش را نمی‌داند و آن را به تاریخ و اگذارده است یعنی تا زمانی که آن واقعه رخ دهد و معما حل شود؛ ولی من هدف و قصد نوستراداموس را از این کلمه کشف کرده‌ام. در اینجا نوستراداموس طبق عادت خود از جناس تصحیفی (یعنی انتخاب کلمه‌ی غلط مشابه با کلمه‌ی اصلی) یا ترخیم (یعنی حذف حرفی از کلمه) استفاده کرده است. او هنگامی کلمه‌ای مربوط به اسامی یا القاب می‌باشد اقدام به حذف حرف «I» از انتهای آن کلمه می‌نمود؛ حال اگر ما این حرف را به انتهای کلمه اضافه کنیم کلمه‌ی ALUSI (الوصی) را خواهیم داشت و معنی بسیار واضح و آشکار خواهد شد چرا که ما می‌دانیم لقب اوصیا به ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت (ع) اطلاق می‌گردد و امام مهدی (ع) نیز یکی از اوصیا می‌باشد و در نتیجه می‌تواند کلمه‌ی «الوصی» بر وی اطلاق گردد. در اینجا نوشته‌ی نوستراداموس با عقاید شیعه موافق و سازگار است.

ونوستر آداموس یصف هنا شخصاً معیناً قد یكون قائداً عسكرياً، أو رئیس دولة یحاول أن یقتل الإمام المهدي (ع)، أو القضاء علی قواته ویكون خائفاً من القوة العسكرية (جیش الإمام المهدي) الموجودة بین النهرین (العراق) ولكن رجلاً من جنود الإمام المهدي (ع) (وصفه بأنه أسود أي إنه (شيعي)؛ لأنّ اللباس الأسود یرمز إلى الشيعة، أو قد یكون رجلاً عربياً مسلماً من أفريقيا (أسود) سیقوم بالقضاء علیه وعلى قواته وهي في البحر (ربما في أحد الأساطیل الحربیة أو في أحد حاملات الطائرات ویدمرها).

به علاوه نوستراداموس در اینجا شخص معینی را توصیف می‌کند که فرمانده نظامی یا رئیس کشوری است که سعی می‌کند امام مهدی (ع) را به قتل برساند و نیروهای وی را از بین ببرد ولی از سپاه (ارتش امام مهدی (ع)) که در بین النهرین (عراق) موجود هستند می‌ترسد؛ و یا مردی از سپاه امام مهدی (ع) که مردی سیاه توصیف شده یعنی او شیعه است؛ چرا که لباس سیاه اشاره به شیعه بودن دارد. یا شاید یک مرد عرب مسلمان آفریقایی (سیاه‌پوست) باشد، او و نیروهایش را در حالی که در دریا هستند از بین می‌برد (چه بسا در یکی از ناوگان‌های جنگی یا در یکی از هواپیماها).

وقبل أن أبدأ بالحساب لدي تعليق علی كلامك المتقدم، وهو أنّ الوصي المذكور في نبوءة نوستر آداموس ليس الإمام المهدي (ع)، بل هو وصي الإمام المهدي (ع)، وأول المهديين الاثني عشر أوصياء

الإمام المهدي (ع)، وهو رسول الإمام المهدي (ع) ووليه الذي يلي أمره كما في الروايات، وهو يمانی آل محمد الموعود الذي يدعو إلى الحق والملتوي عليه من أهل النار كما في الروايات عنهم (ع).

قبل از اینکه حساب را شروع کنم، شرحی به سخنان پیشین تو می‌دهم؛ وصی یاد شده در پیشگویی نوستراداموس امام مهدی (ع) نیست بلکه وصی امام مهدی (ع) و اولین مهدی از مهدیون دوزاده‌گانه از اوصیای امام مهدی است. او فرستاده‌ی امام مهدی (ع) و جانشین او است که امرش را برعهده دارد، همان گونه که در روایات آمده است. او یمان‌ی آل محمد، همان وعده داده شده‌ای است که به حق دعوت می‌کند و همان طور که در روایات ائمه (ع) وارد شده است، روی‌گردان از او از اهل آتش می‌باشد.

وفي وصية رسول الله (ص): (عن أبي عبد الله (ع)، عن آبائه، عن أمير المؤمنين (ع)، قال: قال رسول الله (ص) في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي (ع): يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة، فأملی رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الاثني عشر إمام، وساق الحديث إلى أن قال: وليسلمها الحسن (ع) إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد (ع) فذلك اثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين، له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي، وهو عبد الله وأحمد والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين^(۱).

در وصیت رسول خدا (ص) آمده است: از ابو عبدالله (ع) از پدران‌ش (ع) از امیر المومنین (ع) نقل شده است که فرمود: «پیامبر خدا (ص) در شبی که وفاتش بود به علی (ع) فرمود: یا ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن. پیامبر خدا (ص) وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی، نخستین دوازده امامی و حدیث را ادامه می‌دهد تا اینکه می‌فرماید: حسن (ع) خلافت را به پسرش م ح م د که حافظ دین آل محمد (ع) است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفات مهدی (ع) رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهدیین) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مؤمنان است»^(۲).

^۱ - الغيبة للطوسي: ص ۱۵۰، غاية المرام: ج ۲ ص ۲۴۱، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷.

^۲ - غيبة طوسي: ص ۱۵۰؛ غاية المرام: ج ۲ ص ۲۴۱؛ بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷.

وعن الصادق (ع)، إنه قال: (إنّ منا بعد القائم اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع))^(١).

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم دوازده مهدي از فرزندان حسين(ع) خواهند بود»^(٢).

وعن الصادق (ع)، قال: (إنّ منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (ع))^(٣).

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم یازده مهدي از فرزندان حسين(ع) خواهند بود»^(٤).

وفي هذه الرواية القائم هو المهدي الأول وليس الإمام المهدي (ع)؛ لأنّ الإمام (ع) بعده اثنا عشر مهدياً.

در این روایت قائم همان مهدي اول است نه امام مهدي(ع) چون بعد از امام مهدي(ع) دوازده مهدي خواهند بود.

وقال الباقر (ع) في وصف المهدي الأول: (... ذاك المشرب حمرة، الغائر العينين، المشرف الحاجبين، العريض ما بين المنكبين، برأسه حزاز وبوجهه أثر، رحم الله موسى)^(٥).

امام باقر(ع) در وصف مهدي اول فرموده است: «.... دارای قرمزی صورت، چشم‌های گود، ابروهای برجسته، فراخ و پهنی میان دو شانه، در سرش شوره و در صورتش اثری است، رحمت خدا بر موسی باد»^(٦).

وعن أمير المؤمنين (ع) في خبر طويل: (... فقال (ع): ألا وإن أولهم من البصرة وأخرهم من الأبدال (...)^(٧).

^١ - الغيبة للطوسي: ص ٣٨٥، البرهان: ج ٣ ص ٣١٠، بحار الأنوار: ج ٥٣ ص ١٤٨.

^٢ - غيبة طوسي: ص ٣٨٥ ؛ برهان: ج ٣ ص ٣١٠ ؛ بحار الانوار: ج ٥٣ ص ١٤٨.

^٣ - مختصر بصائر الدرجات: ص ٣٨، الغيبة الطوسي: ص ٤٧٨، بحار الأنوار: ج ٥٣ ص ١٤٥.

^٤ - مختصر بصائر الدرجات: ص ٣٨ ؛ غيبة طوسي: ص ٤٧٨ ؛ بحار الانوار: ج ٥٣ ص ١٤٥.

^٥ - غيبة النعماني: ص ٢٢٣، بحار الأنوار: ج ٥١ ص ٤٠، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج ٣ ص ٢٣٧.

^٦ - غيبة نعماني: ص ٢٢٣ ؛ بحار الانوار: ج ٥١ ص ٤٠ ؛ معجم احاديث امام مهدي(ع): ج ٣ ص ٢٣٧.

^٧ - بشارة الإسلام: ص ١٤٨، مجمع النورين: ص ٣٣١، إلزام الناصب: ج ٢ ص ١٧٤.

و از امیرمؤمنان(ع) در خبری طولانی روایت شده است: «.... فرمود: آگاه باش که اولین آنها از بصره و آخرینشان از ابدال است....»^(۱).

وعن الصادق (ع) في خبر طويل سمى به أصحاب القائم (ع): (... ومن البصرة ... أحمد ...) ^(۲).
و از امام صادق(ع) در خبری طولانی که اصحاب قائم(ع) را نام برده است، روایت شده است: «.... و از بصره.... احمد....»^(۳).

وعن الإمام الباقر (ع) إنه قال: (له اسمان - أي للقائم -، اسم يخفى واسم يعلن، فأما الذي يخفى فأحمد وأما الذي يعلن فمحمد) ^(۴)، وأحمد هو اسم المهدي الأول، ومحمد اسم الإمام المهدي (ع) كما تبين من وصية رسول الله (ص).

و از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: « دو اسم دارد یعنی قائم- اسمی مخفی و اسمی آشکار؛ اما اسمی که پنهان می ماند احمد و اسمی که آشکار می شود محمد است»^(۵)، و احمد، اسم مهدی اول و محمد اسم امام مهدی(ع) است، همان طور که از وصیت رسول خدا(ص) آشکار شده است.

وعن الباقر (ع) : (إنَّ لله تعالى كنزاً بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفاً بخراسان شعارهم: (أحمد، أحمد) يقودهم شاب من بني هاشم على بغلة شهباء، عليه عصابتة حمراء، كأني أنظر إليه عابر الفرات، فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبواً على الثلج)^(۶)، وأحمد هو اسم المهدي الأول ووصي الإمام المهدي (ع)، وأول المؤمنين بالإمام المهدي (ع) في بداية ظهوره، ورسول الإمام المهدي (ع) إلى الناس كافة، وفي دعاء اليوم الثالث من شعبان (يوم ولادة الإمام الحسين (ع)) الذي ورد عن الإمام المهدي (ع): (اللهم إني أسألك بحق المولود في هذا اليوم ... المعوض من قتله أن الأئمة من نسله، والشفاء في تربته والفوز معه في أوبته، والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته، حتى

^۱ - بشارت الاسلام: ص ۱۴۸ ؛ مجمع النورين: ص ۳۳۱ ؛ الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۷۴.

^۲ - بشارة الإسلام: ص ۱۸۱.

^۳ - بشارت الاسلام: ص ۱۸۱.

^۴ - كمال الدين: ص ۶۵۳، جامع أحاديث الشيعة: ج ۱۴ ص ۵۶۸، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج ۳ ص ۴۱.

^۵ - كمال الدين: ص ۶۵۳ ؛ جامع الاحاديث شيعه: ج ۱۴ ص ۵۶۸ ؛ معجم احاديث امام مهدى(ع): ج ۳ ص ۴۱.

^۶ - منتخب الأنوار المضيئة: ص ۳۴۳.

يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار، اللهم فبحقهم إليك أتوسل ...^(١)، إذا تدبّرت الدعاء تيقنت أنّ المراد بالأوصياء هم أوصياء الإمام المهدي (ع)، ومنهم أبوهم أول المهديين (ع) المذكور في الروايات، والذي ذكرته نبوءة نوستر أداموس اليهودي، لتكون حجة دامغة على اليهود والمسيحيين والعالم الغربي الذي يؤمن بهذه النبوءة، كونها صدقت في أحداث كثيرة مضت، وكونها جاءت على لسان يهودي فرنسي-غربي منهم.

از امام باقر(ع) روايت شده است که فرمود: « خداوند متعال گنجی در طالقان دارد که نه از طلا است و نه از نقره؛ دوازه هزار در خراسان که شعارشان «احمد احمد» است و رهبری آنها را جوانی از بنی هاشم که سوار بر قاطری خاکستری است و پیشانی‌بند قرمز رنگ دارد، بر عهده دارد. گویی به او می‌نگرم که فرات را می‌گذرد و اگر شنیدید، به سوی او بشتابید حتی اگر سینه خیز بر یخ و برف باشد»^(٢).

احمد، اسم مهدی اول و وصی امام مهدی(ع) و اولین ایمان آورنده به امام مهدی(ع) در آغاز ظهورش است و او فرستاده‌ی امام مهدی(ع) به سوی همه‌ی مردم می‌باشد. در دعای روز سوم شعبان (روز ولادت امام حسین(ع)) که از امام مهدی(ع) نقل شده، آمده است:

(بارخدايا! از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز.... در عوض شهادتش، امامان و پیشوایان دین از نسل پاک او هستند و شفای هر مرض در تربت او و هر که را محبت او است در رجعتش پس از قائم آل محمد(ع) و طول غیبت رستگار خواهد بود تا آنکه به خون‌خواهی او برخیزند و خدا را خوشنود سازند و بهترین یاران دین خدا باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که آمد و شد روز و شب در جهان برقرار است. بارالها! به حق آنها به درگاه تو توّسل می‌جویم....)^(٣).

اگر در این دعا تدبّر کنی به یقین می‌رسی که منظور از اوصیا، اوصیا و جانشینان امام مهدی(ع) می‌باشند و از بین ایشان، پدرشان، اولین مهدیین(ع) می‌باشد که در روایت ذکر شده است. کسی که پیش‌گویی نوستر اداموس یهودی گفته است که وی حجت قطعی بر تمام یهود و مسیحیان و جهان غرب خواهد بود؛ همان کسانی که به این پیش‌گویی ایمان دارند چرا که درستی آن را در بسیاری از رخدادها دیده‌اند و از آنجا که بر زبان یک یهودی فرانسوی از خودشان جاری شده است.

^١ - مصباح المتجهّد: ص ٨٢٦، مصباح الكفعمي: ص ٥٤٣، مختصر بصائر الدرجات: ص ٣٥، مفاتيح الجنان: ص ٢١٥.

^٢ - منتخب الانوار المضيئه: ص ٣٤٣.

^٣ - مصباح المجتهد: ص ٨٢٦؛ مصباح كفعمي: ص ٥٤٣؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ٣٥؛ مفاتيح الجنان: ص ٢١٥.

والآن بعد آن تبیین لك أنّ الوصي المذكور في النبوءة هو وصي المهدي (ع) أعرج بك على الحساب:

أولاً: (اليمني هو الوصي)

حال بعد از اینکه برایت روشن شد که وصی ذکر شده در پیشگویی همان وصی مهدی (ع) می باشد به حساب

برمی گردیم:

اول: اليمني هو الوصي.

كلمة (وصي):

۱- و ص ي

۶ + ۹۰ + ۱۰ = ۱۰۶ بالجمع الكبير ، وتحول إلى الجمع الصغير:

(۶ + ۱۰۰) فتكون بالجمع الصغير (۶ + ۱) = (۷)

۲- و ص ي

۶ + ۹ + ۱ = ۱۶ بالجمع الصغير

كلمه «وصی»:

۱- و ص ی = ۶ + ۹۰ + ۱۰ = ۱۰۶ با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک :

۶ + ۱۰۰ بعد از حساب کردن با جمع کوچک: ۶ + ۱ = ۷.

۲- و ص ی = ۶ + ۹ + ۱ = ۱۶ با جمع کوچک.

كلمة (اليمني):

۱- ا ل ي م ا ن ي

۱ + ۳۰ + ۱۰ + ۴۰ + ۱ + ۵۰ + ۱۰ = ۱۴۲

بالجمع الكبير، وتحول إلى الجمع الصغير، (۲ + ۴۰ + ۱۰۰) فتكون بالجمع الصغير (۲ + ۴ + ۱) = ۷

۲- ا ل ي م ا ن ي

۱ + ۳ + ۱ + ۴ + ۱ + ۵ + ۱ = ۱۶ بالجمع الصغير

كلمه‌ی «اليماني»:

$$١-١ \text{ ا ل ي م ا ن ي} = ١ + ٣٠ + ١٠ + ٤٠ + ١ + ٥٠ + ١٠ = ١٤٢$$

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: $١٠٠ + ٤٠ + ٢$

و بعد از حساب کردن با جمع کوچک: $٧ = ١ + ٤ + ٢$.

$$٢-١ \text{ ا ل ي م ا ن ي} = ١ + ٣ + ١ + ٤ + ١ + ٥ + ١ = ١٦ \text{ با جمع کوچک.}$$

فتیین لك مما سبق من الحساب أن كلمة:

(وصي) = (اليماني) = (٧) بعد حسابهما بالجمع الكبير وتحويله إلى الجمع الصغير.

(وصي) = (اليماني) = (١٦) بعد حسابهما بالجمع الصغير.

و از حساب‌های گذشته روشن شد که:

وصی = اليماني = ٧ ، بعد از حساب کردن با جمع بزرگ و تبدیله‌شان به جمع کوچک.

وصی = اليماني = ١٦ ، بعد از حساب کردن آن دو با جمع کوچک.

ثانياً: عند السؤال عن شخص اليماني نقول: (من هو اليماني)، فإذا كان اليماني وصي الإمام المهدي (ع) (أي المهدي الأول المذكور في وصية رسول الله (ص))، يكون الجواب: (هو وصي المهدي) أو (هو وصي). وعدد المهدي هو:

ا ل م ه د ي

$$٩٠ = ١٠ + ٤ + ٥ + ٤٠ + ٣٠ + ١$$

دوم: هنگام سؤال کردن از شخصیت یمانی می‌گوییم «من هو اليماني» (یمانی کیست) و اگر یمانی، وصی امام مهدی (ع) (یعنی مهدی اول که در وصیت رسول خدا (ص) ذکر شده است) باشد، جواب «هو وصی المهدي» (او وصی مهدی است) یا «هو وصی» (او وصی است) می‌باشد. عدد المهدي به صورت زیر است:

$$٩٠ = ١٠ + ٤ + ٥ + ٤٠ + ٣٠ + ١$$

بالجمع الكبير وتحويل إلى الجمع الصغير، (٩٠) فتكون (٩) = ٩

والآن احسب:

(من هو الیمانی)

م ن ه و + (ال ی م ا ن ی)

$$۲۷ = (۷) + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$$

(هو وصی المهدی)

ه و + (و ص ی) + (ال م ه د ی)

$$۲۷ = (۹) + (۷) + ۶ + ۵$$

(هو وصی)

ه و + (و ص ی)

$$۲۷ = (۱۶) + ۶ + ۵$$

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: $۹ = ۹۰$

حالا محاسبه کن:

من هو الیمانی: م ن ه و + (ال ی م ا ن ی) = $۲۷ = (۷) + ۶ + ۵ + ۵ + ۴$.

هو وصی المهدی: ه و + (و ص ی) + (ال م ه د ی) = $۲۷ = (۹) + (۷) + ۶ + ۵$.

هو وصی = ه و + (و ص ی) = $۲۷ = (۱۶) + ۶ + ۵$.

فتبیین لك أن عدد: (من هو الیمانی) = (هو وصی المهدی) = (هو وصی).

پس روشن شد که از نظر عدد: من هو الیمانی = هو وصی المهدی = هو وصی.

واحسب عدد (هو الیمانی) بالجمع الصغیر ستجده يساوي الـ (۲۷) حرفاً من العلم التي يبثها

القائم (ع) في الناس.

با جمع کوچک، عدد «هو الیمانی» را حساب کن خواهی دید برابر با ۲۷ حرفی که قائم (ع) بین مردم منتشر

خواهد ساخت، می‌شود.

عن أبي عبد الله (ع)، قال: (العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً)^(١).

از ابو عبد الله (ع) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چیزی که انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج و آن را بین مردم منتشر می‌کند و این دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود»^(٢).

ه و ا ل ی م ا ن ی

$$27 = 1 + 5 + 1 + 4 + 1 + 3 + 1 + 6 + 5$$

ثم احسب عدد (أصحاب اليمين) في الآية: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ ۖ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾^(٣)، واليمين تحسب بالجمع الكبير وتحول إلى الجمع الصغير فتكون النتيجة.

$$27 = 1 + 5 + 1 + 4 + 1 + 3 + 1 + 6 + 5 = \text{ه و ا ل ی م ا ن ی}$$

سپس عدد «اصحاب اليمين» را در این آیه، حساب کن: (هر نفسی در گروه عملی است که انجام داده است * مگر اصحاب یمین)^(٤). «اليمين» با جمع بزرگ محاسبه و بعد به جمع کوچک تبدیل و نتیجه حاصل می‌شود:

ا ص ح ا ب + (ال ي م ي ن)

$$27 = (1 + 4 + 1) + 2 + 1 + 8 + 9 + 1$$

وقد عرفت أنّ رقم (٢٧) يمثل السبعة والعشرين حرفاً من العلم (المعرفة بالله وتوحيده سبحانه) التي يبثها الإمام المهدي (ع) في الناس.

$$27 = (1 + 4 + 1) + 2 + 1 + 8 + 9 + 1 = \text{ا ص ح ا ب + (ال ي م ي ن)}$$

^١ - مختصر بصائر الدرجات: ص ١١٧، بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٣٣٦.

^٢ - مختصر بصائر الدرجات: ص ١١٧؛ بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٣٣٦.

^٣ - المدثر: ٣٨ - ٣٩.

^٤ - مدثر: ٣٨ و ٣٩.

و دانستی که عدد ۲۷ بیانگر بیست و هفت حرف از علم (شناخت خدا و توحید او سبحان) است که امام مهدی(ع) در بین مردم منتشر می‌کند.

ومن الحساب السابق تعلم أنّ اليماني وهو وصي المهدي (ع) وهو المهدي الأول وعاء السبعة والعشرين حرفاً من العلم، فهو الوعاء الذي يستقبل الفيض من الإمام المهدي (ع) ويفيضة على أصحابه، فاليماني نسبة إلى الإمام المهدي (ع) يكون النون ونقطة النون.

از محاسبات گذشته متوجه شدی که یمانی، وصی مهدی(ع)، و اولین مهدی، ظرف بیست و هفت حرف از علم می‌باشد؛ او ظرفی است که این فیض‌ها را از امام مهدی(ع) دریافت می‌کند و به یارانش می‌بخشد؛ پس یمانی نسبت به امام مهدی(ع) نون و نقطه‌ی نون می‌باشد.

قال تعالى: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿۱﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿۲﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿۳﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿۴﴾ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿۵﴾ بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ ﴿۶﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۷﴾^(۱)، واليماني نسبة إلى الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدي (ع) هو الباء، وهو نقطة الباء في بسم الله الرحمن الرحيم، فله مقاما الرسالت والولاية، فهو في هذا الزمان يمثل محمداً وعلياً (ع)، وهو المدينة وهو الباب، فأين تذهبون ﴿۸﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿۹﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿۱۰﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۱﴾ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿۱۲﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳﴾^(۲).

خداوند متعال می‌فرماید: (نون). سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند * که تو، به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی * و تو را پاداشی پایان‌ناپذیر است * و تو بر خلقی عظیم هستی * زودا که تو بینی و آنها نیز بینند * که دیوانگی در کدام یک از شما است * هر آینه پروردگار تو بهتر می‌داند چه کسی از طریق او گمراه گشته است، که او به ره یافتگان داناتر است)^(۳) و یمانی نسبت به سیزده تن از یاران امام مهدی(ع) حرف باء و نقطه‌ی حرف باء در بسم الله الرحمن الرحيم است. پس او دارای دو مقام رسالت و ولایت می‌باشد. بنابراین او در این زمان شخصیت محمد(ص) و علی(ع) را تمثیل می‌کند. او شهر علم است، او درب شهر است؛ پس به کجا می‌روید؟ (و آن سخن، سخن شیطان رجیم نیست * پس به کجا می‌روید؟ * این کتاب چیزی نیست جز پندی برای

^۱ - القلم: ۱ - ۷.

^۲ - التکویر: ۲۵ - ۲۹.

^۳ - قلم: ۱ تا ۷.

جهانیان * برای هر کس از شما که بخواهد به راه راست افتد * و شما نمی‌خواهید مگر آنچه را که پروردگار جهانیان خواسته باشد^(۱).

ومن الحساب السابق تعلم أنّ أصحاب اليمين وهم أصحاب اليماني أيضاً وعاء السبعة والعشرين حرفاً من العلم، فهم الوعاء الذي يستقبل الفيض من اليماني وصي ورسول الإمام المهدي (ع) إلى الناس كافة، ثم إنهم يفيضون العلم على الناس، وهم الثلاث مائة والثلاثة عشر.

از محاسبات گذشته متوجه شدی که اصحاب اليمين که همان اصحاب یمانی هستند، ظرف بیست و هفت حرف علم می‌باشند. آنها ظرف‌هایی هستند که علم را از یمانی وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) به سوی همه‌ی مردم، دریافت می‌کنند و سپس به همه‌ی مردم می‌رسانند و ایشان، سیصد و سیزده تن می‌باشند.

وأزيدك أيها الأخ:

إنّ أدلة الدعوة كثيرة، وقد جئت بما جاء به الأنبياء والمرسلون (ع) ومحمد (ص) والأئمة (ع)، وقد صنف أحد الإخوة أنصار الإمام المهدي (ع) وهو الأستاذ ضياء الزيدي عشرات الأدلة في كتابه النور المبين، وهو مطبوع ويمكنك الاطلاع عليه، وكذلك البلاغ المبين ج ١ للشيخ ناظم العقيلي (حفظه الله) ومن أدلة الدعوة:

ای برادر، اضافه می‌نمایم که:

دلایل دعوت، بسیار است و دلایلی که انبیا و فرستادگان (ع) و محمد (ص) و ائمه (ع) آورده بودند من هم آورده‌ام. یکی از برادران انصار امام مهدی (ع) به نام استاد ضیاء الزیدی، ده‌ها دلیل را در کتاب خود «نور المبین» به نگارش درآورده است؛ این کتاب چاپ شده است و می‌توانید آن را مطالعه نمایید، و همچنین کتاب «بلاغ المبین جلد ١» نوشته‌ی شیخ ناظم عقیلی که خدا حفظش کند. از جمله دلایل این دعوت:

١- الروایات عن الرسول محمد (ص) والأئمة والتي تنص على الاسم والبلد والصفات.

١ - روایات رسول خدا محمد (ص) و ائمه (ع) که به اسم و شهر و ویژگی‌ها تصریح دارند.

۲- العلم بالمحکم والمتشابه وطرق السماوات، وهو من خصوصیات وأسرار الأئمة (ع).

۲- علم به محکمت و متشابهات و راه‌های آسمان که از ویژگی‌ها و اسرار ائمه (ع) می‌باشد.

۳- المباهلة / قسم البراءة / الدعوة إلى الحق و... و... و...

۳- مباحله، قسم براءت، دعوت به سوی حق و... و... و....

۴- الكشف في اليقظة والرؤى الصادقة في النوم التي رآها عدد كبير جداً من الناس بالرسول محمد (ص) وعلي (ع) والزهاء (ع) والأئمة (ع)، وهم يؤكدون على أحقية هذه الدعوة، والرؤيا بهم (ع) ثابتة، وإنها حق بالقرآن والروايات عنهم (ع).

۴- مکاشفه در عالم بیداری و در رؤیاهای صادقانه که تعداد بسیار زیادی از مردم به وسیله‌ی حضرت محمد (ص)، علی (ع)، زهرا (ع) و ائمه (ع) دیده‌اند که ایشان بر حقانیت این دعوت تأکید کرده‌اند و صحت رؤیاهای آنها (ع) ثابت شده و از طریق قرآن و روایات ائمه (ع) ثابت شده است که حق می‌باشند.

إضافة لما قررته أنت وألذمت به نفسك من نبوءة نوستر أداموس في كتابك الفصل الثاني حيث نقلت هذا النص: (القرن الثالث، النبوءة الرابعة والتسعين لمدة خمسمائة سنة أخرى سوف ينتبهون إليه فهو زينة عصره، ثم سيبعث فجأة وحي عظيم سيجعل ناس ذلك القرن مسرورين).

به اضافه‌ی آنچه از پیش‌گویی‌های نوستراداموس که تو خودت اقرار نمودی و خودت را به آنها ملزم نمودی؛ آنجا که در فصل دوم کتابت چنین متنی آورده‌ای:

«قرن سوم، پیش‌گویی نود و چهارم: تا مدت پانصد سال دیگر او را درخواهید یافت. پس او زینت زمان خودش خواهد بود. پس به ناگاه وحی بزرگ فرستاده خواهد شد که مردم آن قرن را مسرور و خوشحال خواهد نمود».

فما هو الوحي العظيم إلا الرؤيا التي يراها عدد كبير جداً من الناس تبين الحق وصاحبه ؟

آن وحی بزرگ چیست؟ جز رویاهایی که تعداد زیادی از مردم آنها را می‌بینید و حق و صاحبش را بیان خواهند کرد؟

اقرأ بتأنٍ أيها الأخ، واجعل طلب الحق نصب عينيك، وابحث بدقة وأنصف نفسك وأنقذها من النار، أسأل الله لك الهداية إن شئتَها، وأن يريك الحق حقاً ويرزقك اتباعه، ويريك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه.

والحمد لله وحده.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

ای برادر با تأمل و اندیشیه بخوان، و همواره طلب حق را نصب العین خود بگردان (فقط در جست و جوی حق باش) و با دقت به بحث و بررسی پرداز و با خودت به انصاف رفتار کن و خود را از عذاب جهنم نجات بده. از خداوند برای تو هدایت طلب می کنم و اینکه حقیقت را آن گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزی ات گرداند.

والحمد لله وحده.

احمد الحسن - جمادى الأول ١٤٢٦ هـ ق



پرسش ٣٦: چگونه می توانم باور کنم و حال آنکه مدعیان، بسیارند

السؤال / ٣٦: السلام عليكم .. أنا عراقي في المهجر هي ألمانيا، وميونخ بالتحديد، قد قرأت بعض الذي ذكرت ولكن كيف التصديق وقد سمعنا إن للمهدي (عجل الله فرجه الشريف) هناك الكثير من الناس الذين يدعون بأنهم رسل المهدي (ع)، وهم ليسوا إلا كذابين آسف أنا لا أقصدك. سلام عليكم. من یک عراقی هستم و در مهجر در آلمان و به طور مشخص در مونیخ زندگی می کنم. مطالبی را درباره ی شما خوانده ام ولی چطور باور کنم و حال آنکه افراد بسیاری دیده ایم که ادعا می کنند فرستاده ی امام مهدی (ع) می باشند در حالی که دروغ گویی بیش نیستند؛ متاسفم منظورم شما نیستید.

ولكن كيف أصدق وكيف أعلم بك وأنت ها قد قلت بأنك تعلمت علم من علم الإمام المهدي ؟ سؤالي: هل تستطيع أن تلتقي بي ؟ وأقسم بأني خائف لأنني أريد الآخرة ولا أريد الدنيا، فبالله عليك قربني من الإمام المهدي ولك السلام.

طارق الأنصاري - ربيع الثاني ١٤٢٦ هـ . ق

ولی من چطور شما را تصدیق کنم و چطور به یقین برسم و شما گفته‌اید که دانش را از امام مهدی (ع) آموخته‌ای. سؤال من این است که آیا می‌توانید با من ملاقاتی داشته باشید؟ و قسم می‌خورم که من ترسانم چرا که من آخرت را می‌خواهم نه دنیا را. پس تو را به خدا قسم می‌دهم که امام مهدی (ع) را به من نزدیک نمایی. و سلام بر تو!

طارق الانصاری - ربيع الثاني ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

أخي وجود الباطل لا يدل على بطلان الحق، فوجود مسيلمة الكذاب (لعنه الله) لا يدل على بطلان محمد (ص)، اغتسل وصم ثلاثة أيام وأدعو بهذا الدعاء ... (الدعاء الموجود في جواب: س١٤)، وأسأل الله أن يهديك سواء السبيل، وأن يريك الحق حقاً ويرزقك اتباعه، ويريك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه.

أحمد الحسن - جمادي الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

برادرم! وجود داشتن باطل، دلیل بر باطل بودن حق نیست؛ وجود مسیلمه‌ی کذاب (که لعنت خدا بر او باد) دلیل بر باطل بودن حضرت محمد (ص) نیست. غسل کن، سه روز، روزه بگیر و این دعا را بخوان.... (دعا در پاسخ سؤال ۱۴ وجود دارد). از خداوند برای تو طلب هدایت به راه راست می‌کنم و اینکه حق را آن گونه که هست، به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزی‌ات گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزی‌ات گرداند.

احمد الحسن - جمادی الأول ١٤٢٦ هـ ق

پرسش ۳۷: چرا قرآن بر حسب نزول آیات جمع نشده است

السؤال / ۳۷: بسمه تعالی ..

إذا كان القرآن قد جمع في زمن الرسول فلماذا لم يجمع حسب التنزيل. لماذا أستغرق خلق الأرض أربعة أيام بينما أستغرق خلق السماء يومين فقط ؟
نرجوا الإجابة يرحمكم الله.

يوسف العلي - ۲۲ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

بسمه تعالی....

اگر قرآن در زمان رسول خدا(ص) جمع شده، چرا بر حسب نزول آیات جمع نشده است؟ چرا آفرینش زمین چهار روز و آفرینش آسمان فقط دو روز به طول انجامیده است.

يوسف علي - ۲۲ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

بالنسبة لجمع القرآن الموجود بين أيدي الناس فالجميع يعرفون أنه متأخر عن زمن الرسول محمد (ص)، أمّا ما جمع في حياة رسول الله (ص) فهو عند الإمام (ع).

أمّا السؤال الثاني فالجواب موجود في (المتشابهات ٤) وهو في الطباعة وسينشر قريباً إن شاء الله.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

در رابطه با جمع آوری قرآنی که اکنون بین مردم هست، همه می دانند که پس از زمان رسول خدا حضرت محمد(ص) جمع شده، اما آنچه در زمان حیات رسول خدا(ص) جمع شده است نزد امام(ع) می باشد.

اما در خصوص سؤال دوّم، پاسخ در متشابهات جلد چهارم موجود می باشد و به زودی منتشر خواهد شد؛ ان شاء الله.

احمد الحسن - جمادى الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۸: چرا پلیس محکوم می‌شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشتشان است

السؤال / ۳۸: لقد سمعت الشريط المسجل تماما لكن هناك تنديد بالشرطة وأنهم عملاء لأمريكا، هذا غير صحيح؛ لأنه هم ذاهبون لطلب العيش، ومنهم من لديه عوائل متكفلون بهم، من أين يعيشوا؟ أرجو الجواب بأسرع وقت، أنا من المتابعين لكم وأنا طالب حوزة اعتزلت لكثرة الفتن وعمرى ۲۳ سنة.

أحمد - ۲۱ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

من به تمام نواری که ضبط شده بود گوش دادم؛ ولی در این نوار پلیس محکوم شده بود و اینکه آنها مزدوران آمریکایی هستند. این درست نیست؛ چرا که آنها به دنبال معیشت خود هستند و برخی از آنها کسانی را دارند که سرپرستی‌شان می‌کنند و از کجا مخارج زندگی خود را تأمین کنند؟ امیدوارم در کوتاه‌ترین زمان به سؤال من پاسخ دهید. من از پیروان شما و طلبه‌ی حوزه هستم و به خاطر فتنه‌های زیاد گوشه‌نشینی را برگزیده‌ام و ۲۳ سال دارم.

أحمد - ۲۱ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

۱- الذي كان يحمل السلاح جنبا إلى جنب مع الأمريكان الكفرة، ويهجم على ضريح علي بن أبي طالب (ع)، ويتبجح بقتل الشباب في ضريح علي بن أبي طالب (ع)، ويخرج على شاشات الفضائيات وفمه يقطر من دماء الشباب الذين يلوذون بضريح علي بن أبي طالب كالجزائري المجرم مدير شرطة النجف، أليس عميلاً للشيطان ولجنود الشيطان الأمريكان؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

۱ - کسی که دوشادوش آمریکای کافر سلاح برمی‌دارد و به ضريح مطهر علی بن ابی طالب (ع) حمله و به کشتن جوانان در حرم علی بن ابی طالب (ع) افتخار می‌کند و در ماهواره‌ها ظاهر می‌شود در حالی که از دهانشان خون جوانانی که به حرم مطهر علی (ع) پناه برده بودند؛ امثال جزایری‌های جنایتکار رئیس پلیس نجف، آیا مزدور و سربازان سپاه شیطان، یعنی آمریکا نیست؟

٢- لقد أسقط شرطة النجف مئات القتلى من المدنيين الذين كانوا يسيرون بمسيرة سلمية خالية من السلاح، هؤلاء الذين أطلقوا العنان لمدافع حقدهم، أن تردي مئات المساكين مخرجين بدمائهم، أليسوا عملاء للشيطان ولجنود الشيطان الأمريكان؟

٢- پلیس نجف صدها نفر از شهروندان را در حالی که در راهپیمایی آرام و بدون اسلحه بودند، به قتل رسانید. اینان که از سرِ حقد و کینه‌هایی که دارند عنان از کف داده و صدها بدبخت و بیچاره را آغشته به خون کرده‌اند، آیا مزدوران و سربازان سپاه شیطان، یعنی آمریکا نیستند؟

٣- يوجد الآن بعض أفراد الشرطة والحرس ... عادوا إلى رشدهم وأمنوا بهذه الدعوة الحقّة، ومنهم ضباط برتب كبيرة وقد طلبت منهم جميعاً أن لا يعينوا ظالماً ولو بشق تمرّة، وأن ينصفوا المظلوم ولو على أنفسهم، وأن يكونوا في كل وقت مستعدين لمواجهة الأمريكان الكفرة وأذنبهم الفجرة.

أحمد الحسن - جمادى الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

٣- در حال حاضر بعضی از این پلیس‌ها و سپاهیان... سر عقل آمده و به این دعوت حق ایمان آورده‌اند و در میان اینها افرادی با درجه‌ی بالا نیز وجود دارد. من از همه‌ی آنها خواستم که به ظالم کمک نکنند حتی به اندازه‌ی شکافتن خرمایی و اینکه انصاف را در بین مظلومان رعایت کنند حتی اگر علیه خودشان باشد، و در همه حال آماده‌ی مبارزه با آمریکای کافر و پیروان جنایتکارش باشند.

احمد الحسن - جمادى الأول ١٤٢٦ هـ ق



پرسش ۳۹: حکم تراشیدن موی گونه‌ها در آرایشگاه‌ها چیست؟

السؤال / ۳۹: السلام على قائم آل محمد (صلى الله عليه وعلى آبائه الطاهرين وعلى أولاده المنتجبين)، السلام على المضطر الذي يجاب إذا دعى، السلام على الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء، السلام على الطالب بدم المقتول بكربلاء، السلام عليك يا مولاي ورحمة الله وبركاته ...

السلام على رسول الأمام ووصيه، السلام على المظلوم كجده محمد (ص في أمته، السلام على المغضوب حقه كجده علي (ع) في أمته، السلام عليك يا مولاي ورحمة الله وبركاته ...

أخوة الإيمان، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته وتحياته، وبعد ..

سلام بر قائم آل محمد (که سلام و صلوات خداوند بر او و پدران پاکش و فرزندان برگزیده‌اش باد). سلام بر مضطری که اگر دعا کند، اجابت می‌شود. سلام بر خواهان انتقام انبیا و فرزندان انبیا. سلام بر خون‌خواه خونِ مقتول کربلا. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و برکاته....

سلام بر فرستاده‌ی امام و وصی‌اش. سلام بر مظلومی که همانند جدش محمد (ص) در بین امتش می‌باشد. سلام بر کسی که حقیقتش مانند علی بن ابی طالب (ع) در امتش غصب شده است. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و برکاته....

برادران ایمانی، سلام عليكم ورحمة الله وبركاته وتحياته، و اما بعد....

سيدي ومولاي، ما هو حكم إزالة الشعر من الوجنتين كما هو متعارف عليه لدى الحلاقين؟
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، نصرکم الله ونصر بنصرکم دينه وشريعته.

خادم أنصار الإمام (أبو علي) - ۲۰ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

مولای من، حکم تراشیدن موی گونه‌ها که نزد آرایش‌گرها مرسوم است، چیست؟
والسلام عليكم ورحمت الله و برکاته. خداوند شما را یاری دهد و با یاری شما دین و شریعتش را یاری نماید!
خادم انصار امام (ابو علی) - ۲۰ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

تحرم حلاقة (اللحية) (الذقن)، ويجوز إزالة الشعر من الوجنتين.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
تراشیدن ریش حرام، ولی تراشیدن موی گونه‌ها جایز است.

احمد الحسن - جمادى الاول ١٤٢٦ هـ ق

پرسش ٤٠: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی (ع) در زمان قائم چیست؟

السؤال / ٤٠: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أشكركم جزيل الشكر على إجابة رسالتي السابقة، ولدي بعض الأسئلة الأخرى أكون
شاكراً جداً للإجابة عليها:

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته
از اینکه به سؤال قبلی ام پاسخ دادید، بسیار متشکرم... پرسش‌های دیگری نیز دارم. بسیار ممنون می‌شوم
که اگر به اینها نیز پاسخ دهید.

١- النهر الذي يبتلى به أصحاب القائم (ع)، هل هو نهر مادي معلوم أم هو شيء آخر يرمز له
بالنهر؟

١ - رودی که یاران قائم (ع) با آن آزموده می‌شوند چیست؟ آیا یک رود مادی معلوم است یا چیز رمزگونه‌ی
دیگری که با رودخانه به آن اشاره می‌شود؟

٢- ما المقصود مما ورد في الحديث عن المعصوم (ع): (ودخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر) ؟

۲ - مقصود از آنچه در این حدیث از معصوم (ع) وارد شده است، چیست؟ «و در آن شبیه خورشید پرستان و ماه‌پرستان داخل می‌شوند».

۳ - من علامات الظهور قراءة كتابان بالبراءة من علي (ع) في البصرة والكوفة، هل هي قراءة عليّة وبموافقة أهل البصرة والكوفة، أم ماذا؟

۳ - از علامت‌های ظهور این است که دو بیانیه برای برائت از علی (ع) در کوفه و بصره خوانده می‌شود. آیا این خوانده شدن، علنی است و با موافقت اهل بصره و کوفه انجام می‌شود یا چیزی دیگری می‌باشد؟

ولکم جزیل الشکر والامتنان.

فهمی صالح - ۱۸ / ربیع الثانی / ۱۴۲۶ هـ . ق

از شما بسیار سپاس گزار و ممنونم.

فهمی صالح - ۱۸ / ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
ج س ۱: يبتلى أصحاب القائم (ع) بشيء آخر وليس نهراً مادياً.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
جواب سؤال ۱: اصحاب قائم (ع) با چیز دیگری مورد آزمایش قرار می‌گیرند که یک رودخانه‌ی مادی نیست.

عن أبي عبد الله (ع)، قال: (إن أصحاب طالوت ابتلوا بالنهر الذي قال الله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾^(۱)، وإن أصحاب القائم (ع) يبتلون بمثل ذلك)^(۲).

^۱ - البقرة: ۲۴۹.

^۲ - الغيبة للنعماني: ص ۳۱۶.

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «ياران طالوت با رودی مورد آزمایش قرار گرفتند که خداوند در موردش می فرماید: (خداوند شما را به جوی آبی می آزماید)^(۱) و اصحاب قائم(ع) نیز به چیزی مانند این رود مورد آزمایش قرار می گیرند»^(۲).

وهو باب آل محمد (ع) الذي كما ورد عن الصادق (ع): (الركن اليماني بابنا الذي يدخل منه الجنة، وفيه نهر من الجنة تلقى فيه أعمال العباد)^(۳). وأركان الإمام المهدي (ع) أربعة: هم الخضر (ع)، وإيليا (ع) (إلياس)، وعيسى (ع)، واليماني.

او، همان دروازه‌ی آل محمد(ع) همان طور که در روایت از امام صادق(ع) نقل شده است، می باشد: «رکن یمانی دروازه‌ی ما است که از آن وارد بهشت می شوند و در آن رودی از بهشت وجود دارد که اعمال بندگان در آن انداخته می شود»^(۴) و امام مهدی(ع) چهار رکن دارد: خضر(ع)، ایلیا(ع) (الیاس)، عیسی(ع) و یمانی.

واليماني هو الحجر الذي في الركن اليماني في الكعبة المسّمى بالحجر الأسود (وكما ورد عنهم (ع) أنه ملك ابتلع كتاب العهد والميثاق)^(۵)، واليماني هو كتاب العهد والميثاق المأخوذ على بني

۱- بقره: ۲۴۹.

۲- غیبت نعمانی: ص ۳۱۶.

۳- جامع السعادات: ج ۳ ص ۳۱۴.

۴- جامع السعادات: ج ۳ ص ۳۱۴.

۵- عن بكير بن أعين، قال: سألت أبا عبد الله (ع): لأي علة وضع الله الحجر في الركن الذي هو فيه ولم يوضع في غيره، ولأي علة تقبل، ولأي علة أخرج من الجنة؟ ولأي علة وضع ميثاق العباد والعهد فيه ولم يوضع في غيره؟ وكيف السبب في ذلك؟ تخبرني جعلني الله فداك فإن تفكرني فيه لعجب، قال: فقال: (سألت وأعصمت في المسألة واستقصيت فأفهم الجواب وفرغ قلبك واصغ سمعك أخبرك إن شاء الله، إن الله تبارك وتعالى وضع الحجر الأسود وهي جوهرة أخرجت من الجنة إلى آدم، فوضعت في ذلك الركن لعله الميثاق وذلك أنه لما أخذ من بني آدم من ظهورهم ذريتهم حين أخذ الله عليهم الميثاق في ذلك المكان، وفي ذلك المكان ترائي لهم ومن ذلك المكان يهبط الطير على القائم (ع)، فأول من يبايعه ذلك الطائر وهو والله جبرئيل (ع)، وإلى ذلك المقام يسند القائم ظهره وهو الحجة والدليل على القائم وهو الشاهد لمن وافا [ه] في ذلك المكان والشاهد على من أدى إليه الميثاق والعهد الذي أخذ الله عز وجل على العباد. وأما القبلية والاستلام فلعله العهد وتجديداً لذلك العهد والميثاق وتجديداً للبيعة؛ ليؤدوا إليه العهد الذي أخذ الله عليهم في الميثاق، فباتوه في كل سنة ويؤدوا إليه ذلك العهد والأمانة اللذين أخذوا عليهم، ألا ترى أنك تقول: أمانتي أدبتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة، ووالله ما يؤدي ذلك أحد غير شيعتنا ولا حفظ ذلك العهد والميثاق أحد غير شيعتنا وإنهم ليأتوه فيعرفهم ويصدقهم ويأتيهم غيرهم فينكرهم ويكذبهم وذلك أنه لم يحفظ ذلك غيركم، فلكم والله يشهد وعليهم والله يشهد بالخفر والحدود والكفر، وهو الحجة البالغة من الله عليهم يوم القيامة يحيي وله لسان ناطق وعينان في صورته الأولى يعرفه الخلق ولا ينكره، يشهد لمن وافاه وجدد العهد والميثاق عنده، بحفظ العهد والميثاق وأداء الأمانة ويشهد على كل من أنكر وجحد ونسي الميثاق بالكفر والانكار. فأما علة ما أخرج الله من الجنة فهل تدري ما كان الحجر؟ قلت: لا، قال: كان ملكاً من عظماء الملائكة عند الله فلما أخذ الله من الملائكة الميثاق كان أول من آمن به، وأقر ذلك الملك فاتخذ الله أمةً على جميع خلقه فألقمه الميثاق وأودعه عنده واستعبد الخلق أن يجددوا عنده في كل سنة الاقرار بالميثاق والعهد الذي أخذ الله عز وجل عليهم، ثم جعله الله مع آدم في الجنة يذكره الميثاق ويجدد عنده الاقرار في كل سنة، فلما عصى آدم واخرج من الجنة أنساه الله العهد والميثاق الذي أخذ الله عليه وعلى ولده لمحمد (ص) ولوصيه (ع) وجعله تائهاً حيراناً، فلما تاب الله على آدم حول ذلك الملك في صورة درة بيضاء فرماه من الجنة إلى آدم (ع) وهو بأرض الهند، فلما نظر إليه أنس إليه وهو لا يعرفه بأكثر من أنه جوهرة، وأنطقه الله عز وجل فقال له: يا آدم أتعرفني؟ قال: لا، قال: أجل استحوذ عليك الشيطان

آدم و علی الأنبياء والمرسلين لنصرة قائم آل محمد (ع)، واليمني هو المهدي الأول المذكور في وصية رسول الله (ص)، واليمني هو النهر الذي يبتلي به أصحاب القائم (ع) ولكن هذه المرة من شرب منه فإنه مني ومن لم يشرب فليس مني، وهو السبعة والعشرون حرفاً من العلم التي تبت في الناس ولم تبت في الناس فيما سبق ولم يؤذن لهم بورودها فيما سبق.

يمانی، همان سنگی است که در رکن یمانی در کعبه وجود دارد و به حجر الاسود معروف است (همان طور که از ائمه (ع) روایت شده که او ملکی است که کتاب عهد و میثاق را بلعیده است)^(۱) و یمانی، کتاب عهد و

فأنساک ذکر ربك ثم تحول إلى صورته التي كان مع آدم في الجنة، فقال لآدم: أين العهد والميثاق؟ فوثب إليه آدم وذكر الميثاق وبكى وخضع له وقبله وجدد الإقرار بالعهد والميثاق، ثم حوله الله عز وجل إلى جوهرة الحجر درة بيضاء صافية تضيئ فحمله آدم (ع) على عاتقه إجلالاً له وتعظيماً، فكان إذا أعبأ حمله عنه جبرئيل (ع) حتى وافا به مكة فما زال يأنس به بمكة ويجدد الإقرار له كل يوم وليلة، ثم إن الله عز وجل لما بنى الكعبة وضع الحجر في ذلك المكان؛ لأنه تبارك وتعالى حين أخذ الميثاق من ولد آدم أخذ في ذلك المكان وفي ذلك المكان ألقم الملك الميثاق ولذلك وضع في ذلك الركن، ونحى آدم من مكان البيت إلى الصفا وحوا إلى المروة ووضع الحجر في ذلك الركن فلما نظر آدم من الصفا وقد وضع الحجر في الركن كبر الله وهلله ومجده فلذلك جرت السنة بالتكبير واستقبال الركن الذي فيه الحجر من الصفا، فإن الله أودعه الميثاق والعهد دون غيره من الملائكة؛ لأن الله عز وجل لما أخذ الميثاق له بالربوبية ولمحمد (ص) بالنبوة ولعلي (ع) بالوصية اصطكت فرائص الملائكة، فأول من أسرع إلى الإقرار ذلك الملك لم يكن فيهم أشد حبا لمحمد وآل محمد (ص) منه، ولذلك اختاره الله من بينهم وألقمه الميثاق وهو يجيئ يوم القيامة وله لسان ناطق وعين ناظرة يشهد لكل من وافاه إلى ذلك المكان وحفظ الميثاق) الكافي: ج ٤ ص ١٨٤، علل الشرائع: ج ٢ ص ٤٢٩ - ٤٣١. ولمعرفة المزيد راجع ما بينه السيد أحمد الحسن (ع) في آخر كتاب التوحيد: ص ١٤٢.

١ - از بکیر بن اعین روایت شده است که می‌گوید: از حضرت ابا عبد الله (ع) پرسیدم: برای چه خداوند حجر را در رکنی که فعلاً در آن است قرار داد نه در ارکان دیگر؟ و برای چه بوسیده می‌شود؟ و برای چه از بهشت خارج شد؟ و برای چه ميثاق و عهد بندگان در آن قرار داده شده است نه در جای دیگر؟ فدایت شوم از علت این موارد مرا با خبر کنید که سرگردان و متحیر می‌باشم؟ بکیر می‌گوید: امام (ع) فرمودند: «از مسأله‌ی بسیار مشکل و سختی پرسیدی و پی‌گیری نمودی. پس بدان و دلت را فارغ بدار و گوش فراده تا ان شاء الله تو را باخبر سازم. خداوند تبارک و تعالی حجر الاسود را که گوهری بود از بهشت بیرون آورد و نزد حضرت آدم (ع) قرار داد و در آن رکن قرار داده شد زیرا ميثاق و پیمان خلاق در آن بود. به این صورت که: زمانی که ذریه‌ی بنی آدم را از صلب آنها خارج نمود، خداوند در همین مکان از آنها عهد و پیمان را اخذ نمود و در این مکان ایشان را رؤیت کرد و نیز از همین مکان پرنده بر حضرت قائم (ع) فرود می‌آید و اولین نفری که با قائم بیعت می‌کند آن پرنده است که به خدا سوگند، همان جبرئیل (ع) می‌باشد. به همین مقام قائم (ع) تکیه می‌دهد در حالی که او دلیل و حجّتی است برای قائم و شاهی است برای کسی که عهدش را در آن مکان وفا می‌کند و شاهی است بر کسی که در آن مکان عهد و ميثاقی که خداوند عزّوجلّ از بندگان گرفته است را ادا می‌نماید. اما بوسیدن و لمس کردنش به جهت تجدید عهد و ميثاق است؛ تجدید پیمانی به جهت بازگرداندنش به او، پیمانی که خداوند در عالم ذر از آنها گرفته است. بنابراین در هر سال نزد حجر می‌آیند و آن عهد و پیمانی که از ایشان گرفته شده است را به او باز می‌گردانند؛ آیا توّجه نمی‌کنی که وقتی به حجر می‌رسی می‌گویی: امانتم را ادا کردم و ميثاقم را تجدید نمودم تا برابم شهادت دهی که به عهدم وفا نمودم؟ به خدا سوگند غیر از شیعیان ما احدی آن عهد را ادا نمی‌کند و غیر از ایشان هیچ کس آن عهد و ميثاق را نگه نداشته است. هرگاه شیعیان نزدش می‌آیند ایشان را می‌شناسد و تصدیقشان می‌کند و دیگران که به حضورش می‌رسند انکارشان کرده، تکذیبشان می‌نماید؛ به این جهت که غیر از شما شیعیان کسی آن امانت و عهد را حفظ و نگه‌داری نکرده است و به خدا سوگند که به نفع شما و علیه و به ضرر دیگران شهادت می‌دهد؛ یعنی شهادت می‌دهد که شما به عهد وفا کردید و غیر شما آن را نقض و انکار کردند و به آن کفر ورزیدند در حالی که شهادت حجر در روز قیامت حجّت بالغه‌ی خداوند بر آنان است. در روز قیامت حجر می‌آید در حالی که زبانی گویا و دو چشم دارد و این هیأت حجر همان صورت اولین او است که تمام خلائق او را با آن صورت می‌شناسند و انکارش نمی‌کنند. برای هر کسی که به آن وفا نماید و عهد و ميثاقی که نزد او است را با حفظ کردنش و ادای امانت به جا آورد، شهادت می‌دهد و علیه هر کسی که آن را انکار نماید و عناد ورزد و با کفر و انکار، ميثاق را فراموش نماید، شهادت می‌دهد. اما علت این که خداوند آن را از بهشت خارج نمود، آیا می‌دانی اصل حجر الاسود چیست؟ بکیر می‌گوید: عرضه داشتم: خیر. حضرت (ع) فرمودند: حجر، ملکی عظیم‌الشأن و از بزرگان ملائکه بود و وقتی خداوند از ملائکه ميثاق را اخذ نمود آن ملک اولین نفری از ملائکه بود که به آن ایمان آورد و اقرار نمود. بنابراین خداوند او را بر جمیع مخلوقاتش امین قرار داد و ميثاق خلاق را در او به رسم امانت قرار داد و از تمام مخلوقات اقرار گرفت که در هر سال نزد او ميثاق و عهدی که خداوند عزّوجلّ از آنها گرفته است را تجدید نمایند. سپس خداوند او را همنشین آدم (ع) در بهشت قرار داد تا وی را متذکر ميثاق مزبور نماید و نیز هر سال آدم (ع) نزد او به عهد و پیمان گرفته شده اقرار کند و آن را به این وسیله تجدید نماید. وقتی آدم

پیمانی است که از بنی آدم و انبیا و فرستادگان گرفته شده است، و یمانی همان مهدی اول ذکر شده در وصیت رسول خدا (ص) می باشد و یمانی همان رودی است که اصحاب قائم (ع) با آن آزموده می شوند، ولی این مرتبه هرکس که از آن بنوشد از من است و هر کس که از آن ننوشد، از من نخواهد بود؛ همان بیست و هفت حرف علم است که بین مردم منتشر می شود و پیشتر منتشر نشده و به آنها اجازه ی ورود به این علم داده نشده بود.

ج س ۲: أصحاب عقيدة فاسدة أو شبه فاسدة قبل أن يهتدوا إلى الحق.

جواب سؤال ۲: افرادی که عقیده ی فاسد یا نیمه فاسد داشتند؛ قبل از اینکه به حق هدایت شوند.

ج س ۳: علي ليس تذهب إته علي بن أبي طالب (ع)، فهو عند عامة المسلمين شيعة وسنة شخصية مقدسة، وحبّه إيمان وبغضه كفر ونفاق بحسب ما روى الشيعة والسنة عن رسول الله محمد (ص)^(۱).

(ع) عصیان نمود و از بهشت بیرون شد خداوند متعال آن عهد و پیمانی را که از او گرفته بود و همچنین برای فرزندانش بر محمد (ص) و وصیش (ع) گرفته بود از یادش برد و او را سرگردان و حیران نمود. هنگامی که خداوند توبه ی آدم (ع) را پذیرفت، آن ملک را به صورت مروارید سفیدی از بهشت به سوی آدم (ع) پرتاب نمود در حالی که او در سرزمین هند بود. هنگامی که نگاه آدم (ع) به او افتاد، با او انس گرفت ولی بیش از این که گوهری گران قدر است، شناختی نسبت به آن نداشت. خداوند عزوجل آن سنگ را به نطق آورد و گفت: ای آدم آیا مرا می شناسی؟ گفت: خیر! سنگ گفت: البته که مرا می شناسی منتهی شیطان بر تو غالب شد و پروردگارت را از یادت برد. سپس به همان صورتی که در بهشت با آدم بود درآمد و به او گفت: کجا رفت آن عهد و میثاق؟ آدم به سوی او پرید و میثاق به یادش آمد و گریست و برای سنگ خضوع و خشوع نمود و آن را بوسید و اقرار به عهد و میثاق را نزد او تجدید کرد. سپس خداوند او را به گوهری سفید و شفاف و نورانی و درخشنده تبدیل فرمود. آدم (ع) با عزت و احترام آن را بر دوش خود گرفت و حمل نمود و هرگاه خسته می شد جبرئیل (ع) آن را از آدم می گرفت و با خود حمل می کرد و به همین منوال می رفتند تا به مکه رسیدند. آدم (ع) در مکه پیوسته با آن مانوس بود و روز و شب میثاق و عهد را با اقرار برای او، تجدید می نمود. سپس خداوند عزوجل وقتی کعبه را بنا نمود، سنگ را در آن مکان قرار داد چرا که وقتی خداوند تبارک و تعالی از فرزندان آدم عهد و میثاق گرفت، در آن مکان اخذ نمود و در آن مکان آن ملک میثاق را در خود فرو برد؛ به همین علت خداوند حجر را در آن رکن قرار داد. سپس خداوند آدم را از جای بیت به طرف صفا و حوا را به جانب مروه راند و سنگ را در آن رکن قرار داد. وقتی آدم از صفا چشمش به حجر افتاد که در رکن نصب شده بود، الله اکبر و لا اله الا الله گفت و خدا را تمجید و تعظیم نمود به همین علت سنت است که در هنگام روبرو شدن با رکنی که حجر در آن است، از صفا تکبیر بگویند. خداوند عهد و میثاق را در او به ودیعه نهاد نه در هیچ ملک دیگری؛ چرا که وقتی خداوند عزوجل بر ربوبیت خودش و بر پیامبری حضرت محمد (ص) و بر وصایت امیر المؤمنین (ع) پیمان گرفت، پشت ملائکه لرزید در حالی که آن ملک اولین کسی بود که به اقرار شتاب نمود و در بین ایشان، دوست دارتر از او نسبت به محمد و آل محمد (ع) وجود نداشت. از این رو خداوند او را از بین ایشان اختیار فرمود و میثاق را در او قرار داد. او روز قیامت می آید در حالی که زبانی گویا و چشم بینا دارد و برای هر کسی که در آن مکان عهد خود را وفا کند و میثاقش را حفظ نماید، شهادت خواهد داد». کافی: ج ۴ ص ۱۸۴؛ علل الشرایع: ج ۲ ص ۴۲۹ تا ۴۳۱، و برای کسب اطلاعات بیشتر به آنچه سید احمد الحسن (ع) در انتهای کتاب تفسیر سوره ی توحید صفحه ی ۱۴۲ به نگارش درآورده است، رجوع نمایید.

^۱ - روی القندوزی عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن جده أمير المؤمنين علي (ع)، قال: قال رسول الله (ص): (إن الله قد فرض عليكم طاعتي، ونهاكم عن معصيتي، وفرض عليكم طاعة علي بعدني ونهاكم عن معصيته، وهو وصيي ووارثي، وهو مني وأنا منه، حبه إيمان وبغضه كفر، محبه محبي، ومبغضه مبغضي، وهو مولى من أنا مولاه، وأنا مولى كل مسلم ومسلمة وأنا وهو أبو هذه الأمة) ينابيع المودة لذوي القربى: ج ۱ ص ۳۶۹.

جواب سؤال ۳: در اینجا منظور از علی، علی بن ابی طالب (ع) نیست؛ چرا که او در بین عموم مسلمان چه شیعه و چه سنی شخصیتی مقدس به شمار می‌آید و طبق آنچه شیعه و سنی از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند، دوست داشتن وی، ایمان و دشمنی با وی، کفر و نفاق محسوب می‌گردد^(۱).

بل علي الذي يبرأ منه القوم، هو شخص يمثل علي بن أبي طالب (ع) في زمن ظهور الإمام المهدي (ع)، وفي سنين إرهابات الظهور بالخصوص.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

آن علی که مردم از او برائت خواهند جست شخصی است که بیانگر و تمثیلی از شخصیت علی ابن ابی طالب (ع) در زمان ظهور امام مهدی (ع) می‌باشد؛ به ویژه هنگامی که علایم ظهور مهدی (ع) آشکار می‌شود.

احمد الحسن - جمادى الاول ١٤٢٦ هـ ق



پرسش ۴۱: عمل با احتیاط به رساله‌های سه‌گانه

السؤال / ٤١: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (عج)، يدور في الآونة الأخيرة إشكال في الشارع الشيعي، وهو من المعروف أنّ الإمام عندما يظهر أو يظهر من ينوب عنه تكون كافة الأحكام صادرة من الجهة المقدسة، وهذا يخالف ما صدر منكم من العمل بالاحتياط بثلاث رسائل عملية، وهي (السيد الصدر الأول والسيد الصدر الثاني والسيد الخميني)، فما فائدة العمل

^۱ - قندوزی از علی بن حسین (ع) از پدرش (ع) از جدش امیر المومنین (ع) روایت می‌کند که رسول خدا فرمود: «خداوند اطاعت از من را بر شما واجب گردانیده و نافرمانی از من را نهی فرموده است و پس از من، اطاعت از علی را بر شما واجب و نافرمانی از وی را نهی نموده است. او، وصی و وارث من است. او از من است و من از اویم؛ دوستی با او، ایمان و دشمنی با وی، کفر محسوب می‌شود. دوست دار او، دوست‌دار من و دشمن او، دشمن من است. او مولای کسی است که من مولای اویم و من مولای تمام مردان و زنان مسلمان هستم و من و او، پدران این امت می‌باشیم». ینابیع المودة لذوی القربى: ج ۱ ص ۳۶۹.

بالاحتياط ؟ ومن المعروف أنّ أغلب الرسائل تحتوي على الأحكام الظنية، فإن أصاب لم يؤجر وإن أخطأ آثم، مع بالغ أسفي إذا أخطأت الكلام أو التعبير.
ولكم جزيل الشكر.

سيد ضياء - ٢٦ / ربيع الثاني / ١٤٢٦ هـ . ق

بسم الله الرحمن الرحيم

وصى و فرستاده‌ی امام مهدی (ع)، سيد احمد الحسن، اخيراً اشكالى در تشريع شيعه به نظر می‌رسد به اين صورت که آن گونه که در میان شیعیان معروف است، در زمان ظهور امام (ع) یا ظهور نایب خاصّ وی، همه‌ی احکام از ناحیه‌ی مقدّسه صادر می‌گردد. این موضوع در تضاد با چیزی است که از شما صادر شده؛ عمل با احتیاط به رساله‌های شرعی سه‌گانه‌ی سيد صدر اوّل، سيد صدر دوّم و سيد خمینی! فایده‌ی عمل با احتیاط چیست؟ می‌دانیم که بیشتر رساله‌ها شامل احکام ظنّی است؛ که اگر حکمش درست باشد پاداش ندارد و اگر حکمش درست نباشد گناه محسوب می‌گردد. اگر در سخن به بی‌راهه رفتیم یا کلام نابه‌جایی گفتیم، بسیار متاسف می‌باشم.

سيد ضياء - ٢٦ ربيع الثاني ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين
لك أن تسأل عن أي حكم شرعي، وعليّ أن أوصل لك الجواب.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

شما در مورد هر حکم شرعی که سؤال داری بی‌پرس من جواب را به شما می‌رسانم.

احمد الحسن - جمادى الأول ١٤٢٦ هـ ق



پرسش ۴۲: آل فلان در صیحه‌ی جبرئیل (ع) چه کسانی هستند؟

السؤال / ۴۲: بسم الله الرحمن الرحيم

ورد في روايات أهل العصمة عن صيحة جبرائيل (ع) ما معناه: أنّ الحق مع آل فلان. من هم آل فلان؟

علاء رزاق - ۲۷ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

بسم الله الرحمن الرحيم

در روایت اهل عصمت و طهارت (ع) آمده است که جبرئیل (ع) فریاد می‌زند حق با آل فلان است؛ آل فلان چه کسانی هستند؟

علاء رزاق - ۲۷ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

إنّ الحق مع آل الإمام المهدي (ع)، وهم بقية آل محمد (ع) وهم المهديون الاثنا عشر.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

به درستی که حق با آل امام مهدی (ع) است و ایشان باقی مانده‌ی آل محمد (ع) و ایشان، مهدیون دوازده‌گانه می‌باشند.

والحق مع اليماني وأصحابه، وهم اليمانيون الثلاث مائة وثلاثة عشر ومن يتبعهم، أمّا أهل

الباطل فهم كثيرون منهم السفیاني وآل السفیاني.

حق با یمانی و یاران‌ش است؛ آنها یمانی‌های سیصد و سیزده‌گانه و هر کس که از آنها پیروی کند، می‌باشند.

اما اهل باطل بسیارند؛ از جمله سفیانی و آل سفیانی.

والتفت إلى أنّ أبا سفيان كان من ولد أمية وهو أخو هاشم جدّ النبي محمد (ص) وكلاهما أي أمية وهاشم من ولد إبراهيم (ع).

توجه داشته باشید که ابوسفیان از فرزندان امیّه است و او، برادر هاشم، جدّ حضرت محمد (ص) می باشد؛ بنابراین هر دو آنها یعنی امیّه و هاشم از فرزندان ابراهیم (ع) می باشند.

فكذلك لآخر الزمان أبو سفيان ومحمد وكلاهما.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

در آخرالزمان نیز چنین است؛ ابوسفیان، محمد و هردوی آنها.

احمد الحسن - جمادى الاول ١٤٢٦ هـ ق



پرسش ٤٣: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی.

السؤال / ٤٣: السلام عليكم

أرجو منكم الإجابة على سؤالي لأنكم أكثر علماً بأمور الدين، تقدّم إلى خطبتي رجل مسيحي (كاثوليكي) وأنا وافقت؛ لأنه إنسان صادق ومؤمن بالله ومخلص، لكنني أود أن أستشير حضرتكم، هل يجوز الزواج به؟ وهل الزواج به حلال أم حرام عند الله؟ أنا أسأل هذا السؤال لأنني مسلمة، أرجو منك الإجابة على سؤالي لأنني حائرة في أمري (فالبعض يقول حلال والبعض يقول حرام والآن أنا ألبأ لك)، شكراً.

هبة من الأردن - مسلمة، العمر ٢١ سنة - ٢٩ / ربيع الثاني / ١٤٢٦ هـ . ق

سلام عليكم.

امیدارم به سؤال من پاسخ دهید؛ چرا که شما نسبت به امور دینی عالمترین هستی. یک مرد مسیحی (کاتولیک) به خواستگاری من آمد و از آنجا که انسان صادق و مؤمن به خدا و مخلصی بود قبول کردم؛ ولی

مایلم با شما مشورت کنم که ازدواج با وی جایز است؟ آیا ازدواج به او حلال است یا حرام؟ این سؤال را می‌پرسم چون من یک زن مسلمان هستم. خواهش می‌کنم به این سؤال من پاسخ دهید؛ حیران مانده‌ام (بعضی می‌گویند حلال است و بعضی می‌گویند حرام، و اکنون به شما پناه آورده‌ام). با تشکر.

هبة از اردن - مسلمان ۲۱ ساله - ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

إذا كنت مسلمة فلا يجوز أن تتزوجي بغير مسلم.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

اگر مسلمان هستی، جایز نیست با غیر مسلمان ازدواج کنی.

احمد الحسن - جمادى الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۴: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل می‌دانید؟

السؤال / ۴۴: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

عندي سؤال أود أن أطرحه على السيد أحمد الحسن.

نُقِلَ عنكم إنكم تبطلون مرجعية العلماء، إذن كيف للمكلف معرفة أحكام دينه؟ وإن قيل خذوا بأقوالهم ولا تأخذوا بأفعالهم فهذا تناقض، حيث كيف أخذ بقول شخص مطعون في ثقته وعدالته، هل يصح أن أتعلم الاستقامة من شخص غير مستقيم مثلاً؟ أرجو الإجابة على هذا السؤال مع الشكر.

أبو صالح - ۲۹ / ربیع الثانی / ۱۴۲۶ هـ . ق

سلام عليكم ورحمة الله و بركاته

سؤالی دارم که مایلیم برای سید احمد الحسن مطرح کنم.

از شما نقل شده است که شما مرجعیتِ علما را باطل می‌دانید؛ پس شخص مکلف چطور می‌تواند احکام دینی را دریابد؟ اگر گفته شود گفتارشان را قبول کنید ولی کردارشان را نه، این نوعی تناقض است؛ چرا که چطور می‌توانم گفتار شخصی که از نظر اعتبار و عدالت محل تردید است را قبول کنم؟ آیا درست است از کسی که راه مستقیم را نمی‌شناسد، راه رفتن بیاموزم؟ امیدوارم به این سؤال پاسخ گوئید. با تشکر.

ابو صالح - ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

لك أن تسأل عن الأحكام الشرعية، وعليّ أن أوصل لك الجواب.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

شما در مورد هر حکم شرعی که سؤالی دارید بپرسید، من جواب را به شما می‌رسانم.

احمد الحسن - جمادى الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۵: تهدید حمد آل ملحان

السؤال / ۴۵: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خاتم

الأنبياء والمرسلين محمد بن عبد الله عليه أفضل الصلاة وأتم التسليم. أما بعد:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين محمد بن

عبد الله عليه أفضل الصلاة وأتم التسليم.... اما بعد :

إلى مدعي رؤية المهدي المنتظر الذي علمه عند الله سبحانه وتعالى، ولم يظهر من الدلائل الواضحة والبراهين القاطعة ما يثبت ظهوره، خصوصاً ونحن في ثورة عظيمة من تقنية الاتصالات السلكية واللاسلكية والتقنية التسجيلية الحديثة، مما يخول لمن ادعى رؤيته أن يقوم بتسجيل الكلام معه بالصوت والصورة، أسألك بالله الذي خلق كل شيء ويسر كل أمر عسير أن تعود إلى رشدك، وتترك النفاق وبث الفتنة والتفرقة بين المسلمين، وعدم الإفتاء للضالين من الجن والأنس بجواز ضلالهم، والإدعاء بأنك شفيع لهم عند ظهور المهدي المنتظر الحقيقي.

به کسی که ادعای رویت مهدی منتظر که علمش نزد خداوند سبحان و متعال است را دارد؛ در حالی که هیچ دلیل واضح و آشکاری وجود ندارد که ظهور او را اثبات نماید. به ویژه که ما اکنون در انقلاب عصر ارتباطات سیمی و بی سیمی و تکنولوژی صوتی و تصویری مدرن زندگی می‌کنیم و این امکان برای کسی که ادعای ملاقات را می‌کند وجود دارد که به آسانی سخنان و یا تصویر ایشان را ضبط کند. از خداوندی که همه چیز را آفریده و هر مسأله‌ی دشواری را آسان نموده است می‌خواهم که تو را سر عقل بیاورد تا نفاق و گسترش فتنه و تفرقه بین مسلمانان و صدور فتواهای گمراه کننده‌ی انسان‌ها و جن‌ها را ترک گویی و ادعای اینکه شفیع آنها هنگام ظهور مهدی منتظر حقیقی خواهی بود را رها کنی.

هذا إنذارٌ لك وهو الإنذار الأخير، ولأن لم تنته عن إظهار الإيمان وإبطان الكفر فأقسم بالله الذي لا إله غيره أن أقتلك بسييفي، أيها المنافق بليغ اللسان مستخدم السحر في إغواء الناس.

این هشدارى بود برای تو و آخرین هشدار است؛ که اگر از این ادعایت مبنی بر ظاهر ساختن ایمان و باطل نمودن کفر دست برداری، به خداوند یکتا سوگند که من خودم با شمشیرم تو را خواهم کشت. ای منافق شیرین زبان که از سحر و جادو برای گمراه کردن مردم استفاده می‌کنی!

واعلم بأنّ مكانك معروف ومحدد من قبل أجهزتي الخاصة مهما حاولت التخفي، والله الهادي إلى سواء السبيل.

(السعودية) - المعتصم بحبل الله

حمد بن حسن بن زايد آل ملحان - ۳۰ / ربيع الثاني / ۱۴۲۶ هـ . ق

بدان که مکان سکونت تو به کمک دستگاه‌های مخصوص من شناسایی شده است؛ هرچند سعی کرده باشی که آن را مخفی نمایی! و خداوند هدایت کننده به راه مستقیم است.

عربستان سعودی - چنگ‌زننده به ریسمان الهی
حمد بن حسن بن زاید آل ملحان - ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

تدعي أنك معتصم بحبل الله، وحبل الله القرآن، وفي القرآن آية لو قرأتها لتأنت كثيراً، قال تعالى: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾^(١).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

ادعا می‌کنی که ریسمان الهی چنگ زده‌ای در حالی که ریسمان الهی قرآن است و در قرآن آیه‌ای وجود دارد که اگر آن را خوانده بودی بسیار به آن می‌اندیشی و تأمل می‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته و هنوز از تأویل آن بی‌خبر بودند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز (پیامبران را) چنین به دروغ نسبت دادند. پس بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است)^(۲).

فبأي حجة وبأي علم تتهمني بالكذب والنفاق!!؟

با کدام دلیل و با کدام برهان مرا متهم به دروغ و نفاق می‌کنی!!؟

وفي القرآن آية لو قرأتها لما أُرعدت وأقسمت وهددت، قال تعالى: ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ❖ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾^(۳).

^۱ - یونس: ۳۹.

^۲ - یونس: ۳۹.

^۳ - الحاقه: ۴۴ - ۴۶.

در قرآن آیه‌ای هست که اگر آن را خوانده بودی اینچنین خشمگین نمی‌شدی و قسم نمی‌خوردی و تهدید نمی‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: (اگر پاره‌ای سخنان را به افترا بر ما ببندد * با قدرت او را فرومی‌گیریم * سپس شاه‌رگ قلبش را پاره می‌کنیم)^(۱).

وقال الإمام الصادق (ع): (إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَدْعِيهِ غَيْرُ صَاحِبِهِ إِلَّا بِتَرِ اللَّهِ عَمْرَهُ)^(۲).

امام صادق (ع) فرموده است: «کسی جز صاحبش ادعای چنین امری را نمی‌کند مگر اینکه خداوند عمرش را کوتاه می‌کند»^(۳).

وفي القرآن آية لو قرأتها لما اتهمتني بالسحر، قال تعالى: ﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ﴾^(۴).

و در قرآن آیه‌ای هست که اگر آن را خوانده بودی مرا به سحر و جادو متهم نمی‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: (بدین سان بر آنهایی که پیش از این بودند فرستاده‌ای مبعوث نشد مگر آنکه گفتند: جادوگری است، یا دیوانه‌ای است)^(۵).

ثم أقول لك: إِنَّ مِثْلِي لَا يَخَافُ وَلَا يَطْمَعُ إِلَّا مِنَ اللَّهِ، وَبِاللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى. فلي بجدي رسول الله (ص) أسوة لما أراد كفار قريش قتله، ولي بجدي الحسين (ع) أسوة لما ذبح من الوريد إلى الوريد، وأخيراً لن أغلق الباب بوجهك، بل أدعوك لتتضرع إلى الله وتسأله معرفة ما اختلف فيه من الحق، ومعرفة حقيقة أمري من عالم السر وأخفى سبحانه وتعالى، وادعُ بهذا الدعاء (الدعاء الخاص بالرؤيا المذكور فيما سبق في جواب: س ۱۴).

أحمد الحسن - جمادي الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

۱ - حاقه: ۴۴ تا ۴۶.

۲ - الكافي: ج ۱ ص ۳۷۳، الإمامة والتنصرة: ص ۱۳۶، ثواب الأعمال: ص ۲۱۴.

۳ - كافي: ج ۱ ص ۳۷۳؛ امامت و تبصره: ص ۱۳۶؛ ثواب الاعمال: ص ۲۱۴.

۴ - الذاریات: ۵۲.

۵ - ذاریات: ۵۲.

حال به تو می گویم: کسی چون من، جز از خدا از کسی نمی ترسد و به کسی جز از سوی خدا و جز به خداوند سبحان و متعال، امید ندارد. الگوی من، جدّم رسول خدا(ص) است، آن هنگام که کفّار خواستند او را بکشند و الگوی من، جدم حسین(ع) است زمانی که گردن مبارک وی را بریدند. در انتها، در را به روی تو نمی بندم بلکه تو را دعوت می کنم به اینکه به درگاه خداوند گریه و زاری کنی و شناخت حقانیت مرا از او سبحان و متعال که عالم به اسرار و ناپیدا است، طلب نمایی. این گونه دعا کن: (دعای مخصوص رویا در پاسخ سؤال ۱۴ آمده است).

احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق



پرسش ۴۶: اگر مرا شفا دهی، خدمت خواهم شد.

السؤال / ٤٦: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسن، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سيدي الفاضل لا أعرف كيف أبدأ، ولكن تعودت الحديث معك بصراحة.

ذكرت القضية التي جئت بها إلى صديق لي وعزيز على قلبي، وإنك تستطيع فعل المعاجز التي جاء بها الأنبياء، وهو طبعاً (أي صديقي) معوق منذ الصغر، فهو يعاني من شلل الأطفال من أكثر من ٣٠ سنة تقريباً، وهو على درجة لا بأس بها من الثقافة والوعي الديني، علماً إن عوقه جاء نتيجة لزرق إبرة بالخطأ مما سببت في شلله وهو بعد طفل رضيع، المهم عندما سمع بك انفرجت له بوارق الأمل في الله تعالى، وقال له والده وأكثر أهل بيته أنه إذا استطاع أحمد الحسن أن يشفيك فكلنا سنكون خدم له ومطيعين، وذلك لأن الطب آيس من يده، وقالوا ليس له أي علاج، وأنا طبعاً بدوري لي أشخاص من الوسط الديني لا بأس به، ولي علاقات أشبه بالكثيرة قلنا له بأن يدك إذا شفيت على يد السيد الحسن كلنا سنؤمن معك وندخل في القضية ونكون من الأنصار الذين يختارهم الإمام المعصوم. فما هو جوابك سيدي، أفتونا مأجورين.

وجزاك الله خير جزاء المحسنين.

أبو مريم حيدر/ البصرة - ٣٠/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

بسم الله الرحمن الرحيم

سید احمد الحسن.... سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سید گران‌قدرم، نمی‌دانم چطور شروع کنم ولی عادت کرده‌ام با شما صریح صحبت کنم.

داستان شما را برای یکی از دوستان عزیز و گرامی‌ام تعریف کردم و به وی گفتم معجزه‌هایی که پیامبران آورده‌اند، شما هم می‌توانی انجام دهی. دوست من سی سال سن دارد و از کودکی زمین‌گیر بوده است و از فلج اطفال رنج می‌برد. وی از فرهنگ و آگاهی دینی نسبتاً خوبی برخوردار است. او از وقتی که کودک شیر خواره بود، به دلیل تزریق اشتباه آمپول، فلج شد. مهم این است که وقتی ندای شما را شنید در وی نور امیدی از سوی خداوند متعال زنده شد و پدر و مادرش و بیشتر خانواده‌اش به وی گفتند اگر سید احمد الحسن بتواند تو را شفا دهد، خادم و مطیع وی خواهیم بود؛ زیرا در مورد وی کاری از دست پزشکان بر نمی‌آید و به وی گفتند که هیچ درمانی ندارد. طبیعتاً بر من نیز به عنوان یک فرد با سواد متوسط دینی وظیفه‌ای نهاده شده است و من علاقه‌مند به کثرت (و زیاد شدن مومنین) هستم بنابراین همگی ما به او گفتیم اگر سید احمد الحسن تو را شفا دهد ما نیز همراه تو به وی ایمان خواهیم آورد و از انصار انتخاب شده‌ی امام معصوم خواهیم شد. مولای من، جوابتان چیست؟ لطفاً ما را بهره‌مند گردانید.

خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید!

ابو مریم - حیدر / بصره - ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن، الرحيم والحمد لله رب العالمين

الأخ أبو مریم، الإیمان لا یمکن أن یكون بالإلجاء، حیث ینتفی سبب مجئنا إلى هذا العالم الجسماني، وهو الامتحان والتمحيص. ولو أنّ کل نبی دار یشفی المرضى ویحیی الموتی ولم یکن هنالك مجال للبس، لصدقه الناس کلهم، ولكن تصدیقهم قهري ألجئوا إلیه، فعیسی (ع) شافی وأحیی بعض من آمن به، لتكون آیة یزداد بها المؤمنون یقیناً، ولم تزد الکافرين إلا کفراً وتعنناً وتکذیباً له، ولمن حصلت معه تلك الآیات. فاسأل نفسك، ولیسأل نفسه هذا الشخص، هل هو یرید إتباع الحق، أم أنه یرید أن یشفی؟! فإذا کان یرید اتباع الحق وهو واعٍ - كما تقول - فیکفیه آخر بیان صدر وهو بیان الیماني^(۱)، ویکفیه آلاف الرؤی التي رآها عدد کبیر من الناس، ویکفیه شفاء المرضى من الأنصار، بعضهم مصاب بمرض السرطان وحاله میئوس منه، وهو

^۱ - وهو البیان الصادر بتاريخ: ۲۱ / ربیع الثانی / ۱۴۲۶ هـ ق، وهو عبارة عن سؤال لبیان حدود شخصية الیماني (ع)، وتجدده فی المتشابهات: الجزء الرابع.

موجود الآن وتقاريره المرضية موجودة، وهو يشهد أمام الله أنه شفي بسبب إيمانه بهذه الدعوة الحقة^(١).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

برادر ابو مریم، ایمان با جبر حاصل نمی‌شود؛ چرا که در این صورت علت آمدنمان به این عالم جسمانی که همان امتحان و آزمایش می‌باشد، منتفی می‌گردد. اگر همه‌ی پیامبران مریضان را شفا می‌دادند و مرده‌ها را زنده می‌کردند دیگر جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند تا مردم به درستی‌شان ایمان بیاورند و در این صورت، تایید و تصدیق مردم از روی جبر و قهری می‌شد. عیسی (ع) برخی از کسانی که به وی ایمان آورده بودند را شفا داد و زنده کرد تا نشانه‌ای باشد و به یقین مؤمنان بیفزاید؛ ولی برای کافران جز به کفر و تکذیب و آزار و اذیت او و کسانی که آن نشانه‌ها برایشان حاصل شده بود، نیفزود. تو از خودت پیرس و آن شخص (مریض) نیز از خودش پیرس آیا می‌خواهد از حقیقت پیروی کند یا می‌خواهد شفا یابد؟! اگر می‌خواهد از حقیقت پیروی کند و آن طور که می‌گویی شخص مطلعی است، آخرین بیانیه‌ی صادر شده که بیانیه‌ی یمانی است، او را کفایت می‌کند^(٢). همچنین هزاران رؤیا که تعداد زیادی از مردم دیده‌اند برای وی کافی است، و نیز شفای مریضان انصار که یکی از آنها قبلاً به سرطان مبتلا شده بود و حال وی نیز از این بیمار ناامیدکننده‌تر بود؛ این شخص اکنون زنده است و پرونده‌های پزشکی وی نیز موجود می‌باشد و او در حضور خداوند گواهی می‌دهد که به سبب ایمان به این دعوت حق، شفا یافته است^(٣).

ویوجد أحد الأنصار مصاب بشلل الأطفال، وهو معاق الآن ومؤمن بالدعوة منذ عهد الطاغية صدام، ومتفان ومخلص ويجاهد في هذه الدعوة بماله وبجسده المعاق، وبكل ما يستطيع وهو على يقين كامل، ولم أسمع منه في يوم أنه يريد الشفاء جزاء على أتعابه.

وأنتم تريدون الجزاء في هذه الحياة الدنيا وحتى قبل العمل وقبل الإيمان.

أحمد الحسن - جمادي الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

^١ - راجع کتاب کرامات و غیبیات أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)، فقد ذكر فيه غيض من فيض تلك الكرامات التي من الله بها على أنصار الإمام أحمد الحسن روجي فداه.

^٢ - بیانیه‌ی صادر شده در تاریخ ٢١ ربيع الثاني ١٣٢٦ هـ ق که عبارت است از سؤالی برای بیان حدود شخصیت یمانی (ع) و می‌توانید آن را در کتاب متشابهات جلد چهارم مطالعه نمایید.

^٣ - به کتاب کرامات و غیبیات از انتشارات انصار امام مهدی (ع) مراجعه نماید که در آن فیوضات کرامات بسیاری که خداوند به انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد، منت نهاده است، به نگارش درآمده است.

یکی از انصار هست که به فلج اطفال دچار می‌باشد و او اکنون زمین‌گیر است ولی از زمان رژیم صدام به این دعوت ایمان آورده و در راه این دعوت با مال و بدن بیمارش با اخلاص، تلاش و کوشش می‌کند و همچنین با هر چیزی که بتواند به این دعوت کمکی برساند و یقین کامل دارد ولی حتی یک بار هم از او نشنیده‌ام که در عوض پیروی‌اش از دعوت، تقاضای شفا نماید؛ در حالی که شما در این دنیا، حتی قبل از اینکه عملی انجام دهید و ایمان بیاورید، تقاضای پاداش می‌کنید!

احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق



پرسش ۴۷: بیست سؤال متنوع

السؤال / ۴۷: بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة السيد أحمد الحسن .. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أوجه لك احترامي وشكري على أجابتك شخصياً على سؤال بعثته لك سابقاً، وأنا أعمل إن شاء الله على ذلك وإذا لم تمنع سابقى على مراسلتك إن لم يعيقك ذلك ، وأنا لك من المتابعين.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب سيد احمد الحسن.... سلام عليكم ورحمة الله وبركاته

از اینکه شخص جنابعالی به سؤالی که بیشتر فرستاده بودم جواب دادید، از شما تشکر می‌کنم و انشاء الله که به آن عمل خواهم نمود. اگر مانعی وجود نداشته باشد و باعث خستگی و ناراحتی شما نشود، مکاتبه با شما را ادامه خواهم داد. من از پیروان شما هستم.

عندي أسئلة أرجو من جنابكم المحترم أن تتفضل مشكوراً بالإجابة شخصياً عليها، حتى وان كانت تافهة طالباً بذلك تبيان الحق والحقيقة، ولعلمي إنك تجيب على كل سؤال في القرآن والتوراة والإنجيل، حسب تصريحك التي أقرأ وأسمع عنها:

سؤال‌هایی دارم که مایلیم از حضرت عالی بپرسم و امیدوارم لطف بفرمایید و شخصاً به آنها پاسخ دهید؛ اگرچه سؤال‌های بیهوده‌ای هستند ولی به جهت طلب حق و حقیقت پرسیده می‌شوند و می‌دانم که شما به هر سؤال‌ی از قرآن و تورات و انجیل، طبق اظهارت صریحی که از شما خوانده و شنیده‌ام، پاسخ می‌دهید.

س١: هل بالإمكان معرفة تفاصيل حياتك قبل أن تكلف بهذا الأمر، وإذا تفضلت مشكوراً فبالتفصيل الممل لطفاً لطفاً لطفاً.

سؤال ١: آیا ممکن است جزئیات زندگیتان را قبل از اینکه به این مهم مکلف شوید، بیان فرمایید؟ اگر لطف بفرمایید و با تفصیل بیان نمایید، لطفاً لطفاً لطفاً.

س٢: متى تركت الدراسة الحوزوية؟ وهل حالياً أنت معمم أم لا؟

سؤال ٢: چه زمان دروس حوزه را ترک کردید؟ آیا شما در حال حاضر معمم هستید یا خیر؟

س٣: أين درست في الحوزة العلمية؟ ومن هم أساتذتك (في حينها)؟

سؤال ٣: در کدام حوزه‌ی علمیه درس خوانده‌اید؟ و استادهای شما در آن زمان چه کسانی بودند؟

س٤: كم هو عمرك حالياً؟ (أي بالميلادي).

سؤال ٤: در حال حاضر چند سال دارید؟ (به میلادی)

س٥: أين كنت من هذه الدعوة في زمن الطاغية هدام؟ ولماذا الآن أعلنت بها؟

سؤال ٥: این دعوت در زمان صدام طغیانگر چه وضعیتی داشت؟ و چرا الآن آن را آشکار کردید؟

س٦: هل صحيح أن يمد الله في عمرك حتى بعد موت الإمام المهدي (عج) وتحكم من بعده؟

سؤال ٦: آیا درست است که خداوند بعد از رحلت امام مهدی (ع) به شما عمر خواهد داد و بعد از وی، حکومت را به دست خواهید گرفت؟

س ۷: ما هو رأيك بالموسوعة المهداوية، للسيد محمد محمد صادق الصدر؟

سؤال ۷: نظرتان درباره‌ی دایرت المعارف مهدویت که سید محمد صادق صدر تألیف کرده‌اند، چیست؟

س ۸: هل معك أجداد في عمرک من الإمام المهدي أصغر أو أكبر منك سنًا؟

سؤال ۸: آیا اجدادی در زندگیتان از امام مهدی (ع) که از لحاظ سنی کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از شما باشند، دارید؟

س ۹: هل إنَّ الإمام المهدي (عج) جدك الخامس كما يدعون أنصارك؟

سؤال ۹: آیا آن گونه که انصار شما ادعا می‌کنند، امام مهدی (ع) جد پنجم شما است؟

س ۱۰: هل الإمام المهدي (عج) ما زال ينجب الأطفال (ذكور وإناث) وكم يصبح عددهم؟

سؤال ۱۰: آیا امام مهدی (ع) همچنان فرزندان به دنیا می‌آورند (مذکر یا مؤنث) و تعداد آنها چند تا است؟

س ۱۱: حسب تقديرك وقربك من الإمام ما هو زمن أو تاريخ ظهور الحجة (عج) ولو تقديراً؟

سؤال ۱۱: به نظر شما و به دلیل نزدیکی شما به امام، تاریخ تقریبی ظهور حجت (ع) چه وقت می‌باشد؟

س ۱۲: هل الإمام المهدي (عج) متزوج أكثر من امرأة، أم هي نفسها امرأة واحدة باقى عليها، وإذا

كان متزوج أكثر من واحدة فهل يعرفن أنه الإمام نفسه، أم أنه شخص عادي؟

سؤال ۱۲: آیا امام مهدی (ع) با بیش از یک زن ازدواج کرده یا فقط یک همسر داشته است؟ و اگر با بیش

از یک زن ازدواج کرده آیا زنان وی می‌دانند که وی، امام است یا فکر می‌کنند وی فردی عادی است؟

س ۱۳: هل سافرت إلى أوروبا أو أفريقيا أو أميركا لبيان حقيقة دعوتك أو أمر المهدي المنتظر

(عج)؟

سؤال ١٣: آیا به اروپا، آفریقا یا آمریکا برای بیان حقیقت دعوت خود یا مسأله‌ی مهدی منتظر (ع) مسافرتی داشته‌اید؟

س١٤: هل يوجد من ذرية الإمام المهدي (عج) من هو فاسق أو خارج عن الشريعة (أجلهم الله جميعاً)؟

سؤال ١٤: آیا از نسل امام مهدی (ع) (که خداوند عمر همه‌شان را طولانی فرماید) کسی هست که فاسق یا خارج از شریعت باشد؟

س١٥: هل إقامة الإمام المهدي خلال فترة الغيبة الكبرى في مكان واحد، أم عدّة أمكنه؟

سؤال ١٥: آیا امام مهدی (ع) در طول غیبت کبری در یک مکان اقامت داشته‌اند یا در چند مکان؟

س١٦: ما هو تكليف الإمام المهدي خلال هذه الفترة التي يرى فيها القتل والدمار؟

سؤال ١٦: تکلیف امام مهدی (ع) در این زمان که قتل و خون‌ریزی می‌بیند، چیست؟

س١٧: هل صحيح إنك تعرف بالغيبات كقولك لأنصارك أنك سوف تتعرض للسجن وأمثال ذلك كثير؟

سؤال ١٧: آیا درست است که شما غیب می‌دانید مانند این گفته‌ی شما به انصارتان که به زندان خواهید افتاد و موارد دیگر؟

س١٨: لقاءك بالإمام المعصوم هل يتم بطلب منه، أم أنك تستطيع أن تراه بأي لحظة ومتى شئت، أليس أنت ابنه؟

سؤال ١٨: آیا دیدار شما با امام معصوم با خواست وی قابل انجام است؟ یا هر وقت و هر لحظه که شما بخواهید می‌توانید او را ببینید؟ مگر شما فرزند وی نیستید؟!

س ۱۹: ما هو أقرب الطريق الموصل إلى الله تعالى؟

سؤال ۱۹: نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند متعال چیست؟

س ۲۰: ما هي نصيحتك لي، أرجو أن لا تبخل عليّ، فأنا وأمثالي من الذين ران الله على قلوبهم، ولكن نطلب رحمة الله تعالى.

سؤال ۲۰: نصیحت شما برای من چیست؟ امیدوارم که در نصیحت بر من بخل نورزید! من و افرادی مانند من از کسانی هستیم که خداوند بر قلب‌شان حجاب افکنده است ولی رحمت خداوند متعال را خواستاریم.

سيدي الفاضل، الهدف من الأسئلة ليس اختبار أو انتقاص (والله على ما أقوله شهيد)، ولكن أسئلة كنا نتداولها نحن الشباب فيما بيننا عندما جاء ذكرك والقضية التي تحملها، هذا كل ما في الأمر.

سرور بزرگوار، هدف از طرح این سؤال‌ها آزمایش یا منکوب کردن شما نیست و خداوند بر آنچه می‌گوییم گواه است؛ سؤال‌هایی است که هر بار که یاد شما و قضیه‌ی شما به میان می‌آید، بین ما جوان‌ها پرسیده می‌شود؛ فقط همین.

أنا شاكر لك سعة صدرك وطول أناتك على تقبل الأسئلة، أيدك الله بنصره إن كنت من الصادقين. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أبو مريم من البصرة

از شما برای سعه‌ی صدرتان و تحملتان در قبول کردن سؤال‌ها، سپاس گزارم. خداوند شما را با یاری‌اش، یاری فرماید که از راست‌گویان می‌باشی. والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته.

ابو مريم از بصره

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

ج س ۱: موجود في الموقع.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
جواب سؤال ١: در سایت موجود است.

ج س ٢، ٣: أنا وأعوذ بالله من الأنا في بداية دخولي إلى الحوزة تقريباً التقيت بالإمام المهدي (ع) وبدأت أتعلم منه، ولم أهتم للسفسطة اليونانية الموجودة في الحوزة.

جواب سؤال ٢ و ٣: من و پناه می برم به خدا از منیت، در ابتدای ورودم به حوزه با امام مهدی (ع) ملاقات کردم و شروع به علم آموزی از ایشان نمودم و به سفسطه گری های یونانی که در حوزه وجود دارد، توجهی نمی کردم.

ج س ٤: (٣٥) عاماً تقريباً.

جواب سؤال ٤: تقريباً ٣٥ سال.

ج س ٥: الدعوة موجودة في زمن الطاغية وعلنية، وطلبت من الناس البيعة، وباع كثير من الناس في محافظات شتى، في بغداد والنجف و كربلاء والناصرية والبصرة والعمارة وبعض الأفضية، وحاول الطاغية صدام اعتقالي في حينها وأنجاني الله، وهذا الأمر بحد ذاته معجزة إن كنتم تعقلون، وكثير من الناس الذين بايعوا في زمن الطاغية موجودون الآن، وهم من الأنصار ويمكنك سؤالهم ومعرفة التفصيل منهم.

جواب سؤال ٥: این دعوت در زمان رژیم صدام به صورت آشکار وجود داشت و از مردم بیعت خواستم و بسیاری از مردم در استان های مختلف مثل بغداد، نجف، کربلا، ناصریه، بصره، عماره و برخی شهرستان ها با من بیعت کردند. صدام طغیانگر در آن موقع اقدام به دستگیری من نمود که خداوند مرا نجات داد و این مورد در جای خودش، معجزه است، اگر که بیندیشید. بسیاری از کسانی که در زمان صدام با من بیعت کردند، اکنون وجود دارند و از انصار می باشند و شما می توانید از ایشان سؤال کنی و جزئیات را از آنها بشنوی.

ج س ۶: يفعل الله ما يريد، ولكني انتظر الموت ولقاء ربي ليلاً ونهاراً.

جواب سؤال ۶: خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد؛ ولی من شب و روز منتظر مرگ و ملاقات با پروردگارم هستم.

ج س ۷: تمثل تمهيداً للإمام (ع).

جواب سؤال ۷: زمینه‌سازی‌ای برای ظهور امام (ع) می‌باشد.

ج س ۸، ۹، ۱۰: كلا.

جواب سؤال ۸، ۹ و ۱۰: خیر.

ج س ۱۱: لا أوقت.

جواب سؤال ۱۱: تعیین وقت نمی‌کنم.

ج س ۱۲: ألا تخجل من هذا السؤال، وما يخصك وغيرك بحياة المعصوم الخاصة.

جواب سؤال ۱۲: آیا از این سؤال خجالت نمی‌کشی؟! زندگی خصوصی معصوم (ع) به تو و غیر تو چه ارتباطی دارد؟!

ج س ۱۳: كلا.

جواب سؤال ۱۳: خیر.

ج س ۱۴: هم مكلفون كغيرهم، ولا فرق بين عربي وأعجمي ولا بين أبيض وأسود إلا بالتقوى.

جواب سؤال ۱۴: آنها نیز مانند دیگران مکلف هستند و هیچ فرقی بین عرب و عجم و بین سفید و سیاه نیست جز در تقوی.

ج س ١٥: عدّة أمكنته.

جواب سؤال ١٥: در چند مکان اقامت می کند.

ج س ١٦: ومن أنا حتى أتكلم بتكليف ولي الله الأعظم.

جواب سؤال ١٦: من چه کسی هستم که بخواهم از تکلیف خلیفه ی بزرگ خداوند صحبت کنم!

ج س ١٧: أعرف ما أطلعني الله عليه بفضله ومنه، ولا أتحدث بها لأجل إثبات الدعوة.

جواب سؤال ١٧: از چیزهایی به فضل و منت خداوند مطلع می شوم ولی برای اثبات این دعوت از آنها حرفی نمی زنم.

ج س ١٨: متى ما أراد هو: ﴿ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴾^(١).

جواب سؤال ١٨: هر وقت او بخواهد: (گفت: اگر از پی من می آیی، نباید که از من چیزی بپرسی تا من خود، تو را از آن آگاه کنم)^(٢).

ج س ١٩: هو المذكور بالقرآن: ﴿ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا ﴾^(٣)، ﴿ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآغِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴾^(٤)، وأرض الله وسبيل الله هو الحجة على الخلق، فالإمام هو طريق الهجرة إلى الله وهو أقرب طريق موصل إلى الله.

جواب سؤال ١٩: در قرآن ذکر شده است: (آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟)^(٥)، (آن کس که در راه خدا مهاجرت کند، روی زمین برخورداري های بسیار و گشایش ها خواهد یافت و هر کس که از خانه ی خویش بیرون آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد، مزدش بر عهده ی خداوند

^١ - الكهف: ٧٠.

^٢ - كهف: ٧٠.

^٣ - النساء: ٩٧.

^٤ - النساء: ١٠٠.

^٥ - نسا: ٩٧.

است، و خداوند آمرزنده و مهربان است^(۱). زمین خدا و راه خدا همان حجت بر خلق می‌باشد؛ پس امام، راه هجرت به خداوند است، حتی نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند می‌باشد.

ج س ۲۰: إقرأ إضاءات من دعوات المرسلين الجزء الثاني بتأنٍ وتدبر.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

جواب سؤال ۲۰: کتاب روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان جلد دوم را با تأنی و دقت بخوان و تدبر کن.

أحمد الحسن - جمادى الاول ۱۴۲۶ هـ ق



پرسش ۴۸: چگونه مشاهده‌ی امام مهدی (ع) و دعوت به مناظره

السؤال / ۴۸: بسمه تعالی، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أرجو من سماحتكم الإجابة عن السؤالين التاليين جزاكم الله خيراً.

بسمه تعالی، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

از حضرت تعالی تقاضا می‌کنم به دو سؤال زیر، پاسخ دهید؛ خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

س۱: من معاجزكم لإثبات أنكم مرسلون من الإمام المهدي (عج)، أنه يرى الشخص في منامه صورة الإمام (ع) ويجبره بإتباعكم، ولكنني حاولت ذلك فلم أفلح فأرجو أن تعطوني الكيفية لذلك جزاكم الله خيراً.

سؤال ١: از معجزه‌های شما برای اثبات این که فرستاده از جانب امام مهدی (ع) می‌باشید این است که فرد، امام (ع) را در خوابش می‌بینند و آن حضرت او را به پیروی از شما فرمان می‌دهد. من تلاش کردم ولی تا حالا موفق نشده‌ام؛ خواهشمندم چگونگی این کار را برای من بفرمایید. خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

س ٢: هناك من يدعي أنه الأعلم، وأنه هو الأقرب إلى الله تعالى، وهو سماحة السيد محمود الحسني ويدعي أنه ولي أمر المسلمين، ويطالب بالمناظرة، وبما أنكم تصديتم للمناظرة لإثبات حجتكم فلماذا لا تناظرون هذا الشخص لإثبات عدم صدق دعواه في العلمية؛ لأنه يدعي أنه من الأدلة على علميته أنه لا يناظره أحد، وهو لحد الآن لم يناظر.

سؤال ٢: کسانی ادعا می‌کنند که از همه عالم‌تر و از همه به خداوند نزدیک‌ترند؛ مانند جناب سید محمود حسنی که ادعا می‌کند ولیّ امر مسلمین و خواهان مناظره است. از آنجا که شما برای اثبات حجّت‌تان آمادگی خود برای مناظره را اعلام کرده‌اید، چرا با این شخص مناظره نمی‌کنید تا ادعای دروغ وی در اعلم بودن را فاش کنید؛ زیرا سید محمود حسنی ادعا کرده است یکی از دلایل اعلم بودن او این است که تا حالا کسی نتواسته با او مناظره کند و او تا کنون در مناظره بی‌رقیب مانده است.

أرجو من سماحتكم أن تجيبوني عن هذين السؤالين؛ لأنني قد تأثرت بكم بنسبة معتد بها، ولكن لحد الآن لم أجد إجابة عن هذين السؤالين.
وفقكم الله تعالى لمرضاته.

مرتضى - ٥ / جمادى الأولى / ١٤٢٦ هـ . ق

امیدوارم حضرتعالی به این دو سؤال پاسخ دهید؛ چرا که من بیش از حد معمول تحت تأثیر شما قرار گرفته‌ام ولی تا کنون پاسخی برای این دو سؤال پیدا نکرده‌ام.
خداوند در آنچه مورد رضایتش است شما را توفیق عطا فرماید!

مرتضى - ٥ جمادى الاولى ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

يوجد دعاء في الموقع ادعُ به (الدعاء الموجود في: ج س ١٤).

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
دعا در سایت وجود دارد، آن را بخوان (این دعا در پاسخ سؤال ۱۴ موجود است).

أنا وأعوذ بالله من الأنا دعوت الجميع للمناظرة بالقرآن الكريم؛ لإثبات الحق، ومنهم السيد محمود الحسني الذي يدعو للمناظرة بعلم أصول الفقه، وقد رد عليه الشيخ ناظم العقيلي وهو من الأنصار بكتاب الإفحام، وهو مطبوع الآن ولم يرد عليه السيد محمود الحسني ولا أحد يمثله.

من و پناه می‌برم به خدا از منیت، همه را برای اثبات حق به مناظره به وسیله قرآن کریم دعوت کرده‌ام و از جمله آنها سید محمود حسنی که به وسیله علم اصول فقه به مناظره دعوت می‌کند می‌باشد. شیخ ناظم عقیلی که از انصار است در کتاب «الافحام» پاسخ وی را داده است؛ این کتاب چاپ شده است و سید محمود حسنی یا هر کس دیگری مانند او، پاسخی به آن نداده است.

وكتاب الإفحام يمثل مناظرة بين السيد محمود الحسني وأنصار الإمام المهدي (ع)، فاقراه وتدبر لتعرف صاحب الحق، وأسأل الله أن يهديك إلى سواء السبيل ويريك الحق حقاً، ويرزقك أتباعه ويريك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه.

أحمد الحسن - جمادي الأول / ۱۴۲۶ هـ. ق

کتاب «الافحام» در واقع مناظره‌ای فرضی بین سید محمود حسنی و انصار امام مهدی (ع) است؛ این کتاب را مطالعه کن و در آن بیندیش تا صاحب حق را بشناسی. از خداوند می‌خواهم که تو را به راه راست هدایت فرماید و حق را آن گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزیت گرداند!

احمد الحسن - جمادی الاولى ۱۴۲۶ هـ ق



پرسش ٤٩: چرا برای عامه‌ی مردم معجزه ظاهر نمی‌کنی؟

السؤال / ٤٩: لماذا دائماً تحتاج العلماء وتقول أنك سوف تظهر المعجزة في حال وجودهم، ولماذا لا ترسل هذه الحجة إلى عوام الناس كي يتبعوك كما فعل رسول الله، وان قلت إن موسى (ع) حاجج فرعون أولاً، فالجواب على ذلك إن فرعون كان يمتلك قدرة عسكرية باستطاعته إبادة بني إسرائيل، باعتبار أنهم كانوا تحت حكمه، على العكس من العلماء لا يوجد هذا لهم، أخيراً أطلب وجود صورة لك للتعرف عليك. وسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

محمد الهلالي - العراق / العمر ٢٦ سنة - ٥ / جمادى الأولى / ١٤٢٦ هـ . ق

به طور مرتب برای علما دلیل و برهان می‌آوری و می‌گویی اگر علما باشند من معجزه نشان خواهم داد؟ برای چه این حجّت و برهان را برای عوام نمی‌آوری تا از تو پیروی کنند همان گونه که پیامبر خدا انجام داد. اگر بگویی موسی (ع) ابتدا برای فرعون دلیل و برهان آورد، پاسخ این خواهد بود که فرعون از قدرت نظامی برخوردار بود و قادر بود بنی اسرائیل را نابود کند، چرا که آنها تحت سیطره‌ی او بودند در حالی که در رابطه با علما، موضوع، بر عکس می‌باشد و چنین وضعیتی برای آنها وجود ندارد. در انتها تصویری از شما می‌خواهم تا شما را بشناسم. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

محمد الهلالي - العراق - ٢٦ ساله - ٥ جمادى الاولى ١٤٢٦ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

١- عوام الناس عبید أم أحرار؟

فاذا كانوا أحراراً فتوجد الآن أدلة كثيرة جداً على صدق الدعوة وأحقيتها تأخذ برقبة كل طالب حق، هي بعينها أدلة رسول الله محمد (ص)، ومنها أمور معجزة وإخبارات غيبية كثيرة جداً حصلت مع الأنصار، وجمع شيء يسير منها طبع ونشر^(١).

^١ - يشير (ع) إلى كتاب كرامات وغيبيات، وهو أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)، فقد ذكر فيه غيض من فيض تلك الكرامات التي من الله بها على أنصار الإمام أحمد الحسن روجي فداه.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

۱ - عوام مردم یا بنده‌اند و یا آزاد؟

اگر آزاد باشند که دلایل زیادی برای اثبات حقانیت این دعوت وجود دارد که هر طالب حقی را می‌تواند اقناع کند. این دلایل، همان دلایل حقانیت رسول خدا حضرت محمد (ص) می‌باشد؛ از آن جمله معجزه و اخبار غیبی زیادی که برای انصار حاصل شده است می‌باشد که بخش کوچکی از آنها چاپ و منتشر شده است^(۱).

۲ - وهل المعجزة يجب أن يراها كل الناس!؟

فلم يرَ تسبيح الحصى في يد رسول الله (ص) إلا حذيفة، ولم يكلم الذئب إلا اليهودي، ولم يسمع حنين الجذع على رسول الله إلا أصحابه وأنصاره، ولم ير تحرك الشجرة إلا القليل من كفرة قريش، وكذلك در شاة أم معبد وغيرها من معاجزه (ص)^(۲)، وشبيه بهذه الأمور حصلت في هذه الدعوة.

۲ - آیا همه‌ی مرم باید معجزه ببینند؟!

جز حذیفه کس دیگری تسبیح سنگریزه‌ها در دست حضرت محمد (ص) را ندید و کسی جز یک یهودی با گریه صحبت نکرد و به جز اصحاب و انصارش، کس دیگری گریه‌ی ساقه‌ی درخت به خاطر رسول خدا را نشنید و راه رفتن درخت را جز اندکی از کافران قریش کس دیگری ندید و به همین صورت دوشیدن شیر گوسفند ام معبد و سایر معجزات ایشان (ص) را^(۳)؛ و موارد شبیه اینها نیز در این دعوت، به وقوع پیوسته است.

ومن المعاجز أني العبد المسكين المستكين بين يدي ربه مسح على عيني بعض شيوخ الحوزة العلمية بالنجف في بداية الدعوة في عهد صدام الكافر (لعنه الله) وكشف عنهم الغطاء وأصبحوا يرون الملائكة وملكوت السماوات، وحصلت مع بعضهم معجزات مادية، وبعد مدة كفروا وقالوا

^۱ - اشاره می‌فرمایند به کتاب کرامات و غیبیات که از انتشارات انصار امام مهدی (ع) می‌باشد که در آن گوشه‌ای از عنایاتی که خداوند بر انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد منت نهاده، نگاشته شده است.

^۲ - راجع کتاب العجل: الجزء الأول؛ فقد ذكر السيد أحمد الحسن (ع) بعضاً من تلك المعاجز التي جاءت على يد الرسول محمد (ص).

^۳ - به کتاب فتنه‌ی گوساله جلد اول مراجعه نمایید که در آن سید احمد الحسن (ع) برخی از معجزاتی که به دست رسول خدا انجام شده را بیان فرموده است.

ساحر و يحضر الجن و...و..و كأنهم لم يسمعوا قوله تعالى: ﴿وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَاباً مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ﴾^(١).

از جمله معجزه‌های این بنده‌ی مسکین بی‌نوا در پیشگاه پروردگارش، این است که به چشمان بعضی از طلاب حوزه‌ی علمیه در نجف در آغاز دعوت‌م در زمان صدام کافر (که لعنت خدا بر او باد) دست کشیدم و پرده از روی چشمانشان کنار رفت و آنان فرشتگان و ملکوت آسمان‌ها را دیدند و برای برخی از آنها معجزات مادی نیز اتفاق افتاد ولی بعد از مدتی کافر شدند و گفتند ساحر و جادوگر است و جن احضار می‌کند و.... و.... گویی اصلاً این سخن خداوند متعال را نشنیده بودند که: (اگر برایشان از آسمان دری بگشاییم که از آن بالا روند)^(٢).

والآن بعضهم عاد وبایع من جدید بعد أن ارتد عن الدعوة فيما مضى، فیا أخي ملأتم كبدي قيحاً كما ملأ أسلافكم كبد أمير المؤمنين (ع) قيحاً.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

حال بعضی از آنها آمدند و پس از اینکه در گذشته از دعوت مرتد شده بودند، دوباره بیعت کردند. پس ای برادر، شما دل مرا خون کردید همان طور که گذشتگان شما دل امیر المؤمنین (ع) را خون کردند.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ ق



پرسش ٥٠: لطفاً تفصیل خمس و زکات را بفرمایید.

السؤال / ٥٠: بسم الله الرحمن الرحيم

أنا وأعوذ بالله من الأنا أحد المؤمنين بالدعوة الذين أنعم عليهم الله بهذه النعمة، وقد رأيت رؤيا بالسيد أحمد الحسن وكأنه ممن يرافقون الإمام الحجة (عج)، وكأني أعرفه بشخصه هو السيد، علماً أنني كنت من مقلدي السيد علي الموسوي، أي من الفرقة الشيعية أرجوا منكم إعطائي

^١ - الحجر: ١٤.

^٢ - حجر: ١٤.

تفاصيل عن موضوع الخمس والزكاة، إضافة إلى رأي السيد باللحم الهندي المستورد من الكويت وهو لحم عجل غير مثروم، هل أكله حلال أم لا؟

الأخت رشا - من البصرة - ۸ / جمادى الأولى / ۱۴۲۶ هـ . ق

بسم الله الرحمن الرحيم

من و پناه می‌برم به خدا از منیت، یکی از ایمان آورندگان که خداوند با این نعمت بر آنها منت نهاده است، می‌باشم. در رؤیا سید احمد الحسن را دیدم؛ گویا او از کسانی بود که امام زمان (ع) را همراهی می‌کرد و گویا من او را می‌شناختم که سید است؛ با توجه به اینکه من در گذشته از مقلدین سید علی موسوی یا همان فرقه‌ی شیخیه بودم. از شما تقاضا دارم که شرح تفصیلی خمس و زکات را عنایت فرمایید و نظر سید را در مورد حکم گوشت هندی که از کویت وارد می‌شود و به صورت گوشت گوساله‌ی چرخ نشده است، بفرمایید؛ آیا خوردنش حلال است یا حرام؟

خواهر رشا از بصره - ۸ جمادى الاول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الأخت المؤمنة، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أسأل الله أن يوفق كل مؤمن ومؤمنة لخير الآخرة والدنيا، أما الخمس والزكاة ففيهما تفصيل كثير جداً ولكن لا بأس ببيان شيء.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

خواهر مؤمن، سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

از خداوند مسألت می‌کنم که به همه‌ی مردان و زنان مؤمن خیر دنیا و آخرت را توفیق عطا فرماید. اما خمس و زکات، جزئیات بسیار زیادی دارند ولی به طور خلاصه چیزهایی را بیان می‌کنم:

الخمس يخص الإمام المعصوم (ع) والحجة على الخلق في كل زمان، وهم أوصياؤه لهم أن

يضعوه حيث يشاؤون.

خمس مخصوص امام معصوم (ع) و حجّت بر مردم در هر زمان است؛ آنها اوصیای ایشان می باشند و به هر صورت که بخواهند می توانند آن را مصرف کنند.

ويجب الخمس في أمور: منها الأموال والمواد غير المستعملة (الجديدة)، ولا خمس في الدار التي يسكن فيها الإنسان، ولا في الأثاث المستعمل، ولا في السيارة التي يحتاجها الإنسان للتنقل، ولا في مصدر رزق الإنسان.

خمس در مواردی واجب می باشد؛ از جمله اموال و دارایی های استفاده نشده (نو). به خانه ای که انسان در آن زندگی می کند و نیز اثاثیه هایی که استفاده می شوند و اتومبیلی که انسان جهت نقل و انتقال به آن نیازمند است و همچنین منبع درآمد روزی انسان، خمس تعلق نمی گیرد.

وإذا كان لدى الإنسان دار أخرى أو سيارة ثانية أو مصدر رزق ثانٍ فيجب فيها الخمس. اگر انسان خانه ی دیگری یا ماشین دیگری یا منبع درآمد دیگری داشته باشد، خمس بر آنها واجب می شود.

أما اللحم الهندي المستورد وغيره، فيحرم أكله، حتى يثبت أنه مذكّي بأيدي مسلمين وبصورة شرعية صحيحة.

أحمد الحسن - جمادى الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

اما گوشت هندی وارداتی و سایر موارد، خوردنش حرام است مگر اینکه ثابت شود به دست مسلمان و به صورت درست و شرعی ذبح شده باشد.

احمد الحسن - جمادى الأول ١٤٢٦ هـ ق



پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟!

السؤال / ۵۱: عندما يقرأ الناس دعوكم تظهر السخرية على وجوههم؛ لأنه الأدلة والبينات والحجج غير كافية على هذه الدعوة، فتنسب دعوكم إلى علامات ظهور المبطلين والمغرضين والضالين والمضلين الذين يسبقون ظهور الإمام المهدي (عج)، (كالحسني واليماني أو الذي يدعي هو المهدي (عج))، فماذا يميزكم عن كل هؤلاء ولو بشيء يلفت النظر.

حسين العوادي - العراق - ۱۱ / جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

وقتی انسان ادعاهای شما را می‌خواند، خنده‌اش می‌گیرد؛ چرا که دلیل و برهان و حجت کافی برای این دعوت وجود ندارد. این ادعاهای شما انسان را به یاد افراد باطل و مغرض و گمراه و گمراه‌کننده‌ای می‌اندازد که قبل از ظهور امام مهدی (ع) ظاهر می‌شوند (مانند مدعیان حسنی، یمانی و یا کسی که ادعا می‌کند مهدی (ع) است). چه چیزی شما را از این افراد متمایز می‌سازد؟ حتی اگر مورد کوچکی باشد، بگویید!

حسین العوادی - عراق - ۱۱ جمادی الاول ۱۴۲۶

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

هذه الدعوة مؤيدة بأدلة كثيرة، وأنا وأعوذ بالله من الأنا لم أقل لأحد اتبعني أعمى، بل أقول افتح عينيك وميّر الدليل واعرف صاحب الحق لتنقذ نفسك من النار، فدعوة الحق ترافقها دعاوى باطلت كحال رسول الله (ص) لما رافقته دعوة مسيلمة الكذاب (لعنه الله) وأشباهه.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

این دعوت با دلایل بسیاری تایید شده است و من و پناه می‌برم به خدا از منیت، به کسی نمی‌گویم که کورکورانه از من پیروی کند بلکه می‌گویم، چشمانت را باز کن و دلایل را درست تشخیص بده و صاحب حق را بشناس تا خود را از آتش برهانی. در کنار دعوت حق همواره ادعاهای باطلی نیز وجود داشته است؛ مانند وضعیت زمان رسول خدا (ص) که هم‌زمان با وی، مسیلمه‌ی کذاب (لعت خدا بر او باد) و نظایرش نیز بودند.

وكما عن المفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إياكم والتنويه، أما والله ليغيبن إمامكم سنيماً من دهركم، ولتمحصن حتى يقال مات، قتل، هلك، بأي واد سلك؟ ولتدمعن عليه عيون المؤمنين، ولتكفأن كما تكفأ السفن في أمواج البحر فلا ينجو إلا من أخذ الله ميثاقه، وكتب في قلبه الإيمان، وأيده بروح منه، ولترفعن اثنتا عشرة راية مشتبهتة، لا يدرى أي من أي، قال: فبكيت، ثم قلت: فكيف نضع؟ قال: فنظر إلى شمس داخلته في الصفة فقال: يا أبا عبد الله ترى هذه الشمس؟ قلت: نعم، فقال (ع): والله لأمرنا أبين من هذه الشمس^(١)، فقد بين الإمام (ع) أنّ دعوة الحق أبين من الشمس، وهي أبين من الشمس؛ لأنّ أدلتها أدلة الأنبياء والمرسلين والرسول محمد (ص) والأئمة (ع)، فالتفت إلى أدلة هذه الدعوة وقارنها بدليل الرسول محمد (ص)، اقرأ بعض أدلة الدعوة في كتاب النور المبين للأستاذ ضياء الزيدي، وفي كتاب البلاغ المبين للشيخ ناظم العقيلي، وستجد الأدلة كثيرة جداً، منها وصية رسول الله (ص) والروايات عن أهل البيت (ع) والعلم والحق والهداية والمباهلة وقسم البراءة والكشف والرؤيا بالرسول والأئمة والأنبياء (ع) التي رآها المؤمنون والمعجزات والغيبيات.

مفضل بن عمر می گوید: شنیدم ابا عبد الله (ع) می فرمود: «بپرهیزید از شهرت دادن و فاش کردن! به خدا سوگند که امام شما سال‌های سال از روزگار شما غایب شود و هر آینه شما در فشار آزمایش قرار گیرید تا آنجا که بگویند: امام مُرد، کشته شد و به کدام دره افتاد و دیده‌ی اهل ایمان بر او اشک بارد، و شما مانند کشتی‌های گرفتار امواج دریا متزلزل و سرنگون شوید، و نجات و خلاصی نیست، جز برای کسی که خدا از او عهد و پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت کرده و به وسیله‌ی روحی از جانب خود تقویتش نموده باشد. دوازده پرچم مشتبه برافراشته گردد که هیچ یک از دیگری تشخیص داده نشود». مفضل گوید: من گریستم و عرض کردم: پس ما چه کنیم؟ حضرت (ع) به شعاعی از خورشید که در ایوان تابیده بود اشاره کرد و فرمود: «ای ابا عبد الله، این آفتاب را می‌بینی؟» عرض کردم: آری. فرمود: «به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن‌تر است»^(٢). بنابراین امام (ع) روشن کردند که دعوت حق از خورشید هم روشن‌تر است. این دعوت نیز از خورشید روشن‌تر است؛ چرا که دلایل آن، همان دلایل انبیا و فرستادگان و حضرت محمد (ص) و ائمه (ع) می‌باشد. پس به دلایل این دعوت توجه کن و با دلایل رسول خدا حضرت محمد (ص) مقایسه کن. برخی از این دلایل را می‌توانی در کتاب «نورالمبین» نوشته‌ی استاد «ضیاء زیدی» و «البلاغ المبين» نوشته‌ی «شیخ ناظم عقيلي» مطالعه کنی. در این صورت خواهی دید که دلایل بسیاری زیادی وجود دارد از جمله وصیت رسول اکرم (ص) و روایات اهل

^١ - الكافي: ج ١ ص ٣٣٦.

^٢ - کافي: ج ١ ص ٣٣٦.

بیت (ع)، علم، حق و هدایت، مباحله، قسم براءت، مکاشفه و رؤیای رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) که بسیاری از مؤمنان دیده‌اند و معجزات و غیبات.

وإن لم تنفك كل هذه الأدلة ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ﴾ ﴿يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(۱)، وعندها قل مع القائلين: ﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾^(۲)، وسيأتيكم الجواب: ﴿أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾ ﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ﴾^(۳).

و اگر همه‌ی این دلایل سودی به تو نرساند: (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور)^(۴) و در آن هنگام به همراه دیگران بگو: (ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دورگردان که ما ایمان آورده‌ایم)^(۵) و پاسختان این گونه خواهد بود: (کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد * سپس از او روی گردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته)^(۶).

سبحان الله، ألم تتعضوا بحال الأمم التي سبقتكم ؟ فحالكم اليوم كحال اليهود مع أنبيائهم.

سبحان الله! آیا از حال امت‌های پیشین عبرت نمی‌گیرید؟ وضعیت امروز شما مانند وضعیت یهود با پیامبرانشان است.

ألم تتعضوا بكلام الله وبالقصص التي في القرآن ؟ انظروا إلى حالكم، أليس هو حال علماء اليهود ومقلديهم عندما سخروا من زكريا (ع) ومن يحيى (ع) ومن عيسى (ع)، ما فرقكم عنهم بالله عليك؟!

۱- الدخان: ۱۰- ۱۱.

۲- الدخان: ۱۲.

۳- الدخان: ۱۳- ۱۴.

۴- دخان: ۱۰ و ۱۱.

۵- دخان: ۱۲.

۶- دخان: ۱۳ و ۱۴.

آیا از کلام خداوند و داستان‌هایی که در قرآن هست، پند و عبرت نمی‌گیرید؟ به وضیت خودتان بنگرید؛ آیا همان وضیت علمای یهود و مقلدانشان نیست آن هنگام که زکریا(ع) و یحیی(ع) و عیسی(ع) را به ریشخند می‌گرفتند؟ شما را به خدا سوگند، فرق شما با آنها چیست؟

وإن كنت ممن ألقى السمع وهو شهيد، ستجش بالبكاء وتقول والله نحن أسوء من اليهود وعلمائهم الذين انكبوا على الدنيا وحاربوا الأنبياء وأنصارهم الذين ساروا إلى الآخرة، وأمنوا بها وبملكوت السماوات والغيب.

ما الذي يدفعكم للسخرية مني ومن المؤمنين بهذه الدعوة الحقّة؟ أسأل نفسك وراجع ربك و﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾^(۱).

اگر از کسانی باشی که به سخن حق گوش فرا می‌دهند در حالی که او شاهد است، حتماً با حالت گریان خواهی گفت: به خدا سوگند که ما از یهود و از علمای یهود هم بدتر هستیم؛ کسانی که به دنیا چسبیدند و با انبیا و انصارشان به نبرد پرداختند؛ همان انصاری که به سوی آخرت شتافتند و به آن و به ملکوت آسمان‌ها و غیب ایمان داشتند.

چه چیزی باعث می‌شود که من و مؤمنان به این دعوت را به باد مسخره بگیریم؟ از خودت سؤال کن و به پروردگارت رجوع نما و (بخوان نامه‌ات را که امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود، بسنده‌ای)^(۲).

وعلى مَرِّ العصور من هم المستهزئون؟ وهل سمعت أو قرأت أنّ الأنبياء والمرسلين (ع) والمؤمنين يستهزئون؟ لكنك دائماً تجد أنّ الاستهزاء والسخرية هو ديدن المكذبين والكافرين بدعاوى الأنبياء والمرسلين.

در طول قرن‌ها مسخره‌کننده‌ها چه کسانی بودند؟ آیا شنیده یا خوانده‌اید که انبیا، فرستادگان و مؤمنین کسی را مسخره کرده باشند؟ ولی همواره ملاحظه می‌کنید که استهزا و مسخره کردن، روش و شیوه‌ی تکذیب‌کننده‌ها و کافران به دعوت‌های انبیا و فرستادگان، بوده است.

^۱ - الإسراء: ۱۴.

^۲ - اسراء: ۱۴.

بئس القوم كنتم لي يا أهل العراق، اتبعتم كبراءكم الذين اتبعوا أمريكا وهادنوها واقروا ديمقراطيتها، ورضيتم أخيراً بسقيفة الظالمين، وأعطيتم العذر لمن نحى أمير المؤمنين علياً (ع)، وانقلبتم على أعقابكم كافرين بتنصيب الله وحاكميته سبحانه وتعالى، وحاربتهم هذه الدعوة الحقّة طلباً للدنيا العفنة.

چه بد قومی هستید شما ای اهل عراق! از بزرگانان که از آمریکا پیروی می‌کنند تبعیت می‌کنید، با آمریکا سازش و دموکراسی‌اش را تأیید می‌کنید و در نهایت به سقیفه‌ی ظالمان راضی شدید و عذر کسانی که امیر المؤمنین (ع) را از مقامش کنار زدند موجه دانستید و به آیین پیشینیانان که کافر به تنصیب از سوی خداوند و حاکمیت او سبحان و متعال بودند، بازگشتید و به طلب این دنیای کثیف و متعفن، با این دعوت حق به مبارزه برخاستید.

اتبعتم من لم یزده ماله ودنياه إلاّ خساراً، كما اتبع أهل مکتة أبا سفیان وحاربوا جدّي رسول الله محمداً (ص)، وما تنقمون مني وأنا أدعوکم لکتاب الله ولولي الله الأعظم الإمام المهدي (ع) ولنبد الباطل وأهله، ما خرجت إلاّ لطلب الإصلاح في أمة جدّي رسول الله (ص)، وبأمر أبي الإمام المهدي (ع)، كما خرج جدّي الحسين (ع) فإن اتبعتم أئمة الضلالة فقديماً فعل آباؤکم واتبعوا فقهاء الضلالة، شبت بن ربعي وشمر بن ذي الجوشن وشريحاً القاضي وأعانوا ابن زياد ويزيد (لعنهم الله) على قتل الحسين بن علي (ع)، وإنّ لفي العين قذى، وفي الحلق شجى، وإنّا لله وإنا إليه راجعون، وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون، ولا حول ولا قوة إلاّ بالله العلي العظيم.

از کسی پیروی کردید که مال و دنیایش چیزی جز ضرر نداشت؛ همان طور که اهل مکه از ابوسفیان پیروی کردند و با جدّم رسول خدا (ص) به مبارزه برخاستند. چرا با من دشمنی می‌کنید در حالی که من شما را به کتاب خدا و ولیّ بزرگوار خداوند حضرت مهدی (ع) و کنار گذاشتن باطل و اهلس دعوت می‌کنم؟! من جز برای اصلاح امتّ جدّم رسول خدا (ص) و به فرمان پدرم امام مهدی (ع) برنخاستم؛ همان طور که جدّم امام حسین (ع) قیام کرد. اگر از رهبران گمراهی پیروی کنید که در گذشته نیز پدرانان چنین کردند و فقهای گمراهی مانند شبت بن ربعی، شمر بن ذی الجوشن و شریح قاضی را پیروی نمودن و ابن زیاد و یزید (که لعنت خداوند بر آنان باد) را برای کشتن امام حسین (ع) یاری دادند، در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو دارم و همه از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم، در این صورت (به زودی کسانی که ظلم کردند خواهند فهمید به کدامین بازگشت‌گاه باز خواهند گشت) و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظيم.

تدبروا قوله تعالى: ﴿إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضَحَكُونَ ﴿١﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢﴾^(١)، ثم اسخروا واضحكوا كثيراً، فلا تخطئون سنتَ أسلافكم وستحلبونها دماً عبيطاً، وسيلعنكم التالون كما يلعن اليوم من حارب محمداً (ص) وسخر منه، وستعلمون من الراح غداً عندما لا ينفعكم العلم شيئاً.

در این سخن خداوند متعال به نیکی تدبّر کنید: (آری، گروهی از بندگان من می گفتند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم، ما را بیامرز، و بر ما رحمت آور که تو بهترین رحمت آورندگانی * و شما ریشخندشان می کردید تا یاد مرا از خاطرتان بزدودند و شما همچنان به آنها می خندیدید * امروز آنها را به پاداش صبری که می کردند پاداش می دهم که آنها سعادت مند هستند)^(٢). پس شما مسخره کنید و بسیار بخندید و سنت گذشتگان خود را زیر پا نگذارید که به زودی ثمره‌ی آن را خون‌های ریخته شده برداشت خواهید کرد و آیندگان شما را لعنت خواهند نمود همان طور که امروز کسانی که با حضرت محمد (ص) جنگیدند و او را مسخره کردند، لعن می شوند و فردا خواهید فهمید که چه کسی سود برده است؛ زمانی که دیگر علمتان سودی برای شما نخواهد داشت!

وأنا وأعوذ بالله من الأنا ساقص لك ولغيرك هذه الرؤيا لعلكم تتعظون: (رأيت في المنام: إنَّ أحد الشيوخ في حوزة النجف - وأنا أعرفه - واقف بقربي، وبقربنا مجموعة من الملائكة وهم بصورة البشر، فسألوا الشيخ المذكور عني وعرضوا عليه أدلة الدعوة، فكذب الدعوة، ثم جاء شخص مهيب وعظيم القدر وكأنه مهيم على الملائكة وعلى الرؤيا وكل ما فيها، فقال الملائكة للشيخ المذكور: وهذا الشخص أيضاً لديه دعوة وهذه أدلتها، فعرضوا عليه أدلة دعوة هذا الشخص العظيم القدر، فقال: إنَّ دعوة هذا الشخص كأدلة دعوة أحمد الحسن، فقال الملائكة للشيخ المذكور: أو تعرف من هذا؟! هذا محمد بن عبد الله صاحب السيف القاطع والسهم النافذ، رسول الله (ص)، فقال الشيخ المذكور: أنا لا أصدق بمحمد ولا بأحمد، وأعرض بوجهه) وأقسم بالله العلي العظيم إنِّي رأيت هذه الرؤيا وفيها الرسول محمد (ص)، ولم أقص عليك هذه الرؤيا كدليل استدل به على أحقية هذه الدعوة، وإن كانت الرؤيا دليلاً، ولكني قصصتها لأنني أعتبرها رسالة من الله، لعل الله ينفعك وغيرك بالمعاني التي وردت فيها فتتعظ وأمثالك والله ولي التوفيق.

^١ - المؤمنون: ١٠٩ - ١١١.

^٢ - مؤمنون: ١٠٩ تا ١١١.

من و پناه می‌برم به خدا از منیت، رؤیایی را برای شما و دیگران تعریف می‌کنم، شاید که پند و عبرت بگیرید: «در خواب دیدم یکی از شیخ‌های حوزه‌ی علمیه‌ی نجف که من او را می‌شناسم کنار من ایستاده بود و در نزدیکی ما گروهی از فرشتگان در هیأت انسان، ایستاده بودند. آنها از آن شیخ درباره‌ی من سؤال پرسیدند و دلایل این دعوت را به وی عرضه نمودند و شیخ این دعوت را تکذیب کرد. شخص با ابهت و والامقامی که گویا بر این فرشتگان و بر همه‌ی عالم رؤیا سیطره داشت، آمد. فرشتگان به شیخ مذکور گفتند: این شخص نیز دعوتی دارد و اینها دلایلش هستند؛ و ملائکه به شیخ دلایل دعوت آن شخص والامقام را عرضه داشتند. شیخ گفت: دعوت این شخص مانند دلایل دعوت احمد الحسن است. ملائکه به آن شیخ گفتند: آیا می‌دانی این مرد کیست؟! این شخص محمد بن عبد الله صاحب شمشیر بُرنده و تیر تیز است! شیخ یاد شده گفت: من نه به محمد و نه به احمد ایمان ندارم. سپس رویش را برگرداند». به خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگوار قسم می‌خورم که من این رؤیا را دیدم و در این رؤیا رسول خدا حضرت محمد (ص) حاضر بود. من این رؤیا را به عنوان دلیلی بر حقانیت این دعوت برایت تعریف نکردم - اگرچه رؤیا خود دلیل است - این رؤیا را برایت گفتم چون آن را نامه‌ای از جانب خداوند می‌دانم شاید خداوند توسط این رؤیا و مفاهیمی که در آن وجود دارد، به تو و دیگران سود برساند و پند بگیرد؛ و خداوند توفیق‌رسان است.

والحمد لله الذي جعلنا مؤمنين بملكوت السماوات والغيب والآخرة وهي من الغيب والحمد لله وحده، ولعنة الله على كل كافر جاحد بملكوت السماوات والغيب.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ١٤٢٦ هـ . ق

سپاس خداوندی را که ما را مؤمن به ملکوت آسمان‌ها و غیب و آخرت که از غیب است، قرار داد. حمد و ستایش مخصوص خداوند یگانه است و لعنت خداوند بر هر کافری که به ملکوت آسمان‌ها و غیب ایمان ندارد.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ١٤٢٦ هـ . ق



وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم تسليماً.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم تسليماً